

عوامل اقتدار امت اسلامی  
در قرآن کریم





# اُمّت قوی

عوامل اقتدار امت اسلامی در قرآن کریم

جمعی از طلاب حوزه علمیه مشکات؛

زیر نظر استاد **محمد حاج ابوالقاسم دولابی**

انتشارات: آیه نور

گرافیک: سید قاسم سیدیان

شمارگان: ۳۰۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اُمّت قوی

عوامل اقتدار امت اسلامی  
در قرآن کریم

جمعی از طلاب حوزه علمیه مشکات  
زیر نظر استاد  
محمد حاج ابوالقاسم دولابی

## فهرست مطالب

- جزء ۱: ایمان به غیب ..... ۷
- جزء ۲: انسجام اجتماعی مهمترین عامل اقتدار امت اسلام ..... ۱۳
- جزء ۳: معیشت و اقتصاد سالم، زیربنای اقتدار ..... ۱۹
- جزء ۴: ایمان و علم به سنت های الهی ..... ۲۷
- جزء ۵: حفظ بنیان خانواده ..... ۳۵
- جزء ۶: محوریت امام ..... ۴۳
- جزء ۷: ایمان به آیات خدا ..... ۴۹
- جزء ۸: عقلانیت دینی ..... ۵۷
- جزء ۹: نقش خواص در اقتدار امت ..... ۶۵
- جزء ۱۰: جهاد با دشمنان ..... ۷۱
- جزء ۱۱: توحید و یکتامحوری ..... ۷۷
- جزء ۱۲: اطاعت پذیری از رهبر و فرمانده ..... ۸۵
- جزء ۱۳: استقامت امت اسلامی ..... ۹۳
- جزء ۱۴: هجرت ..... ۱۰۱
- جزء ۱۵: معنویت ..... ۱۰۹

## فهرست مطالب

- جزء ۱۶: پابندی به عهد و پیمان و عدم فراموشی آن..... ۱۱۷
- جزء ۱۷: تعظیم شعائر و مناسک دینی..... ۱۲۵
- جزء ۱۸: مبارزه با فساد و فحشا در سوره نور..... ۱۳۳
- جزء ۱۹: محوریت قرآن در همه امور فردی و اجتماعی..... ۱۴۱
- جزء ۲۰: دنیاگریزی..... ۱۴۹
- جزء ۲۱: فرهنگ دانش بنیان..... ۱۵۵
- جزء ۲۲: قیام الله و اندیشه ورزی..... ۱۶۳
- جزء ۲۳: قدرت درک و تحلیل مسائل..... ۱۶۹
- جزء ۲۴: نقش خواص در بیداری امت اسلامی..... ۱۷۷
- جزء ۲۵: مشورت و دوری از استبداد..... ۱۸۵
- جزء ۲۶: کمک به دیگران..... ۱۹۱
- جزء ۲۷: عدالت..... ۱۹۷
- جزء ۲۸: جلوگیری از نفوذ دشمن..... ۲۰۵
- جزء ۲۹: علم و دانش..... ۲۱۵
- جزء ۳۰: ادب در گفتار و رفتار..... ۲۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## و ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاتقون

خداوند متعال، امت اسلام را امتی متمایز و ممتاز قرار داده است. این امت اگر در مسیر قرآن که به بهترین سمت و سو هدایت می‌کند قرار بگیرد، به اوج عزت و سعادت دست میابد. قدرت امت اسلام و پیروزی آن مرهون عمل به آیات حیات بخش این کتاب است. در ماه مبارک رمضان که ماه بهار قرآن است و مقارن با قرن جدید که «قرن تمدن اسلامی» است بر آن شدیم که به موضوع عوامل اقتدار امت اسلام از نگاه قرآن بپردازیم و با تکیه بر آیات نورانی سی جزء قرآن کریم، برای هر روز به عوامل و یا موانع اقتدار امت اسلام با توجه به آیات هر جزء اشاره کنیم. برای این منظور در ابتدا در جلسات متعددی به سی موضوع از سی جزء قرآن دست یافته و سپس جمعی از طلاب گران قدر حوزه علمیه مشکات، سی مقاله در ذیل موضوع «امت قوی» با اشاره به عوامل اقتدار امت اسلام، نگاشتند. در گام بعدی مقالات تلخیص شده و پس از ویراستاری بصورت حاضر در اختیار علاقمندان قرار گرفت. این کتاب می‌تواند دستمایه استفاده در مباحث تفسیری مبلغین در ماه رمضان قرن جدید قرار بگیرد.

امید است این کار کوچک مورد قبول صاحب قرآن قرار بگیرد.

لازم است از طلاب عزیز آقایان حکم آبادی، مصلحی، حسنی، اسلامی، تلیان، سید هروی، سخایی، اکرمی، ورکش، مرتضوی، برخوردار، منهجی، علینژاد، هداوند، شاه ابراهیمی، کرمعلی، ونایی، صالح محمدی، شمسایی، محمودخانی، نادری، محمدی، حاجی زاده، ترکمن، سام، مصلحی، منهجی، محمودخانی، تقی زاده، خلیلی، وخواهران گرامی سرکار خانم‌ها: رضایی، آخوندیان، قدسیان، عباسی، جنتی که در تدوین مقالات زحمات زیادی کشیدند، تشکر نمایم.

همچنین بصورت ویژه از برادر عزیز آقای امیر حسین صفاریان که در مدیریت تدوین مقالات زحمات زیادی را متحمل شدند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

محمد حاج ابوالقاسم دولابی

فروردین ۱۴۰۱

## جزء ۱

### ایمان به غیب

البقرة: ۳ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

سوره بقره به عنوان اولین سوره‌ای که در مدینه نازل شده است می‌تواند نقشه راه و الگویی کلان در جهت نیل به مقاصد مطلوب شریعت باشد تا با تصویرسازی چارچوب حاکمیت الهی، حکومتی توحیدی محقق شود.

در آغاز این سوره خدای متعال، متقین را با اوصاف خاصی، از دیگر انسان‌ها متمایز کرده که اولین آنها، ایمان به غیب است که اگر ایمان به غیب نباشد هیچ انسان مومن و متقی نمی‌تواند سختی‌ها و مرارت‌های دنیا را تحمل کند.

در حقیقت، یک حکومت توحیدی با ایمان به خدای متعال و باور قلبی به او و سخنان او شکل می‌گیرد که تمام اعمال و رفتار ما را مدیریت می‌کند و چنان اقتدار و شجاعتی به موحدان می‌دهد که دیگر انسان‌ها در برابر این اقتدار، به زانو در می‌آیند.

این اقتدار و شجاعت، برخاسته از همان نگرش توحیدی ایمان به غیب است ایمان به خدای متعال و حمایت‌های او از انسان‌های موحد و متقی، ایمان به عالمی پس از این عالم و اعتقاد به روز جزا که تمامی رفتار ما را ملاحظه کرده اند، ایمان به بهشت و دوزخ که همه اینها جزو مصادیق غیب به حساب می‌آیند.

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است که فرمود:

**(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)** يَغْنَى بِمَا غَابَ عَنْ حَوَاسِهِمْ - مِنَ الْأُمُورِ الَّتِي يَلْزَمُهُمُ الْإِيمَانُ بِهَا، كَالْبُعْثِ [وَالنُّشُورِ] وَالْحِسَابِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَتَوْحِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سَائِرِ مَا لَا يُعْرَفُ بِالْمُشَاهَدَةِ<sup>۱</sup>

منظور خدای متعال از الذین یؤمنون بالغیب یعنی ایمان به هر چیزی که با حواس پنجگانه قابل درک نیست مانند عالم قیامت، حساب و کتاب، بهشت و دوزخ و یگانگی خدای متعال و سایر چیزهایی که قابل مشاهده نیست مانند همان وعده ها و وعیدهای الهی که در ازای عملکرد ما در عالم قیامت به ما داده خواهد شد.

### ایمان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق ایمان به غیب

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که منظور از متقینی که ایمان به غیب دارند را شیعیان امیرالمومنین علیه السلام معرفی کرده و یکی از مصادیق ایمان به غیب را ایمان به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه دانسته اند که از دیدگان ما غایب هستند:

یحیی بن ابوالقاسم گوید از امام صادق علیه السلام در مورد آیه "الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ" سوال کردم فرمود: الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ ع وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ وَ شاهد ذلك قوله تعالى: وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ<sup>۲</sup>.

و در کلام دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در مورد آیه "هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ... يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ" فرمود: مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ ع أَنَّهُ حَقٌّ<sup>۳</sup>.

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۶۷

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷

۳. همان



## آثار ایمان به غیب

۱. درک حضور اولیاء الهی: کسی که ایمان به غیب دارد همیشه و در همه حال، خداوند و انبیا و اولیا را شاهد و ناظر بر اعمال خود می داند هرچند آنها را با حواس ظاهری خود نمی بیند

التوبة: ۱۰۵ **وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرْدُونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**

همچنین به توجهات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باور قلبی دارد که فرموده است: **اِنَّا غَيْرُ مُهِمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ**

۲. مدیریت رفتار: کسی که ایمان به غیب دارد مدیریت در رفتار دارد چون باور دارد

که قیامتی هست و او را مورد بازخواست قرار خواهند داد

الزلزلة: ۷ **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ**

الزلزلة: ۸ **وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**

۳. حرکت مقتدرانه: کسی که ایمان به غیب دارد در تمامی امور بر خدای متعال تکیه و توکل دارد و مقتدرانه عمل می کند

آل عمران: ۱۳۹ **وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**

۴. شجاعت در برابر دشمن: کسی که ایمان به غیب دارد از هیچ کس جز خدای متعال واهمه ای ندارد و در برابر دشمنان می ایستد.

الأحقاف: ۱۳ **اِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ**

۵. پیروزی نهایی: ایمان به غیب، انسان را به شادی پیروزی و رستگاری می رساند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که یکی از مصادیق مومنین به غیب را منتظرین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده و ایشان را حزب الله دانسته اند که خدای متعال آنها را رستگاران می نامد: «طوبی للصابرين فی غیبتہ، طوبی للمقیمین علی محبتہم، أولئک من وصفہم اللہ فی کتابہ، فقال: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَقَالَ: أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ

## ایمان به غیب در کلام رهبری

رهبر معظم انقلاب می فرمایند:

حد فاصل ادیان الهی و خیل عظیم مؤمنین عالم با بقیه‌ی مردم و انسانها، از زمان حضرت آدم تا امروز که هریک این‌ها عالمی بودند عبارت است از ایمان به غیب، یعنی ماورای دنیای احساسات ما و معادلات و محاسبات بشری مبتنی بر این حواس. حد فاصل و نقطه‌ی اصلی، اینجاست. آیه‌ی «**الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ**» در اول سوره‌ی بقره، به همین نکته اشاره می‌کند.

ایمان به غیب، به معنای بی‌اعتنایی به دنیای شهادت یعنی همین دنیای ارتباطات مشهود و مفهوم همه نیست؛ به این‌ها که نباید بی‌اعتنایی کرد. چشم می‌بیند، حواس احساس می‌کنند و عقل ادراک می‌کند. باید برطبق این‌ها عمل کرد. ایمان به غیب، معنایش این است که ماورای آنچه که در محدوده‌ی حواس ظاهری و ادراک مادی انسان هست، عالم دیگری، آن هم نه یک عالم بلبشوی هرکس هرکسی تصادفی بخت و اقبال، بلکه عالم منظم علت و معلولی دقیقی وجود دارد. یعنی ماورای این عالم مُلک، ملکوت و عالم معنایی هست. این عالم معنا، متعلق به قیامت و برزخ و بعد از مرگ نیست؛ متعلق به همین الآن من و شماست و باید به آن معتقد بود. البته نقطه‌ی اصلی، بلکه کلّ معنای حقیقی همه‌ی عوالم، ذات مقدس باری تعالی است که او منشأ حیات و وجود و فعل و انفعالات و حرکت و همه چیز است؛ لیکن در این عالم غیب، خیلی چیزهای دیگر هم می‌گنجد که باید به آن‌ها معتقد بود.

## جریان طبس مصداق تاثیر ایمان به غیب

بدبختی بشر آن وقتی است که همه‌ی حقیقت را در مشاهدات و محسوسات خودش

محدود و محصور کند؛ مثل مادیین و بسیاری از غیر مادیین غافل. این فرد غافل، مادی هم نیست، معتقد به خداست؛ اما باینکه به خدا اعتقاد دارد، ولی شعور ندارد که این اعتقاد، با اعتقاد به اصل غیب و فعل و انفعالات و علل و معالیل غیبی ملازم است. اگر ما معتقد به غیب نباشیم، یا درک درستی از آن نداشته باشیم، نتیجه این می شود که محاسبات مادی می کنیم، به معادلات و مبادلات مخلوق انسان، صد درصد دل می بندیم و اتکا می کنیم؛ همینهایی که می بینید صدی هشتاد یا صدی پنجاهش، غلط در می آید.

آن کس که همه ی جوانب را ملاحظه می کند، بعد مثلاً به طبس و یا به مرزهای غربی و جنوبی ما حمله می کند، کجای کارش اشکال دارد؟ آیا در محاسبات مایش، یک نقطه ی غلط هست؟ نه، محاسبات مادی، تا آنجا که درک فعل و انفعالات مادی به انسان می دهد، درست است. روی پول و آدم و ابزار و سیاست و تبلیغ و حمایتها حساب کردن، اجزای یک محاسبه ی مادی است. همه نوع محاسبه را کردند، ولی آخر سر می بینید که در مشتشان هیچ چیز نیست. این، حاکی از آن است که یک سلسله محاسبات و علل و عوامل و فعل و انفعالات هست که حواس انسان و در اغلب موارد، عقل مادی انسان را به آن ها راه نیست؛ آن ها را دید دیگری می تواند ببیند.

### امام ایمان به غیب داشت

من تصورم این است که امام یک حکیم بود؛ یعنی همان فعل و انفعالات معنوی باطنی پشت پرده را مثل جریانهای زیرزمینی آب که علم خاصی دارد می دید. هرکس اگر چشم هم نداشته باشد، دست که بزند، جریان آب رو را می فهمد و با گوشش، صدای شرشر آن را هم می شنود؛ اما جریان آبهای زیرزمینی را نه. این، معنای حکمت است. من می دیدم، آن انسان استثنایی زمان ما که هیچ کس با او قابل مقایسه نیست مثل اینکه جریانهای زیرزمینی حوادث و پشت پرده را می بینند. نمی خواهیم بگوییم که امام، غیب می دانست. خیر، هیچ کس جز کسی که خدای متعال به او اذن داده باشد، از غیب خبری ندارد. امام هم نه ادعا داشت و نه ما در مورد آن بزرگوار، این ادعاها را داریم. دید حکمت، غیر از این است؛ یعنی چیزهایی را با یک احساس معنوی درک می کند

همه‌ی این حوادثی که شما در انقلاب دیدید و امام در باره‌ی آن چیزی گفتند و شد، از این قبیل بود. نه اینکه تصور کنید ایشان محاسبه‌ی مادّی و سیاسی می‌کردند. نه، آن بزرگوار اهل این محاسبات نبودند. البته فکر سیاسی خیلی پخته‌ای داشتند و حقایق را می‌فهمیدند؛ اما این طور نبود که همان محاسباتی را که معمولاً می‌کنند، انجام بدهند. این، همان غیب و ملکوت عالم و ملکوت وجود شماست که باید به آن ایمان و اعتقاد داشت. راه رسیدن به آن هم تقواست.<sup>۱</sup>

۱. سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولیّ فقیه در این نهاد ۱۳۶۹ / ۰۶ / ۲۹

## جزء ۲

### انسجام اجتماعی مهمترین عامل اقتدار امت اسلام

البقرة: ۲۰۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

#### اهمیت وحدت و همبستگی

در آیات و روایات متعددی بر لزوم اتحاد و انسجام امت اسلامی تاکید شده است. این مهم را می توان از خلال متونی که بحث از اُمت، امامت، ولایت بین مؤمنین، همبستگی در برابر دشمن و عدم تفرقه نموده اند دریافت.

نکته مهمی که لازم است در ابتدا به آن اشاره شود اینکه اتحاد و همبستگی امت ها، شرط پیروزی و غلبه بر دیگران است هرچند متحدین، بر مذهب باطل بوده باشند کما اینکه امیرمومنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

إِنِّي وَاللَّهِ لَا أَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدَاؤُنَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ

به خدا می بینم که این قوم به زودی بر شما غلبه می کنند به خاطر [اتحاد و] اجتماعی که آنان بر باطلشان دارند، و تفرقه ای که شما از حق دارید.

بنابراین یکی از عوامل اقتدارآفرین که در آموزه های دینی به آن پرداخته و توصیه شده، وحدت و همبستگی میان نیروها و امت اسلامی است.

خدای متعال نیز دوستدار وحدت و اتحاد است و از پراکندگی و تشتت نهی می کند؛ در سوره مبارکه آل عمران، به مردم می فرماید به ریسمان الهی چنگ بزنید و یکپارچه، متحد شوید و از پراکندگی دوری کنید و به یاد بیاورید که خدای متعال میان شما مودت و دوستی برقرار کرد در حالی که با هم دشمن بودید ولی الان با هم برادر شدید؛

آل عمران: ۱۰۳ **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا**

و در آموزه های دین هم که از ناحیه خدای متعال برای بشریت به ارمغان آمده است دعوت به فعالیت های جمعی و گروهی در بسیاری از اعمال و افعال ما مورد تاکید خدای متعال قرار گرفته است مانند نماز جمعه، نماز جماعت، حج خانه خدا، دعا کردن به صورت گروهی و جمعی، و...

همه این موارد حکایت از اهمیت انسجام اجتماعی مؤمنین دارد. به همین دلیل است که امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه با بیان عجیبی می فرماید: هرکس شما را به تفرقه و اختلاف دعوت می کند با او مبارزه کنید حتی اگر عمامه من علی را بر روی سر داشته باشد؛

وَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّفَرُّقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ

با اکثریت همراه شوید، که دست خدا بر سر جماعت است، و از تفرقه و جدایی پرهیزید، که یکسو شده از مردم بهره شیطان است، چنان که گوسفند دور مانده از گله نصیب گرگ است. آگاه باشید کسی که به این شعار (تفرقه) دعوت کند او را بکشید گرچه زیر عمامه من باشد.

و نیز در سوره مبارکه بقره که از سوره های مدنی قرآن بوده و در آغاز شکل گیری حکومت اسلامی است می فرماید:

البقرة: ۲۰۸ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ**

## إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای اهل ایمان، همه شما متفقاً نسبت به اوامر خداوند در مقام تسلیم درآیید و از وساوس تفرقه انگیز شیطان پیروی نکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است  
این آیه در مقام راهکاری برای اقتدار امت اسلامی است که همان اتحاد میان مردم است که به آنها قدرت و ابهت می دهد و راه نفوذ دشمنان را می بندد.

## تعریف وحدت و شرط تاثیرگذاری آن

لازمه اتحاد، داشتن محوری برای این موضوع است و از همین رو یکی از لوازم اتحاد، پذیرفتن یک رهبر واحد و پیروی کردن از راهبردهای او و تخلف نکردن از مواضع و دستورات آن رهبر است.  
خدای متعال می فرماید همگی از من پیروی کنید و فریب دشمنان و وسوسه های آنها را نخورید.

در تعبیر دیگری فرموده است: آل عمران: ۳۲ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ

## اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

به مردم بگو از خدا و فرستاده های او حرف شنوی داشته باشید.  
از سوی دیگر اقتدار در پرتو اتحاد، مشروط به استقامت و تحمل سختی ها و کاستی ها است زیرا بالاخره دشمنان و معاندان، در مسیر پیشرفت شما سنگ اندازی می کنند و تلاش می کنند اتحاد و یکپارچگی شما را با هر بهانه ای متلاشی کنند و با اختلاف افکنی میان شما بر شما غلبه می کنند؛  
اینجاست که خدای متعال می فرماید اگر دوست دارید هیچ ترس و نگرانی بر شما وارد نشود بر اتحاد خود و هدف خود استقامت بورزید؛

الأحقاف: ۱۳ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

## عوامل شکل گیری اتحاد

### ۱. قبله مشترک

البقرة: ۱۴۴ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

خدای متعال در آیه فوق، دستور به قبله قرار دادن مسجدالحرام می دهد و به پیامبر هشدار می دهد که به حرف دیگران گوش نداده و روی خود را از قبله برمگرداند و به طور کلی به همه مسلمین دستور داده شده همشکل و متحد شده و به یک طرف رو کنند و نظم و همبستگی میان آنها شکل بگیرد

### ۲. مناسک جمعی مانند حج

آل عمران: ۹۷ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

آیات متعددی در قرآن کریم در مورد حج و حضور در کنگره عظیم حج وجود دارد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز هرساله به این کنگره بزرگ، پیام فرستاده و عظمت وحدت آفرینی آن را گوشزد می فرمایند و البته در سخنرانی های متعدد خویش نیز به این مهم پرداخته اند؛

#### بخشی از سخنان رهبری در مورد حج:

«ما معتقدیم که اسلام، وحدت مسلمین و اتحاد نیروهای مؤمن به خدا و موحد را یکی از فرایض قرار داده است. ما معتقدیم که یکی از بزرگترین اهداف حج خانه ی خدا این است که مسلمانان را به هم نزدیک کند. اینکه خدا فرموده است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»<sup>۱</sup> و همه ی مردم مسلمان عالم را در روزهای معین و در عرصه های محدودی مانند عرفات و مشعر و منا و مسجد الحرام جمع می کند؛



چرا این‌ها این قدر از آشنایی مسلمین باهم می‌ترسند؟! مسئله این است که وحدت اسلامی و وحدت بینش و نظر و سخن مسلمین، برای استکبار و در رأس آن، امریکای غدار و ابزارهای او در دستگاه حاکمیت سلطه در عالم، خطرناک است. این، حقیقتی است که امام بزرگوار ما بارها آن را بیان کرد.<sup>۱</sup>

### ۳. نماز جمعه

الجمعة: ۹ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

چرا خدای متعال به حضور در نماز جمعه امر می‌فرماید و دستور می‌دهد خرید و فروش را رها کنید؟ آیا جز به این دلیل است که همبستگی میان مردم را قوام بخشد و همگان را از مسائل سیاسی عبادی جامعه آشنا گرداند تا بنیان همبستگی را تقویت کند و با این همبستگی میان مردم، به آنها اقتدار بخشد؟!

### ۴. دشمن شناسی

البقرة: ۲۰۸ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

پیروی نکردن از دشمن مستلزم شناخت دشمن است و اگر دشمن را شناختیم طبیعتاً در مقابله با او هم پیمان و متحد می‌شویم. به همین دلیل است که خدای متعال، شیطان را دشمن آشکار بشریت معرفی می‌کند.

## برکات اتحاد و همبستگی

### ۱. حمایت الهی

الفتح: ۱۰ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

۱. سخنرانی در دیدار با میهمانان خارجی مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛ ۱۶/۰۳/۱۳۶۹



## ۲. آرامش و امنیت

الفتح: ۱۸ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

## ۳. پیروزی همیشگی

آل عمران: ۱۳۹ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

## ۴. ایجاد ترس در دل دشمن

الأنفال: ۶۰ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

## عواقب تفرقه و وحدت شکنی

### ۱. شکست و سستی

الأنفال: ۴۶ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

### ۲. افتادن در دام دشمن

نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷؛ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ

## جزء ۳

### معیشت و اقتصاد سالم، زیربنای اقتدار

البقرة: ۲۷۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

اگر دولت و ملت از نظر اقتصادی در مضیقه باشند ستون های حکومت متزلزل شده و به زودی فروخواهد ریخت.

در منشور حکومت داری امیرالمومنین علیه السلام خطاب به مالک اشتر آمده است؛

وَإِنَّمَا يُؤْتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا ( نهج البلاغه، نامه ۵۳)

و این نکته به مثابه هشدار برای همه دولت هایی است که امید به پیشرفت و بقا دارند و باید بدانند که در صورت خدشه وارد شدن به معیشت مردم، به بنیان های دولت و حکومت ضربه وارد خواهد شد. لذا امیرالمومنین علیه السلام مهمترین وظیفه مالک اشتر به عنوان حاکم مصر را چهار چیز بیان می فرماید:

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرُ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا

(۱) جمع آوری مالیات، (۲) مبارزه با دشمن، (۳) اصلاح و ساماندهی امور مردم مصر، (۴)

آبادانی منطقه

که از این چهار مورد فقط یک مورد از آن به جهاد با دشمن می پردازد ولی سه مورد دیگر مربوط به معیشت و اقتصاد مردم و منطقه است.

ایشان همچنین در تبیین وظیفه دولتمردان به چهار وظیفه اشاره کرده و می‌فرمایند:  
یکی از وظایف مهم دولت نسبت به شهروندان ساماندهی امور معیشت و اقتصاد مردم  
است؛ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ<sup>۱</sup>

بنابراین اصلاح امور اقتصادی و رسیدگی به امور معیشتی مردم از مهمترین های وظایف  
مسئولین است.

خدای متعال به این مهم نیز اشاره کرده و آموزه های وحیانی در تقویت این مساله فراوان  
است تا با تقویت بنیه اقتصادی، مسلمین را به اقتدار و شوکت برساند اما مهمتر از اصل اقتصاد،  
بحث اقتصاد سالم است که خدای متعال در همین جزء سوم از قرآن کریم و در صفحه ۴۷ به  
چند آیه در مورد ربا اشاره کرده و به مومنین می‌فرماید:

البقرة: ۲۷۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و این دستور به صورت مستقیم به مساله اقتصاد سالم اشاره دارد.  
البته رسیدن به اقتصاد سالم با شرایط متعددی حاصل می‌شود که برخی از آنها را اشاره می‌کنیم؛

## تاکید بر اقتصاد سالم در آموزه های دینی

### ۱. عدم ظلم به مردم و شهروندان

از آنجا که تقویت اقتصاد یکی از راه های کسب اقتدار امت اسلامی خواهد بود باید  
تلاش شود اقتصادی سالم در بین دولت و ملت ها جریان داشته باشد وگرنه به مصداق این  
تعبیر امیرالمومنین علیه السلام که فرمود:

الْحَجَرُ [الْغَصْبُ] فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۰)

بنیان امت اسلامی متزلزل شده و نه تنها اقتدار پیدا نخواهد کرد که رو به زوال هم  
خواهد رفت

بنابراین اقتصاد سالم و به دور از هر نوع شک و شبهه ای مورد تاکید اسلام است.  
امیرالمومنین علیه السلام در نامه های خود به ماموران مالیاتی تاکید می‌فرماید که در همه امور

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۴

خود خدا را در نظر بگیرند و مواظب باشند به نا حق مالی را از مردم نستانند. و با زور و تهدید و بدون رضایت از آنها چیزی گرفته نشود؛  
انْظُرْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحُدَّةِ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا تُرَوِّعَنَّ مُسْلِمًا وَلَا تَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارِهًا وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ (نهج البلاغه، نامه ۲۵)

## ۲. دوری از مال حرام

البقرة: ۱۸۸ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَذُلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ  
النساء: ۲۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ

## ۳. پرهیز بر ربا

البقرة: ۲۷۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
البقرة: ۲۷۵ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

## ۴. دقت بر عدم تصرف شخصی در بیت المال

بَلْغَنِي عَنْكَ أَمْرٍ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَشْخَطْتَ إِلَهَكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ أَنْتَ تَقْسِمُ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَازَتْهُ رِمَاحُهُمْ وَ خُيُولُهُمْ وَ أُرِيقَتْ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ فِيمَنْ اِعْتَمَاكَ مِنْ أَغْرَابِ قَوْمِكَ قَوْلَ الَّذِي فَلَقَى الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ حَقًّا لَتَجِدَنَّ لَكَ عَلَى هَوَانٍ وَ لَتَخِفَنَّ عِنْدِي مِيزَانًا (نهج البلاغه، نامه ۴۳)



## نظارت بر اقتصاد،

۱. برخورد عبرت آمیز با دزد

و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مائده ۳۸)

۲. مقابله با کم فروشی

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (مطففين ۱-۳)

۳. مقابله با تراکم سرمایه

الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه ۳۴)

۴. مقابله با احتکار

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّتِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ (همزه ۱ و ۲)  
فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص مَنَعَ مِنْهُ.... فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكِلْ بِهِ وَ عَاقِبَةُ [مِنْ] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۵. مقابله با اسراف و تبذیر

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف ۳۱)  
إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (إسراء ۲۷)

۶. مبارزه با گرانفروشی

وَ لِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَمْحاً بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُشْتَاعِ

## راهکارهای شکوفایی اقتصاد

### ۱. توصیه به کار و تلاش

لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹ نجم)  
اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ (جاثیه ۱۲)  
هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود ۶۱)

### ۲. انفاق و مواسات ( توزیع سرمایه)

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ (بقره ۲۶۱)  
الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبُورَةٍ  
(بقره ۲۶۵)

### ۳. قرض دادن

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ (حدید ۱۱ / بقره ۲۴۵)  
إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفَهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرَ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (تغابن ۱۷)

### ۴. پرداخت خمس

الأنفال: ۴۱ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى  
وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ  
الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

### ۵. پرداخت زکات (دستگیری از نیازمندان و رفع فقر عمومی مردم)

البقرة: ۲۷۷ إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ



أَجْزُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۶. قرار دادن انفال در اختیار حاکم دینی برای جلوگیری از سوء استفاده ها  
الأنفال: ۱۰ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ  
بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

پیامدهای سوء عدم مدیریت درآمدها

۱. غلبه هواهای نفسانی

الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ (نهج البلاغه، حکمت ۵۸)  
القصص: ۴ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ  
يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

۲. طغیان و سرکشی

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (علق؛ ۷ و ۶)  
القصص: ۷۶ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ  
مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ  
العنكبوت: ۳۹ وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا  
فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانُوا سَابِقِينَ

۳. اختلاف طبقاتی در سرمایه داری

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ  
اللَّهُ تَعَالَى [جَدُّهُ] سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸)

۴. ارتکاب معاصی و محرمات

القصص: ۴ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ



يَذْبَحُ أُنْبَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ  
النازعات: ۲۴ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى

قتل مردم، فساد در زمین، ادعای خدایی کردن و.. همه اینها در پرتو سرمایه های بادآورده و زیاد است

#### ۵. خداستیزی و مبارزه با موحدین

التوبة: ۳۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَبَاءُ كُلُونِ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

#### فرمایش رهبر معظم انقلاب پیرامون اقتصاد

ما وقتی به صورت کلان به زمینه ی اقتصاد اسلامی نگاه می کنیم، دوتا پایه ی اصلی مشاهده می کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه ای هرچه هم مستند به منابع علی الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه ی اسلامی» است. این دوتا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دوتا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحان را بیاورید؛ باید این دوتا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.

برای اینکه بتوانیم کشور را از لحاظ ثروت ملی به حد استغناء و بی نیازی برسانیم، باید سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه ی آحاد فعال کشور

قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند؛ قانون باید از آن حمایت کند. خیل عظیم نیروهای جوان و تحصیل کرده و مدیران مجرب و لایق - که بحمد الله در کشور ما هر دو، هم جوانان تحصیل کرده و هم مدیران لایق زیادند - باید بتوانند پروژه‌های بزرگ و فعالیتهای کارآفرین و ثروت‌آفرین کشور را به دست بگیرند؛ اجرا کنند و پیش ببرند؛ باید بتوانند. کشور از لحاظ منابع مادی و از لحاظ منابع انسانی قوی است.<sup>۱</sup>

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

۱۳۸۵ / ۱۱ / ۳۰

## جزء ۴

### ایمان و علم به سنت های الهی

#### توضیح سنت های الهی

جامعه اسلامی که مدیریت خدای متعال را در تمامی دوران زندگی خود احساس کند، و بداند هر آنچه از سختی ها در مسیر انجام وظیفه مشاهده میکند بخشی از سنن الهی است که برای تربیت انسان پیش بینی کرده است؛ امید خود به آینده را تقویت کرده و در برابر حملات و هجمه سختی های مادی و معنوی و درونی و بیرونی احساس ضعف و ناتوانی نکرده و به دلیل باورمندی خویش به اراده خداوند متعال، قدرت و اقتدار خود را از دست نخواهد داد. جامعه ایمانی میداند که مدیریت این حوادث به دست خداوند متعال است و همین نکته باعث بالا رفتن آستانه تحمل جامعه دینی میگردد.

امیرمومنان در خطبه ۲۸ نهج البلاغه می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمَضْمَارَ وَغَدَا السِّبَاقَ وَالسَّبْقَةُ الْجَنَّةُ وَالْغَايَةُ النَّارُ

دنیا به مثابه میدان تمرین اسب سواری است که سوار کار خودش و اسبش را برای مدتی طولانی در آن میدان به امید روزی که بتواند در مسابقه نهایی، پیروز میدان باشد تمرین می دهد. در طول این مدت گاهی از روی اسبش به زمین می خورد و دست و پایش می شکند اما باز هم دست از تلاش خود بر نمی دارد و بعد از بهبودی، مجدداً به تمرین خود ادامه می دهد.

در میان تمرین هم موانعی در سر راه خود قرار می دهد و تلاش میکند با اسب خود از روی موانع عبور کند.

از هر مانعی که عبور کرد مانعی بلند تر را در مسیر خود قرار می دهد و می کوشد از آن مانع هم بگذرد.

این سوارکار که قصد شرکت در مسابقه را دارد موانع موجود را مانع پیشرفت خود نمی داند و سختی ها و مشکلات میدان تمرین هم او را خسته و نا امید نمی کند بلکه همه اینها را سکوی پرش خود تلقی می کند

دنیا در نزد خدای متعال اینگونه است و سختی هایی که جزو سنت های الهی در این عالم است به مثابه سکوی پرش و فرصتی برای تمرین پیروزی در سرای آخرت است که اگر بینش و نگاه مردم به مشکلات و سختی ها اینگونه باشد هیچ مشکل و سختی از مشکلات دنیا، او را خسته نکرده بلکه بر قدرت و توان آنها می افزاید.

خدای متعال می فرماید:

آل عمران: ۱۸۶ **لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ**  
همچنین در تعبیر دیگری فرموده است:

البقرة: ۲۱۴ **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ**

بنابراین ایمان به سنت های الهی که حاکم بر این دنیا است، از جمله عوامل قدرت و اقتدار محسوب می شود و نه تنها موجب سرخوردگی نمی شود که هر شکستی پله ای برای ترقی ما محسوب می شود و بر تجربیات ما می افزاید چرا که این سنت های الهی، دائمی و لایتغیر است؛

الأحزاب: ۶۲ **سَنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**

و در سوره فاطر نیز می فرماید:

فاطر: ۴۳ **فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا**



نه تنها این سنت ها قابل حذف نیست بلکه تغییر پذیر هم نخواهد بود. اینجاست که مطالعه تاریخ و آشنایی با سنت های حاکم بر جهان هستی، بر علم و دانش ما افزوده و اقتدار بیش از پیش ما را رقم می زند همانگونه که امام راحل در مورد جنگ تحمیلی و دفاع مقدس فرمودند: این جنگ برای ما نعمت بود و به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم خویش، جوانان را به مطالعه تاریخ، توصیه و سفارش فرمودند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه، فرزند خویش را در زمینه احیای قلب و دل، چنین توصیه می فرماید:

بَصْرُهُ فَجَائِعُ الدُّنْيَا وَ حَدِّزْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ وَ فُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ اعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ وَ ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَ عَمَّا انْتَقَلُوا

## انواع سنت های الهی از منظر قران کریم

### ۱. سنت امتحان و ابتلا

البقرة: ۲۱۴ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

البقرة: ۱۵۵ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ

محمد: ۳۱ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَنَّكُمْ أَخْبَارَكُمْ

العنكبوت: ۲ أَمْ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ

در خطبه ۱۶ نهج البلاغه آمده است:

وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِنَبْلُلَنَّ بَلْبَلَةً وَ لِنَعْرِبَلَنَّ عَرْبَلَةً وَ لِنَسَاطَنَّ سَوْطَ الْقِدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَشْفَلُكُمْ أَغْلَاكُمْ وَ أَغْلَاكُمْ أَشْفَلُكُمْ وَ لَيْسَ سَبْقُ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لَيْقَصِرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا

البته طبق آموزه های دینی ما سختی ها و مشکلات دنیا نیز زماندار و مؤجل است و تا زمانی که انسان را طاقت و توان تحمل باشد بر او وارد می شود و به محض اتمام طاقت انسان، مشکلات نیز مرتفع خواهد شد؛

حکمت ۳۵۱: عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ تَكُونُ الْفَرْجَةُ وَ عِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّخَاءُ

### انواع ابتلائات و امتحانات

امتحانات الهی نیز انواعی دارد که عبارتند از؛

۱. اقتصادی مانند فقر و تنگدستی، تحریم ها، اقتصاد مقاومتی
۲. سیاسی مانند تهدیدها و جنگ ها مثل جنگ تحمیلی
۳. اجتماعی مانند فتنه ها و اغتشاش ها، خشکسالی ها و قحطی ها
۴. فردی مانند بیماری ها و مشکلات خانوادگی، بدهی ها و ...

### ۲. سنت دگرگون سازی احوالات مردم دنیا

قانون حاکم بر دنیا این است که همیشه برای یک نفر، یک نوع و یک شکل نیست و روزگار، با او بازی می کند و او را در فراز و فرودها قرار می دهد.

همیشه پشت میز ریاست نیست و همیشه در سلامتی به سر نمی برد؛

نهج البلاغه خطبه ۲۲۶

دَارُ الْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَلَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت دائما یکسان نباشد حال دوران غم مخور

### ۳. سنت نصرت صابران و مجاهدان

محمد : ۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

آل عمران : ۱۳ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتَيْنِ الثَّقَاتِ فَإِنَّهُ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۵۶ می فرماید:

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاءَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا وَمُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ وَصَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ وَجِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَالْآخَرُ مِنْ عَدُوِّنَا يَتَصَاوِلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَيُّهُمَا يَشْقَى صَاحِبَهُ كَأْسُ الْمُتُونِ فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَمَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِمَّا فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بِعَدُوِّنَا الْكِبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًّا جِرَانَهُ وَتُبِّوْنَا أَوْطَانَهُ صَبَرُوا ظَفَرُهُ هَر دُو دُوسْتَان قَدِيمِنْد بِرَاثِر صَبِر نُوْبِت ظَفَر آيِد

#### ۴. سنت حمایت از دین حقیقی

الصف: ۸ يُرِيدُونَ لِيُظْلِفُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

#### ۵. سنت مواخذه در پی معصیت

الكهف: ۸۷ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا

#### ۶. سنت املاء و مهلت دادن به ظالمان

بسیاری از ظالمان جهان، عمرهای طولانی داشته اند و این نیست مگر اینکه ظلم و جنایتشان بیشتر شود

آل عمران: ۱۷۸ وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

#### ۷. سنت راهگشایی برای متقین

خدای متعال، متقین را در بن بست قرار می دهد و هرآنکس که او و سنت های او را بپذیرد یاری می کند و راهی برای برون رفت از مشکلاتش به وی الهام می کند  
الطلاق: ۲-۳ ... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

## آثار پذیرش سنت های الهی

۱. پذیرش شکست ها و دوری از یاس و ناامیدی
۲. طراحی و برنامه ریزی برای پیروزی و پیشرفت
۳. دلگرمی به آینده در پرتو عنایات خدای متعال
۴. پختگی و قدرت تعقل و تفکر بیشتر در مسائل
۵. دوری از روان پریشی و افسردگی
۶. واسپاری تمامی امور زندگی به خدای متعال و تقویت توکل بر خدا
۷. ایجاد روحیه مقتدرانه در مردم و جامعه

## بیانات رهبر معظم انقلاب در زمینه نصرت الهی

در جنگ بدر، دشمنان پیغمبر عده شان چند برابر مسلمانها، سلاح و تجهیزاتشان چندین برابر مسلمانها، پول و امکاناتشان چندین برابر مسلمانها بود، اما مسلمانها پیروز شدند؛ چرا؟ مگر پیروزی به زور بازو نیست؟ به شمشیر نیست؟ به پول نیست؟ به اقتدار ظاهری نیست؟ نه، پیروزی به اینها نیست. پیروزی وابسته ی به یک اقتداری است که آن اقتدار از پول و از امکان مادی و از سلاح اتمی حاصل نمی شود؛ از اعتقاد به شهادت، ایمان به ایثار، باور به اینکه انسان وقتی ایثار می کند، دارد با خدا معامله می کند، ناشی می شود. با این حساب اگر محاسبه کنیم - که حساب درستی است - ملت ایران از همه ی ملتهای دیگر قوی تر است، با عظمت تر است<sup>۱</sup>.

همچنین می فرمایند: «خدای متعال وعده داده است که اگر کسی او را نصرت کند، او هم نصرتش خواهد کرد.. برو برگرد ندارد! اگر کسی برای خدا تلاش و حرکت کند، پیروزی نصیبش خواهد شد. نه اینکه به هریک نفر پیروزی می دهند! وقتی مجموعه ای حرکت می کند، البته، شهادتها هست، سختیها هست، رنجها هست؛ اما پیروزی هم هست: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»<sup>۲</sup> نمی فرماید که نصرت می دهیم؛ خون هم از دماغ کسی نمی آید.

۱. بیانات در دیدار خانواده های شهدا و جانبازان قم، (۱۳۸۹/۰۷/۲۸).

۲. سورة الحج، الآية ۴۰.





نه! «فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»<sup>۱</sup>؛ می‌کشند و کشته می‌شوند؛ اما پیروزی به دست می‌آورند. این، سنت الهی است. وقتی که از ریخته شدن خونمان ترسیدیم؛ از هدر شدن پول و آبرو ترسیدیم؛ به خاطر خانواده ترسیدیم؛ به خاطر دوستان ترسیدیم؛ به خاطر منگص شدن راحتی و عیش خودمان ترسیدیم؛ به خاطر حفظ کسب و کار و موقعیت حرکت نکردیم؛ به خاطر گسترش ضیاع و عقار حرکت نکردیم؛ معلوم است دیگر! ده تن امام حسین هم سر راه قرار بگیرند، همه شهید خواهند شد و از بین خواهند رفت! کما اینکه امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام شهید شد؛ کما اینکه امام حسین علیه السلام شهید شد»<sup>۲</sup>.

۱. سورة التوبة، الآية ۱۱۱.

۲. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ. (۲۰/۰۳/۱۳۷۵).



## جزء ۵

### حفظ بنیان خانواده

النساء : ۳۵ وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَانْبِئْهُمَا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

#### اهمیت خانواده

نهاد خانواده از منظر اسلام، دارای جایگاه و قداست ویژه ای است که قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. در حدیثی از پیامبر خدا ﷺ آمده است: «ما بنی بناء فی الإسلام أحب إلى الله تعالی من التزویج»<sup>۱</sup> در اسلام هیچ بنیادی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست. تشکیل خانواده، دارای حکمت ها و دلایل متنوع روانی، اخلاقی، اجتماعی و دینی است که رسیدن به آرامش و ایجاد مودت و رحمت بین اعضای خانواده و بالتبع در جامعه از جمله آنهاست. جامعه دینی که متشکل از اجزاء کوچکتری به نام کانون خانواده است زمانی اقتدار پیدا میکند که در نظام خانواده به قوام و استحکام بالایی دست یابد. خداوند متعال وظیفه تشکیل این نهاد مبارک را تنها متوجه خود جوانان ندانسته بلکه تسهیلگری، ایجاد مقدمات و حمایت از آن را به عهده والدین، خانوادهها، جامعه مؤمنین و حکومت دانسته است:

النور : ۲۳ وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳

از طرف دیگر پس از تشکیل این نهاد محبوب الهی، خداوند آن را رها نمی کند. بلکه با توصیه های مختلف به دنبال حفظ آن است. این وظیفه گروه های نام برده شده (والدین، خانواده، جامعه و حکومت) است که نسبت به تقویت و نگهداری نهاد خانواده، دغدغه مند و حساس باشند تا مبادا کار زوجین به جدایی بکشد:

النساء: ۳۵ وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَانْعَمُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

از این رو توجه به دستورات الهی در مورد خانواده اهمیت خودش را نمایان میکند، خصوصاً در این زمانه که سبک زندگی مقلدانه از غرب در جهان مدرن که از جمله آن به رویکردهای فمینیستی در جامعه و... که موجب عدم تشکیل، تضعیف و از هم پاشیدگی این نهاد مبارک شده است.

رهبر فرزانه انقلاب نیز چند سالی است در زمینه خانواده و مخصوصاً نقش زنان در خانه، مسائل و مباحث مهمی را در مناسبت های مختلف مطرح فرمودند؛ ایشان در ضمن بیان جایگاه خانواده می فرماید:

جامعه ی اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانواده ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بالخصوص در زمینه های فرهنگی و البته در زمینه های غیر فرهنگی، بدون خانواده های خوب، امکان پیشرفت نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما میگوئید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روزه روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر میشود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله ای نباید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کمااینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این پیشرفتهای دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود.<sup>۱</sup>

بنابراین نقش خانواده آنقدر مهم است که اصلاح یا افساد آن، در اصلاح و افساد جامعه و به تبع آن اقتدار جامعه، تاثیر مستقیم دارد و جامعه ای که جوامع کوچک آن مقتدر باشند

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۹۰ در سومین نشست اندیشه های راهبردی

به اقتدار درونی و بیرونی نزدیک تر خواهد بود.

از طرف دیگر مساله طلاق نیز یکی از مبعوضات خدای متعال است که امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ وَيُبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ امام صادق علیه السلام فرمود: همانا الله خانه ای که در آن عروسی است را دوست دارد و خانه ای که در آن طلاق است را دشمن می دارد و هیچ چیزی نزد الله تعالی از طلاق مبغوض تر نیست<sup>۱</sup>

### راه های تحکیم خانواده

برای تقویت خانواده و رسیدن به اقتدار جامعه لازم است مواردی را در میان خانواده ها و مخصوصاً زن و شوهر تقویت کرد و مواردی را نیز برای آنها روشن نمود که اشاره می شود؛

#### ۱. تقویت خدامحوری در میان جوانان

النور: ۳۲ وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

#### ۲. روشنگری نسبت به عبادت زن در کارهای منزل

یا فاطمة! ما من امرأة عرقت عند خبزها، إلّا جعل الله بينها وبين جهنم سبعة خنادق من الرحمة.<sup>۲</sup>

#### ۳. روشنگری نسبت به مقام مادر و همسر

یا فاطمة! ما من امرأة دهنت رؤوس أولادها، و سرحت شعورهم، و غسلت ثيابهم و قتلت قملهم إلّا كتب الله لها بكل شعرة حسنة، و محاً عنها بكل شعرة حسنة، و محاً عنها بكل شعرة سيئة، و زينها في أعين الناس أجمعين.<sup>۳</sup>

۱ کافی ج ۶ ص ۵۴

۲ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۵۲۳

۳ همان



یا فاطمه! جلسه بین یدی الزوج افضل من عبادۃ سنة، و افضل من طواف.<sup>۱</sup>

#### ۴. دوری از غیرت های بیجا

إِيَّاكَ وَ التَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرِّيبِ<sup>۲</sup>

#### ۵. زدودن نگاه خدمتکار به همسر

وَلَا تُمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِمَهْرَمَانَةٍ<sup>۳</sup>

#### ۶. تقویت باور به رزاقیت خداوند

إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ<sup>۴</sup>

#### ۹. مراعات وظیفه در قبال همسر

مهم ترین مسئولیت زن این است که محیط خانواده را برای خانواده و برای همسر به محیط امن و آرام و مهربانی مبدل کند.  
مرد نیز وظیفه دارد مایحتاج مادی و معنوی خانواده را تامین کند و با حسن خلق و روی گشاده از همسر و فرزندانش حمایت کند و نیازهای آنها را مرتفع سازد.

### اصول تحکیم خانواده

#### ۱. پذیرفتن اختلاف باورهای طرفین

طبیعی است که زن و شوهر به دلیل رشد و نمو در دو خانواده متفاوت، تفکر و باورهای متفاوتی داشته باشند که برای رسیدن به مرحله همسری، مدتی زمان لازم است تا هریک

۱. همان

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱

۳. همان

۴. نور ۳۲

بتواند در کنار دیگری احساس آرامش کند.

## ۲. شناخت ویژگی های اختصاصی طرفین

هر کدام از زن و مرد به دلیل خلقت متفاوت خویش دارای ویژگی های ذاتی است که شناختن و پذیرفتن آنها تاثیر فراوانی در رفع اختلافات خانواده ها دارد مانند پرحرفی زن و کم حرفی مرد و ...

## ۳. تحمل و بردباری در ساختن خانواده ایمن

ساختن یک خانواده به راحتی شکل نمی گیرد و مانند ساختن یک ساختمان است که برای قابل سکونت بودن باید مدتی طولانی را صبوری کنیم. زیرا تغییر اخلاق و رفتار فردی و تبدیل آن به اخلاق جمعی و خانوادگی، زمان لازم دارد. و البته نکته مهمی که نباید مورد غفلت قرار گیرد اینکه تغییر رفتارها و خلیات به صورت فوری قابل اجرا نیست و لازم است به طرفین فرصت داده شود تا خود را به خانواده جدید وفق داده و بپذیرد که دیگر دوران مجرد و تنهایی نیست و باید یک سفر چندین ساله را در کنار همسرش طی کند.

## خاطره ای از رهبر فرزانه انقلاب

رهبر معظم انقلاب خاطره ای از خطبه عقد امام راحل دارند که بی ارتباط با این مبحث نیست؛

«بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «باهم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک وقت خدمت امام رفتم، ایشان می خواستند خطبه ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می دهیم و حرف می زنیم - عقد را اول می خواندند، بعد دو، سه جمله ی کوتاه صحبت می کردند. من دیدم ایشان پس از این که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله ی «بروید باهم بسازید»، خلاصه می شود! حالا ما هم عرض



می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا ان شاء الله خداوند متعال برکاتش را بر شما نازل کند»<sup>۱</sup>.

#### ۴. تاکید بر فرزندآوری

رسول خدا ﷺ: تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>۲</sup>.

### عوامل تزلزل خانواده

#### ۱. خلق و خوی نامناسب

امام علی (علیه السلام): مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ مَلَّهْ أَهْلُهُ؛ هر کس بد اخلاق باشد، خانواده اش از او دلتنگ و خسته می شوند.<sup>۳</sup>

#### ۲. دخالت های بی مورد والدین

#### ۳. تأثیر منفی رسانه ها

#### ۴. توقعات بیجا

#### ۵. هوسرانی و چشم چرانی

#### ۶. چشم و همچشمی

#### ۷. زوال محبت میان زوجین

#### ۸. فضاهای مجازی و تلاش دشمن

### گونه های تلاش دشمن بر تزلزل خانواده

نکته ای که نباید در بوته فراموشی قرار گیرد تلاش ها و سیاست هاتی دشمن برای سرکوب و تضعیف خانواده و فرهنگ ناب اسلام در این زمینه است که در صورت موفقیت

۱ مراسم خطبه عقد زوج های جوان؛ ۲۰/۴/۷۰

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲

۳ تحف العقول ص ۲۱۴





دشمن در این عرصه، بنیان خانواده تضعیف شده و اقتدار و هیمنه اسلام متزلزل خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود با مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۴۰۰ به جوانان فرمودند هر جا دشمن در حال تلاش برای تخریب است شما ها همان جا را تقویت کنید. گونه های تلاش دشمن برای تزلزل خانواده بدین موارد است؛

۱. تشویق به ازدواج سفید

۲. تضعیف جایگاه مادری

۳. تضعیف جایگاه خانه داری

۴. تضعیف جایگاه همسر داری

۵. وسوسه های شیطانی بر حفظ زیبایی فیزیکی زن

به این معنا که به زنان و دختران تلقین می کنند اگر باردار شده و فرزندى را در شکمت پرورش دهی زیبایی اندام تو از بین خواهد رفت. امروزه متأسفانه هزینه های هنگفتی برای زیبایی اندام در میان زنان و دختران هزینه می شود.

۶. انسان آزاد است چرا باید زیر بار یک مرد برود

در حالی که همین آزادی هاست که انسان را به انحطاط کشانده و در مهلکه ها انداخته است.

۷. تضعیف فرزند آوری و تشویق به انس با حیوانات

که متأسفانه این فرهنگ در کشور ما هم نفوذ کرده است

۸. پرورش حیوانات خانگی به بهانه حقوق حیوانات



## جزء ۶

### محوریت امام

المائدة: ۳ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

### جایگاه امامت در دین

امام رضا علیه السلام در ذیل آیه "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا" فرمودند:

فَأَمُرُ الْإِمَامَةَ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ، وَلَمْ يَمْضِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَتَّى بَيَّنَ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ، وَأَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ، وَتَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدِ الْحَقِّ، وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَلَمًا وَ إِمَامًا، وَمَا تَرَكَ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيَّنَّهُ، فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى فَهُوَ كَافِرٌ

امام صادق علیه السلام نیز در مکه مکرمه به ابوسلیمان فرمود:

يَا أَبَا سُلَيْمَانَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ الْجَاهِدْ لَوْلَايَةِ عَلِيِّ كَعَابِدٍ وَتَنَزَّاهُ عَنْهُمُ ابُحَمَزَةَ هُم مَي گويد: قَالَ لَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الْبِقَاعِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَّرَ مَا عَمَّرَ نُوحٌ ع فِي قَوْمِهِ - أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا يَصُومُ نَهَارًا وَيَقُومُ لَيْلًا فِي ذَلِكَ الْمَقَامِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ

۱ تفسیر نور ج ۲ ص ۲۳

۲ بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۵۸

جَلَّ بَغَيْرِ وَلَا تَنَا لَمْ يَنْتَفِعْ بِذَلِكَ شَيْئاً.<sup>۱</sup>  
 قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ الْإِيمَانُ  
 حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي وَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً دَخَلَ الْجَنَّةَ ثُمَّ  
 صَرَبَ رَاحِلَتَهُ وَسَارَ قَلِيلاً وَالنَّاسُ خَلْفَهُ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ بِشْرُطِهَا وَشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ  
 شُرُوطِهَا<sup>۲</sup>

### امام محور عالم تکوین و تشریع

امیرمومنان علیه السلام در نامه ۲۸ نهج البلاغه می فرماید:

فَإِنَّا صَنَّا عُرْ رَبَّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَّا عُرْ لَنَا<sup>۳</sup>

ما پرورش یافتگان خداییم اما مخلوقات الهی برای ما پرورش یافته اند تا بواسطه ما با خداوند ارتباط برقرار کنند.

از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود:

بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَ بِنَا يَخْتُمُهُ وَ بِنَا أَطْعَمَكُمُ اللَّهُ عُسْبَ الْأَرْضِ وَ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ فِطْرَ السَّمَاءِ وَ  
 بِنَا أَمَنَكُمُ اللَّهُ مِنَ الْغَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ وَ مِنَ الْخَسْفِ فِي بَرِكُمْ وَ بِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ وَ فِي  
 قُبُورِكُمْ وَ فِي مَحْشَرِكُمْ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ دُخُولِكُمُ الْجَنَانَ<sup>۴</sup>

این بیانات نورانی حکایت از نکته ای مهم دارد و آن اینکه اگر پیشوایان دینی ما همه کاره عالم هستی اند پس کسی که خود را به این ذوات مقدسه متصل کند از چنان قدرتی برخوردار خواهد شد که تمام هستی را مطیع خود می گرداند.

بحث ما پیرامون اقتدار امت اسلام است و چه اقتداری از این قوی تر که تمام هستی را به دنبال خود بکشیم مشروط به اینکه از کسانی پیروی کنیم و کسانی را محوریت امور زندگی خود قرار دهیم که اینان همه کاره عالم هستی اند.

۱ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ص ۲۰۴

۲ عوالی الثالی ج ۴ ص ۹۴

۳ . نهج البلاغه، نامه ۲۸۸

۴ . تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۱۰۴



در دعای عدیله چنین می خوانیم؛ بیمنه رزق الوری<sup>۱</sup>  
لفظ «وری» لفظی عام و دارای معنایی گسترده است که حاکی از تمام مخلوقات در  
عالم اعم از حیوان و انسان و اعم از مسلمان و غیر مسلمان است.  
در نهج البلاغه نیز امیرمومنان علیه السلام محوریت امامت را با مثالی زیبا برایمان تبیین می  
فرماید:

إِنَّمَا أَنَا قُطْبُ الرَّحَى تَدُورُ عَلَيَّ وَأَنَا بِمَكَانِي فَإِذَا فَارَقْتُهُ اسْتَحَارَ مَدَارُهَا وَاضْطَرَبَ ثِفَالُهَا<sup>۲</sup>  
زیباترین تشبیه در موضوع محوریت امام در زندگانی دنیا همان تشبیه امام به محور سنگ  
آسیا است که هر چند به ظاهر آن سنگ است که گندم ها را آرد می کند اما اگر محور میان  
آن سنگ از بین رفته و برداشته شود حتی یک دانه گندم نیز آرد نخواهد شد.

در جای دیگر نیز می فرماید:

إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ مَثَلُ السَّرَاجِ فِي الظُّلْمَةِ يَسْتَضِيءُ بِهِ مَنْ وَلَجَهَا<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَمَنْ تَقَدَّمَهَا  
مَرَقَ وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ<sup>۴</sup>

و همچنین در صلوات شعبانیه از امام سجاد علیه السلام چنین می خوانیم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا وَ  
يَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَالْأَزِمُّ لَهُمْ لَاحِقٌ<sup>۵</sup>

امام لنگر زمین و آسمان است: بوجوده ثبتت الارض و السماء<sup>۶</sup>

در زیارت جامعه کبیره نیز چنین می خوانیم؛

وَبِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ النَّفْسُ

۱. مفاتیح الجنان

۲. نهج البلاغه خطبه ۱۱۹

۳. نهج البلاغه خطبه ۱۸۲

۴. خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۷۳

۵. مفاتیح الجنان

۶. و مفاتیح الجنان



وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهِيَ طَبِيعَةُ مَلَائِكَتِهِ<sup>۱</sup>

## شاخصه های محوریت امام در زندگی

### تابعیت محض در همه امور

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: قَوْمٌ يَزْعُمُونَ أَنِّي إِمَامُهُمْ وَاللَّهِ مَا أَنَا لَهُمْ بِإِمَامٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ كُلَّمَا سَتَرْتُ سِتْرًا هَتَكُوهُ أَقُولُ كَذَا وَكَذَا فَيَقُولُونَ إِنَّمَا يَعْنِي كَذَا وَكَذَا إِنَّمَا أَنَا إِمَامٌ مِّنْ أَطَاعَنِي<sup>۲</sup>.

### محبت قلبی به امام

حب؛ یعنی، رغبت و میل انسان به چیزی اگر این میل باطنی و رغبت دل به چیزی شدید و قوی شود آن را عشق می نامند.<sup>۳</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحِبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»<sup>۴</sup>؛

ایشان در کلامی دیگر مرتبه بالاتری را باری محبت خود بیان می فرماید: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحِبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَيَكُونَ عِترَتِي أَحِبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِترَتِهِ وَيَكُونَ أَهْلِي أَحِبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَيَكُونَ ذَاتِي أَحِبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ»<sup>۵</sup>؛

### تفاوت مودت و محبت در کلام علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)

#### علامه طباطبایی می نویسد:

مودت محبتی است که اثر آن در عمل ظاهر می گردد، اما محبت اعم از آن است. نسبت مودت و محبت؛ مانند نسبت خضوع و خشوع است، خشوع نوعی تأثر نفسانی است از کبریا و عظمت که اثر ظاهری آن در مقام عمل «خضوع» است<sup>۶</sup>؛ به عبارت دیگر مودت

۱. البلد الامین، ص ۳۰۲

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۷

۳. (مجمع البحرین طریحی ج ۲ ماده حب)

۴. میزان الحکمه ج ۲ ص ۲۳۶ ح ۳۱۹۷

۵. همان، ح ۳۱۹۹

۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۶۶

آن محبتی است که آثار و پیامدهای آشکاری مانند: الفت، مراودت (آمد و شد) و احسان به همراه داشته باشد؛<sup>۱</sup> چنان که در باره محبت بین زوجین واژه «مودت» به کار برده شده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»<sup>۲</sup>؛ زیرا این دوستی با الفت و احسان آنان با یکدیگر همراه است. خداوند نیز خود را «ودود» (دوست داورنده) معرفی کرده است: «إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ»<sup>۳</sup>، چون محبت خداوند با نعمت، احسان و بخشش همراه است. «وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»<sup>۴</sup>؛ و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آن ها را احصا کنید.»

بنابراین دوستی اهل بیت علیهم السلام نیز باید به گونه ای باشد که دارای اثر عملی و ظاهری باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

تعصى الاله و أنت تظهر حبه \* هذا لعمري في الفعال بدیع  
لو كان حبك صادقا لاطعته \* إن المحب لمن يحب مطيع

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۷۴

۲. روم، ۲۱

۳. هود، ۹۰

۴. نحل، ۱۸





## جزء ۷

### ایمان به آیات خدا

الأنعام: ۴۹ وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

#### آیات الهی چیست؟

یکی از آیات الهی که ایمان به آن عامل اقتدار امت اسلام است، قدرت نمایی خداست که در بزنگاه ها به یاری بندگان می شتابد و آنها را از مشکلات میرهاند و از سویی در شرایط نابسامان اخلاقی بر فرد یا گروهی فرود می آید و ناگهان آنها را از صفحه روزگار محو می سازد؛

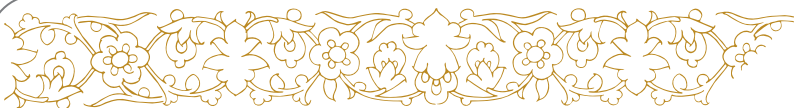
لطف حق با تو مداراها کند چون که از حد بگذرد رسوا کند

الأنعام: ۴۴ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

الأنفال: ۱۷ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

اگر بندگان خدای متعال به او و قدرات لایزال او ایمان بیاورند و آیات الهی را باور داشته باشند چنان قدرت و عظمتی به آنها داده می شود که در تمام نعمت های الهی غوطه ور خواهند شد

همانند مردم عزیز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که به آیات قدرت الهی ایمان



آورد و هشت سال دفاع مقدس را به زیبایی پشت سر گذاشت بدون آنکه یک وجب از خاک خود را به دست دشمن بدهد.

مردم ایران قدرت نمایی خدا در جریان طبس را باور کردند و با تکیه بر همین قدرت الهی حرکت کردند تا امروز که با تکیه بر دست توانای الهی و با تکیه بر باورهای قلبی و ایمان خود به خداوند و آیات او، تمام درهای علوم بر جوانان این مرز و بوم گشوده شده و امروز ایران اسلامی در تمامی عرصه های نظامی و علمی و ... پیشتاز بین الملل است. و این نیست مگر وعده الهی که فرمود:

الأعراف : ۹۶ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ  
 الأنفال : ۲۶ وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ زَقَّكُمْ مِنَ الطَّلِبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

### یکی از مصادیق آیات الهی، ائمه هستند

کافی، ج ۱، ص ۲۰۷؛ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَ التَّنْذِرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ قَالَ الْآيَاتُ هُمْ الْأَيُّمَةُ وَ التَّنْذِرُ هُمُ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِ السَّلَام  
 کافی، ج ۱، ص ۲۰۷؛ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا يَعْنِي الْأَوْصِيَاءَ كُلَّهُمْ.

### آثار باور به نشانه های خدا

آیات الهی همان نشانه های تجلی قدرت خدا بر بشریت است و هدف از ایجاد آیات الهی آن است که انسان خدای خویش را باور کند و با تکیه و توکل بر او امورش را برنامه ریزی و پیگیری کند.

آثار مثبتی که بر باور به آیات خداوند متعال مترتب است عبارتند از:

## ۱. امید به آینده ایجاد می کند

زیرا اوست که تمامی امور را مدیریت می کند و هرآنچه بشریت به دنبال آن است، به دست او ایجاد میشود و بدین سبب بشریت می تواند به آینده امیدوار باشد چون می داند کسی را در کنار خود دارد که هرچه بخواهد در دست اوست .

الأنعام : ۵۹ وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرْقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و تنها اوست که قدرت بی انتهاست و تمامی قدرت های دیگر وامدار اویند و او است که گوشه ای از قدرت خود را در مخلوقات خود به نمایش گذاشته است :

الأنعام : ۶۱ وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ يُزِيلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً

## ۲. مومن به آیات الهی با نصرت خداوند، مقتدر می شود

ایمان به خداوند و مظاهر اوست که آدمی را مقتدر و دارای پشتوانه میگرداند و بدین سبب است که خدای متعال هم هرآن کس و هرآن قومی را که به او و مظاهر و آیات او ایمان داشته باشند حمایت کرده و در شرایط تنگ و سخت برایشان نصرت خویش را ارمغان می آورد همانگونه که در جنگ های صدر اسلام به این مساله در قرآن کریم اشاره شده است مانند؛

آل عمران : ۱۲۳ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و اگر او و قدرتش ما را حمایت نکند چه قدرتی می تواند ما را بالا ببرد؛

آل عمران : ۱۶۰ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

## ۳. مؤمنین به آیات الهی مشمول رحمت خداوند قرار می گیرند

الأنعام : ۵۴ وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى

نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بنابراین اقتدار امت اسلامی مبتنی بر اعتقاد و باور قلبی به خدای متعال و قدرت لایزال او و عبرت گرفتن و درس گرفتن از نشانه های بی مثال اوست که در طول تاریخ بارها به ما نشان داده است و خدای متعال نیز وعده داده است. که اگر به نشانه های من توجهی نکردید و آنها را نادیده گرفتید دچار عذابی سخت خواهید شد

### عوامل بی توجهی به نشانه های الهی

#### ۱- قفل شدن قلب و دل انسان

الأَنْعَامُ: ۲۵ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.

"اکنه" جمع "کنان" بر وزن "کتاب" به معنی پرده و یا هر چیزی که مستور سازد می باشد و "وqr" به معنی سنگینی گوش است. در حقیقت تعصبات کورکورانه جاهلی، و فرو رفتن در منافع مادی، و پیروی از هوا و هوسها، آن چنان بر عقل و هوش آنها چیره شده که گویا در زیر سرپوش و پرده ای قرار گرفته است نه حقیقتی را می شنوند و نه درک صحیح از مسائل دارند. کار اینها به جایی رسیده است که "اگر تمام آیات و نشانه های خدا را ببینند باز ایمان نمی آورند" (وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا).

و از این بالاتر هنگامی که به نزد تو بیایند به جای اینکه گوش جان را به سخنان تو متوجه سازند و حداقل به صورت یک جستجوگر، به احتمال یافتن حقیقتی پیرامون آن بیندیشند، با روح و فکر منفی در برابر تو ظاهر می شوند، و "هدفی جز مجادله و پرخاشگری و خرده گیری ندارند" (حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ).

آنها با شنیدن سخنان تو که از سرچشمه وحی تراوش کرده و بر زبان حقگوی تو جاری شده است متوسل به ضربه تهمت شده، می گویند: "اینها چیزی جز افسانه ها و داستانهای ساختگی پیشینیان نیست!" (يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ).

یا در آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمْ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَ مَن يَشَاءُ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» (۳۹) کسانی که آیات الهی را تکذیب کردند، نه گوش شنوایی دارند که حقائق را بشنوند، و نه زبان حقگویی که اگر حقیقتی را درک کردند برای دگران بازگو کنند. و چون ظلمت خود خواهی و خود پرستی و لجاجت و جهل گرداگرد آنها را فرا گرفته، نمی‌توانند چهره حقایق را ببینند و به این ترتیب از این سه نعمت بزرگ (شنیدن و دیدن و گفتن) که انسان را با دنیای خارج مربوط می‌سازد محرومند. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۲۹)

در آیه شریفه «وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ نَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» علت لجاجت آنها در ایمان نیاوردن به آیات که در آیه قبلش بیان کرده، چنین توضیح میدهد که آنها بر اثراصرار در کجروی و تعصبهای جاهلانه و عدم تسلیم در مقابل حق، درک و دید سالم را از دست داده‌اند، و گیج و گمراه در سرگردانی به سر می‌برند. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۴۰۰)

## ۲- مادی نگری و دنیا طلبی

با توجه به اینکه در آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَالَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (۲۷) میفرماید که مشرکین در جهنم از خدا میخواهند که به دنیا برگردند و آیات پروردگار را تکذیب نکنند و به آن ایمان بیاورند ولی در آیه بعدی می‌فرماید، اگر برگردند هم سراغ همان کارهایی که از آن نهی شده بودند، میروند و در آرزویشان صادق نیستند «بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (۲۸)

در آیه بعدی میفرماید «وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (۲۹) طبق این احتمال که قالوا عطف بر عادوا باشد، یعنی عقیده مشرکان در دنیا همین بوده و تغییر نخواهد کرد، که زندگی تنها همین زندگی دنیاست و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

## ۳- تکبر درونی

آیه شریفه «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ

آیة لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَ إِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَ إِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف ۱۴۶) نشان می دهد، ریشه عدم ایمان به هیچ آیهای تکبر داشتن است.

#### ۴- فریب اعمال ظاهری را خوردن

در آیه وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲) بیان میکند هدف از سختیها و رنجها که به امتهای داده شده، تضرع در برابر خداوند بوده، ولی در آیه بعدی میفرماید:

«فَلَوْ لَا إِذِ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۴۳)

یکی از ریشههای ندیدن باسَاء و ضَرَاء به عنوان آیهای برای تضرع در برابر خداوند، زینت داده شدن اعمال توسط شیطان است.

در آیه ۱۲۲ انعام هم به این مطلب اشاره شده است: «أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۱۲۲)

### پیامدهای منفی عدم ایمان به آیات

#### ۱. گرفتار شدن به عذاب الهی

الأنعام: ۴۹ وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

در حکمت ۲۲۸ نهج البلاغه هم آمده است: وَ مَن قَرَأَ الْقُرْآنَ فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مِمَّنْ كَانَ [مِمَّنْ] يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا

#### ۲. افتادن در شبهات و مهلکه ها

در خطبه دوم نهج البلاغه که جریان بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ مطرح می شود امیرمومنان می فرماید: خدای متعال رسولش را برای چند مساله فرو فرستاد

(۱) إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ (۲) اِخْتِجَاجاً بِالْبَيِّنَاتِ (۳) تَحْذِيراً بِالْآيَاتِ (۴) وَتَخْوِيفاً بِالْمَثَلَاتِ

دو مورد از این اهداف، به آیات و نشانه های الهی در اقوام گذشته مرتبط است و رسول خدا ﷺ آمده است مردم را به تامل و دقت در اتفاقات گذشته بشریت ترغیب و رهنمون سازد که عدم تامل در آنها، آدمی را به شبهات و مهلکه ها می اندازد.

#### ۴. کجروی و انحراف از حقیقت

امیرمومنان علیه السلام می فرماید:

نهج البلاغه، خطبه ۸۷؛ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ وَأَنْتِ تُؤْفَكُونَ وَالْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ وَالْآيَاتُ وَاصِحَةٌ وَالْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ فَأَيْنَ يُتَاهَ بِكُمْ وَكَيْفَ تَعْمَهُونَ





## جزء ۸

### عقلانیت دینی

الأنعام: ۱۵۱ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

### احیای عقل، عامل اصلی ارسال رسل

امیرمومنان در خطبه ۱ نهج البلاغه می فرماید:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَ يُزَوِّهِمْ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ مِنْ سَقْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَ مِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَ مَعَايِشَ تُحْيِيهِمْ وَ آجَالٍ تُفْنِيهِمْ وَ أَوْصَابٍ تُهَرِّمُهُمْ وَ أَخْدَاطٍ تَتَابِعُ عَلَيْهِمْ

۱۲۴ هزار پیامبر از طرف خدا برای مردم آمدند در حالی که همگی برای احیای عقل بشریت مبعوث شده اند زیرا عقل بشریت در طول زمان و با مرور زمان، در زیر خروارها جهل و نادانی دفن گردید و بدین سبب رفتارها و پندارهای مردم به سمت جاهلیت سرازیر شد و برهه ای از تاریخ انسان ها را دوران جاهلیت می نامند.

تمامی رفتارهای جاهلانه بشر که در طول تاریخ ثبت شده است همگی در اثر کنار گذاشتن عقل و خردورزی است و به طور کلی هرگاه عقل بشر کامل شد رفتارها نیز تغییر کرد.

خدای متعال در جزء هشتم از قرآن کریم و در آیه ۱۵۱ از سوره مبارکه انعام، مواردی از رفتارهای غیرعقلانه بشریت از جمله شرک و بت پرستی، قتل فرزندان به دلیل فقر و تنگدستی و... اشاره فرموده و در انتها می فرماید توصیه های ما را جدی بگیرید که راهی برای تعقل شما و رفتارهای از روی خرد است.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

## انواع جاهلیت

جهل در مقابل عقل است و هرجا بحث از جهل مطرح می شود به معنای رفتار بدون تعقل و خردورزی است که ثمره کنارگذاشتن عقل و دفن شدن آن زیر سنت ها و آموزه های غلط و خرافات است همانگونه که امیرمومنان علی علیه السلام در نامه ای به حارث همدانی می فرماید:

نهج البلاغه، نامه ۶۹: لَا تَرُدَّ عَلَى النَّاسِ كُلِّ مَا حَدَّثُوكَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ جَهْلًا  
هرآنچه که مردم برای تو نقل کردند [بدون تعقل] رد مکن که [اگر اینگونه رفتار کنی] بارای جاهل بودن تو کافی است.

بنابراین تمام رفتارهای بشر در طول تاریخ را که بدون تعقل صورت گرفته باشد رفتاری جاهلانه می نامیم و البته دوره قبل از بعثت رسوب خدای صلی الله علیه و آله را دوره جاهلیت اولی می نامند اما امروز همان جهل و بی خردی ولی در نسخه ای جدید و در قالب و شکلی امروزی در جوامع بشری وجود دارد که حکایت از همان رفتارهای بدون تعقل دارد.

## نمونه های جاهلیت مدرن

### ۱. سقط چنین

که هیچ تفاوتی با کشتن فرزندان در صدر اسلام ندارد

## ۲. نوشیدن شراب

متأسفانه در جوامع مسلمین، شرب خمر که یکی از عوامل مهم در زوال عقل است رواج پیدا کرده و مخصوصاً مجالس عروسی ما که یکی از مقدس‌ترین مجالس باشد با این نوشیدنی حرام، آلوده می‌شود و پیامدها و معصیت‌های پیرامونی آن را مترتب می‌شود

## ۳. شهوت پرستی

امروزه دشمن تلاش می‌کند تمام هم و غم یک جوان را لذت بردن جنسی مطرح کند و در فضاهای حقیقی و مجازی به این مساله دامن می‌زنند و تبلیغ شهوترانی و شهوت پرستی می‌کنند.

## ۴. تبدیل شدن زنان با کالای جنسی

اگر اندکی فضای برخی کشورهای به ظاهر مدرن را مورد بررسی قرار دهید خواهید فهمید چگونه با جنس زن به عنوان یک کالای لذت بخش معامله می‌کنند. تمام مردان در سرتاسر جهان با لباس‌هایی کاملاً پوشیده و حتی با بستن کراوات و ... اندام خود را می‌پوشانند اما لباس زنان را لباسی عریان و بدن نما ترویج می‌کنند و چنان ظاهر زن را برق اندازی کرده که نگاه خریدار تمام مردان را به سمت آنها می‌کشاند. با کمال تأسف در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران هم از این مساله استفاده شده و از زنان و دختران جوان و بزک کرده برای تبلیغات کالای خود استفاده می‌کنند. در بازار مسلمین نیز زنانی با آرایش‌های غلیظ در پشت دخل مغازه‌ها می‌ایستند که جاذبه‌ای برای مشتری داشته باشد.

## ۵. مساله ازدواج سفید

که دختر و پسر بدون برگزاری مراسم عقد و فقط به خاطر منافع اقتصادی و عاطفی، زیر یک سقف برای مدتی با هم زندگی کنند.

## ۶. ترویج همجنسگرایی و ازدواج با همجنس

### ۷. ازدواج با حیوانات و...

اینها مواردی است که امروزه در کشورهای متعدد رواج پیدا کرده که همگی حاکی از تحت الشعاع قرار گرفتن عقل است و جامعه امروز ما را به جامعه جاهلی تبدیل کرده با این تفاوت که جاهلیت مدرن نامیده می شود. اینجاست که بحث از احیای مجدد عقل و شکوفایی آن مطرح می شود و تنها در این صورت است که می توان امیدی برای آینده بشریت داشت.

### عقلانیت شرط اقتدار

با این مقدمه به این نکته اشاره کنیم که چه بسا شرط اصلی برای رسیدن به اقتدار در جامعه اسلامی، احیا و شکوفایی عقل مردم است که لازم است بشریت را از جهل و بی خردی نجات داد و از جاهلیتی که امروز دامنگیر آنها شده است بیرون آورد. خدای متعال در قرآن کریم، اکثریت مردم را مبتلا به رفتارهایی بدور از عقل و خرد معرفی میکند، و در روایات اهل بیت علیهم السلام هم میزان و ملاک برای ارزش گذاری اعمال مردم را به عقل آنها پیوند داده است؛

رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ كَثِيرَ الصَّلَاةِ كَثِيرَ الصِّيَامِ فَلَا تُبَاهُوا بِهِ حَتَّى تَنْظُرُوا كَيْفَ عَقْلُهُ. أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ فَقَالَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ إِلَّاكَ أَمُرُوْا إِلَّاكَ أَنْهَى وَإِيَّاكَ أُثِيبُ وَإِيَّاكَ أُعَاقِبُ

### پیامدهای بی عقلی و بی خردی

#### ۱. نذیرفتن دین الهی

المائدة : ۵۸ وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

## ۲. افترا بستن به خدا

المائدة: ۱۰۳ ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

## ۳. تنزل به مرحله حیوانیت ( در رفتار و عمل)

الأنفال: ۲۲ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ  
الفرقان: ۴۴ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

## ۴. عدم معرفت اولیای خدا

الحجرات: ۴ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْخُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

## ۵. بی حیایی و بی دینی

کافی، ج ۱، ص ۱۰؛ عن الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: هَبِطَ جَبْرِئِيلُ عَلَى آدَمَ ع فَقَالَ يَا آدَمُ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُخَيِّرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرْتُهَا وَدَعِ اثْنَتَيْنِ فَقَالَ لَهُ آدَمُ يَا جَبْرِئِيلُ وَمَا الثَّلَاثُ فَقَالَ الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالِدِّينُ فَقَالَ آدَمُ إِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ جَبْرِئِيلُ لِلْحَيَاءِ وَالِدِّينِ انْصَرِفَا وَدَعَاهُ فَقَالَ يَا جَبْرِئِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ فَشَانُكُمَا وَعَرَجَ

## ۶. عدم قبولی اعمال

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ لِي جَارًا كَثِيرَ الصَّلَاةِ كَثِيرَ الصَّدَقَةِ كَثِيرَ الْحَجِّ لَا بَأْسَ بِهِ قَالَ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ كَيْفَ عَقَلُهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَيْسَ لَهُ عَقْلٌ قَالَ فَقَالَ لَا يَرْتَفِعُ بِذَلِكَ مِنْهُ.

## راه های شکوفایی عقل

### ۱. دقت در آیات الهی

البقرة: ۱۶۴ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

### ۷. تبیین فناپذیری دنیا برای مردم

الأنعام: ۳۲ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ

### ۸. تدبر درقران کریم

یوسف: ۲ إنا أنزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون

### ۹. سیر و سفر و عبرت گیری

یوسف: ۱۰۹ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ

### ۱۰. تاکید بر خودشناسی

غافر: ۶۷ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى مِنْ قَبْلِ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلاً مُسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

یس: ۶۸ وَمَنْ نَعِمَّزُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلَا يَعْقِلُونَ

## رفتارهای مورد انتظار از یک عاقل

تحف العقول، ص ۴۳۳؛ امام رضا علیه السلام می فرماید:

لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ  
۱. الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ

۲. وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ

۳. يَسْتَكْتَرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ

۴. وَيَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ

۵. لَا يَسْأَلُ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ

۶. وَلَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ ذَهْرِهِ

۷. الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى

۸. وَالذُّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ

۹. وَالْحُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ

۱۰. ثُمَّ قَالَ عِ الْعَاشِرَةُ وَمَا الْعَاشِرَةُ قِيلَ لَهُ مَا هِيَ قَالَ ع لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي

وَأَتَقَى إِنَّمَا النَّاسَ رَجُلَانِ رَجُلٌ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتَقَى وَرَجُلٌ شَرٌّ مِنْهُ وَأَذْنَى فَإِذَا لَقِيَ الَّذِي شَرٌّ مِنْهُ

وَأَذْنَى قَالَ لَعَلَّ خَيْرَ هَذَا بَاطِنٌ وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَخَيْرِي ظَاهِرٌ وَهُوَ شَرٌّ لِي وَإِذَا رَأَى الَّذِي هُوَ

خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتَقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَطَابَ خَيْرُهُ وَحَسَنَ

ذِكْرُهُ وَسَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ.





## جزء ۹

### نقش خواص در اقتدار امت

#### ملاً و سرشناسان در قرآن

«ملاً» در لغت به معنای اشراف، سران و پیشوایان مردم و افراد صاحب نفوذی‌اند که به دلیل هیبت، غنا، ثروت و موقعیت و ابهت آن‌ها چشم‌ها را می‌گیرد و مردم در تصمیم‌گیری‌های خود، به آن‌ها می‌نگرند و پیرو آنانند.<sup>۱</sup>

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «ملاً به آن قومی می‌گویند که چشم‌پرکن هستند، مجلس‌پرکن هستند، مجلس‌آرا هستند، هدف‌واحد هم دارند. اینگونه از مترفین و مسرفین و اشراف، اولین گروهی بودند که مخالفت کردند.»<sup>۲</sup>

درباره‌ی این گروه و جماعتی که در مقابل پیامبران و سخن‌حق‌ایستادند، آیات متعددی در قرآن کریم می‌یابیم. این گروه و رویکرد آنها در آیات سوره مبارکه اعراف به طور واضح نشان داده شده‌اند؛ از آیه ۶۰ این سوره مبارکه و با شروع از سرگذشت دعوت حضرت نوح علیه السلام به دین‌آغاز می‌شود و در مقابل حضرت هود ع، حضرت صالح ع، حضرت شعیب ع و حضرت موسی ع این چنین ملاًهایی صف‌آرایی کردند. در هر دوره، ملاًها خصوصیات بارزی داشتند که نشان‌دهنده نقطه و دلیل مشترک آنها برای گروه شدن است

۱ رافعی، بی‌تا. ج ۲. ص ۵۸۰؛ <https://roshd.balagh.ir/content/۱۰۹۰>

۲ <http://www.shiaders.ir/sites/default/files/voices/۳۸۰-araf.javadiamoli/voice/۳۸۰-۰۹۷.mp۳>

## مدیریت سرشناسان عامل اقتدار

شکی نیست که حضور افراد سرشناس و ذی نفوذ در هر منطقه ای می تواند هدایت گر مردم به سمت اهدافی باشد که خود برای آنها ترسیم کرده اند.

هرچند قبیله گرایی در میان عرب ها بیش از دیگر اقوام است اما هر قومی و هر نژادی دارای وجوه و سرشناسانی هستند که مدیریت منطقه را به عهده دارند که جذب آنان به سمت اهداف ما می تواند عاملی مهم برای اقتدار قلمداد شود.

در تاریخ اسلام نمونه های متعددی از نامه نگاری پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به سران قبایل وجود دارد که جذب آنان موجب جذب تمام قبیله به سمت اسلام شده و مخالفت آنها با اسلام مخالفت تمام قبیله با اسلام را در پی داشته است.

بنابراین اگر اسلام و مسلمین به دنبال اقتدار باشند لازم است در هر قوم و قبیله ای سران و سرشناسان را شناسایی کرده و در جذب آنها به سمت اسلام تلاش کنند.

سران هم لزوماً افراد ثروتمند نیستند بلکه عالمان و قدرتمندان و فرمانروایان در هر منطقه در حکم وجوه و سرشناسان هستند که در اقتدار مسلمین می توانند موثر باشند.

بنابراین لازم است بعد از شناسایی ایشان به مدیریت آنها پرداخته و از تشتت افکار و پراکندگی در میان آنها جلوگیری کرد تا به سمت اهداف خودمان رهنمون شوند

تاریخ بشریت و آیات قرآن کریم، قدرت فراوان وجوه را به گونه ای ترسیم کرده است که بسیاری از تبلیغات و تلاش های پیامبران را تحت الشعاع قرار داده و چه بسا آنها را ناموفق جلوه داده است و تعداد اندکی از مردم به سمت انبیا گرایش پیدا کرده اند

بنابراین می توان از قدرت و نفوذ سرشناسان و وجوه اقوام در پی اقتدار اسلام و مسلمین استفاده کرد.

## کارکردهای وجوه و سرشناسان

در طول تاریخ بشریت کارکردهای متعددی برای این گروه به چشم می خورد که که حکایت از قدرت و نفوذ آنها در میان مردم دارد و اقتدار قبیله خود را رقم زده است هرچند گاهی بر باطل و انحراف بوده اند لکن قدرت خود را حفظ کرده اند.

این کارکردها به دو دسته تقسیم شود؛

### ۱. کارکردهای منفی

متأسفانه این نوع از کارکردها در سیره سرشناسان اقوام گذشته به دلیل عدم مدیریت و جذب آنان به سمت هدایت، بیش از کارکرد مثبت است. قرآن کریم یکی از مهمترین عامل واپس زدن انبیا و مبلغان آنها در طول تاریخ را تاثیرگذاری همین قوم و گروه می داند که اقوام آنها تحت تاثیر قدرت و ابهت سرشناسان خود از پیروی کردن از پیامبران فاصله گرفتند.

اینان گاهی پیامبر خدا را گمراه معرفی می کرده و مردم نیز همین دیدگاه را می پذیرفتند

الأعراف: ۶۰ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

گاه نیز پیامبران را بی خرد و دروغگو معرفی می کردند و مردم نیز آنها را حمایت می کردند

الأعراف: ۶۶ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ

مِنَ الْكَاذِبِينَ

گاه نیز از روی تکبر و خودبرتربینی نمی توانستند قدرت و بزرگی پیامبر خدا را ببینند و اعتراف به پیامبری وی را برچیده شدن قدرت خود می یافتند و بدین سبب با آنها مخالفت می کردند

الأعراف: ۸۸ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ

آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ

گاه تیز از در فریب مردم وارد می شده و پیروی از پیامبران را موجب ضرر و زیان برای مردم معرفی می کردند تا بدین سبب مردم را از حمایت از انبیا دور کنند

الأعراف: ۹۰ وَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ

در پاره ای از موارد نیز پیامبران را ساحر می نامیدند

الأعراف: ۱۰۹ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمٍ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

و گاه نیز رسولان الهی را عامل فساد بر روی زمین قلمداد می کردند



الأعراف: ۱۲۷ وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمٍ فِرْعَوْنَ أَ تَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذَرَكَ وَ آلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوقَهُمْ قَاهِرُونَ

## نمونه های منفی تاریخ اسلام

### عبیدالله بن عباس

در تاریخ اسلام نیز این مساله اتفاق افتاده است که انحراف سرشناسان قومی، تمام آن قوم و مریدان او را به سمت انحراف کشانده است مانند حرکت عبیدالله بن عباس از سپاه امام حسن علیه السلام به سمت سپاه معاویه که حدود هشت هزار نفر را با خوش برد

### سران خوارج

سران و سرشناسان خوارج که تعداد ۱۲ هزار نفر را با تفکر منفی و اشتباه در مقابل امیرالمومنین علیه السلام قرار دادند

### سلیمان بن صدخزاعی

سلیمان بن صدخزاعی که با برداشتی اشتباه از حرکت و قیام امام حسین علیه السلام، تعداد زیادی از مردم کوفه را از همراهی امام ازداشت و در نهایت نیز پشیمان شدند

### عبیدالله بن حر جعفی

که با عدم حضور خود در رکاب امام حسین علیه السلام، دیگر اقوام و قبیله او نیز از این حمایت دست کشیدند

## ۲. کارکردهای مثبت

هرچند قرآن کریم سرشناسان و وجوه منفی را جزو ملأ معرفی کرده است و غالب سرشناسان قرآنی کارکردی منفی و در مقابل پیامبران اند لکن وجوه مثبت و متدین نیز در طول تاریخ اسلام وجود داشته است که حامی خوبی برای پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بوده اند و مردم نیز با تبعیت از همان وجوه و سرشناسان به گرد پیامبر و اهل بیت علیهم السلام درآمدند که نمونه هایی از آنها را ذکر می کنیم

### عبدال مطلب و ابوطالب

که این شخصیت های برجسته با حمایت خود از رسول خدا ﷺ گروه های بسیاری از مردم را به سمت رسول خدا ﷺ رهنمون ساختند

### زهیر بن قین بجلی

که با ملاقات خود با سیدالشهدا علیه السلام چنان منقلب شد که قوم و قبیله وی نیز به همراه او به سمت کربلا حرکت کردند

### حر بن یزید ریاحی

....و

بنابراین جهت اقتدار امت اسلامی لازم است در هر قوم قبیله ای سران و سرشناسان و چهره ها را شناسایی کرد و آنها را به سمت اسلام دعوت و آنها را حمایت کرد تا حمایت آنها را داشته باشیم.

کما اینکه سیره رسول خدا بر این بود که در هر قومی وارد می شد بزرگ آن قوم را اکرام می کرد و همین اکرام و احترام ایشان بود که بسیاری از اقوام را به سمت رسول خدا ﷺ هدایت کرد.

امام رضا علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص ... يُكْرِمُ كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ وَيُؤَلِّيهِ عَلَيْهِمْ ( عيون الاخبار، ج ۱، ص ۳۱۸)

### نکته مهم

وجوه و سرشناسان در عصر حاضر می توانند همان مسئولین و مدیران استان ها و شهرها و ارگان ها و ادارات باشند که نیروهای زیادی تحت امر آنها می باشند.  
اگر سابقا کدخدایانی بودند امروزه دهیاران به جای آنها نشسته اند  
اگر آن دوران، رئیس قبیله بود امروزه هیات های مذهبی و متولیان هیات ها می توانند در حکم همان رئیس قبیله باشند

امروز ائمه جمعه و ائمه جماعات مساجد در حکم امامان هر مسجد و محله هستند که می‌توانند رهبری و راهبری مردم را به عهده گیرند و با تغذیه صحیح و خوراک دقیق علمی و فرهنگی، جامعه را به سمت اقتدار هدایت کنند و امثال این افراد که در جامعه اسلامی کم نیستند و تمامی این افراد می‌توانند عامل اقتدار در جامعه اسلامی باشند

این افراد با درستکاری و حمایت از جمهوری اسلامی و اسلام ناب محمدی و برنامه‌ریزی صحیح در محل خدمت خویش در راستای اقتدار اسلامی می‌توانند گامی بسیار قوی در این جهت بردارند و با عملکرد و کارکرد صحیح خود، عزت و اعتلای اسلام را به جهانیان ارمغان بدهند

از طرف دیگر نیز افرادی مانند مدیران کانال‌ها در فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی می‌توانند به عنوان سران فتنه قلمداد شوند و با القای خوراک منفی به مردم، در تضعیف جامعه و اسلام و اقتدار اسلام موثر باشند که نباید آنها را فراموش کرد. امام راحل رحمۃ اللہ علیہ در جمع کارگزاران بانکی اینگونه می‌فرمایند:

«هر کس در هر مقامی که هست باید کمر همت به خدمت به این مملکت، به خدمت به اسلام ببندد تا مشکلات رفع بشود. شمایی که در بانک هستید و کارمند بانک یا رؤسای بانک هستید باید بانک را اصلاح بکنید؛ کسانی که در فرهنگ هستند باید فرهنگ را اصلاح بکنند؛ کسانی که در وزارتخانه‌ها هستند باید وزارتخانه‌ها را تصفیه کنند.»<sup>۱</sup>

## جزء ۱۰

### جهاد با دشمنان

#### اهمیت جهاد

قطعا هر جا حکومتی به نام دین و خدا بنیان نهاده شود بسیاری از افرادی که صاحبان زر و زور و تزویر و قدرت بوده اند هراسان شده و با ترفندهای مختلف در صدد مخالفت با آن حکومت و دولت برآمده و جنگ هایی را در جهت براندازی آن تحمیل می کنند همانگونه که در آغاز انقلاب اسلامی ایران، جنگی جهانی علیه ما تحمیل شده و هشت سال تمام کشور ما را گرفتار کرد.

اقتدار هر کشور و هر حکومت به نیروهای جهادی آن است و هر میزان که نیروهای آماده برای دفاع از کشور و کیان خود را داشته باشد بر اقتدار او افزوده می شود به همین دلیل است که امام راحل بر داشتن ارتش بیست میلیونی در آغاز انقلاب تاکید فرمود.

اگر بیان ارزش های دفاع و اهمیت مقام شهادت در راه خدا در کلمات نورانی امام راحل و مبلغان دین نبود نمی توانستیم در برابر هجه تمام دنیا بر علیه ایران مقاومت کنیم اما رهبری حکیمانه امام و نصرت های الهی بر رزمندگان مخلص و جان برکف ما بود که دفاع ما را به دفاع مقدس تبدیل کرد و پیر و جوان و نوجوان، خود را در دفاع از ناموس و دین خود به جهاد با دشمن برخواستند. جهادی که امیرمؤمنان علی علیه السلام، جاد در راه خدا را دری از درهای بهشت دانسته که برای خواص از بندگان خدا گشوده می شود. ایشان می فرماید:



أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ  
دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ

پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را  
به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن  
خداوند است،

امیرمومنان علی علیه السلام جهاد را زره ای نفوذناپذیر و سپری محکم برای امت اسلامی تشبیه  
نموده‌اند که گویای اقتدار امت اسلام در پرتو جهاد فی سبیل الله است.

### امر الهی به جهاد

خدای متعال در قرآن کریم مکرر از جهاد صحبت کرده و آن را عاملی برای احقاق کلمه  
حق دانسته است که هیمنه مستکبرین را می شکند

الأنفال: ۷ وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ  
تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

آل عمران: ۱۱۱ لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلَوْكُمْ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ

خداوند متعال در جای دیگری از قرآن کریم در عرصه جهاد و قتال می فرماید:

البقرة: ۱۹۰ وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْمُعْتَدِينَ

البقرة: ۱۹۳ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ

إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

البقرة: ۲۴۴ وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

### خداوند وعده یاری در جهاد را داده است

آنقدر جهاد در راه خدا اهمیت دارد که خدای متعال بارها از نصرت و یاری خویش  
سخن گفته و در فرمایشات نورانی اهل بیت نیز به این نصرت الهی اشاره شده است و این



نصرت و یاری خداوند بیانگر اهمیت جهاد در عرصه قدرت افزایی و اقتدار امت اسلام است که خدای متعال نیز این مساله را تاکید و یاری می فرماید

الأنفال : ۹ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبْ لَكُمْ أَنِّي مُّمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

مُزْدَفِينَ

آل عمران : ۱۲۳ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ  
التوبة : ۱۴ قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِيهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ

قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ

التوبة : ۲۵ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ خَنْيْنٍ إِذْ أَغْجَبَتْكُمْ كَثَرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ  
محمد : ۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ

## چگونه جهاد به اقتدار تبدیل شود؟

اگر جهاد در راه خدا یکی از عوامل اقتدار امت اسلامی محسوب می شود منوط به شرایطی است که برخی از آنها چنین است؛

### ۱. ثبات در هدف

الأنفال : ۴۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

### ۲. جهاد مخلصانه

فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بِعَدُونَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِياً جِرَانَهُ وَ مُتَبَوِّئاً أَوْطَانَهُ وَ لَعَمْرِي لَوْ كُنَّا نَأْتِي مَا أَتَيْتُمْ مَا قَامَ لِلدِّينِ عُمُودٌ وَ لَا اخْضَرَّ لِلْإِيمَانِ عُودٌ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَتَحْتَلِبُنَّهَا دَمًا وَ لَتَتَّبِعُنَّهَا نَدْمًا چون خداوند راستی ما را دید دشمنان را سرکوب کرد، و یاری خود را بر ما نازل کرد، تا آن وقت که اسلام همانند شتری که سینه و گردن برای استراحت به زمین نهد، و در جای خود بخوابد استقرار یافت.

به جانم قسم اگر ما در آن زمان رفتاری مانند رفتار امروز شما داشتیم پایه ای از بنای



اسلام برپا نمی‌شد، و شاخه‌ای از درخت ایمان سبز نمی‌گشت. به خدا قسم با این وضعی که دارید به جای شیر، خون خواهید دوشید، و به دنبالش دچار ندامت خواهید شد.<sup>۱</sup>

### ۳. اطاعت پذیری از رهبر و فرمانده

الأَنْفَالُ : ۴۶ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ وَ اصْبِرُوا  
إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

### ۴. استقامت

الأَحْكَافُ : ۱۳ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ

### ۵. ستیز با دشمن هرچند آشنا باشد

این نکته خیلی مهم است که اگر در برابر دشمنی خودی‌ها و آشنایان خود لغزیدیم و سست شدیم آنها بر ما غلبه می‌کنند و ما را به عقب رانده و به پذیرفتن شکست، وادارمان می‌کنند

اما اگر فامیل و آشنا بودن در ما تاثیری نگذاشت و هدف ما فقط دین الهی و رضایت خداوند باشد به اقتدار خواهیم رسید

امیرمومنان رمی فرماید:

وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ وَ لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَ الْآخَرُ مِنْ عَدُوِّنَا يَتَصَاوِلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَيُّهُمَا يَسْقَى صَاحِبَهُ كَأْسَ الْمُنُونِ فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَ مَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِنَّا

ما در کنار رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بودیم، پدران و فرزندان و عموهای خود را به امر حق به قتل می‌رساندیم، و این مسئله جز بر ایمان و تسلیم و حرکت در راه راست و شکیبایی بر سوزش درد، و کوشش ما در جهاد با دشمن نمی‌افزود. و مردی از ما و مردی از دشمن چون دو شیر نر با هم در می‌افتادند، و در صدد برآوردن جان یکدیگر بودند، تا کدام

۱ نهج البلاغه خطبه ۵۶، وقعة الصفین صفحه ۵۲۱، الغارات جلد ۲ صفحه ۳۷۳

یک از آن دو، جام مرگ را به کام دیگری بریزد. یک بار ما بر دشمن پیروز می شدیم، و یک بار دشمن بر ما.

و خدای متعال نیز حضرت ابراهیم علیه السلام را که با بستگان خود می جنگید به عنوان الگو برای ما معرفی کرده است:

المتحنة : ۴ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

### مضرات سستی در جهاد

#### ۱. شکست اقتدار

الأنفال : ۴۶ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

#### ۲. از بین رفتن ایمان و تخریب آخرت

التوبة : ۳۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

#### ۳. خفت و خواری

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۲۷ نهج البلاغه کناره گیری از جهاد را موجب ذلت و خواری بیان کرده که انواع خفت ها را بر انسان وارد می سازد؛  
فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ الذُّلَّ وَ شَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَ دُيْتُ بِالصَّغَارِ وَ الْقِمَاءِ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِشْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ الْخُسْفِ وَ مُنِعَ النَّصَفُ  
کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می پوشاند، و دچار بلا و مصیبت می شود و کوچک و ذلیل می گردد، دل او در پرده گمراهی



مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است.

#### ۴. نفوذ و غارت گری های دشمن

خطبه ۲۷ نهج البلاغه

أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا وَقُلْتُ لَكُمْ اغْزُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَاذَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتِ وَمُلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانَ

#### ۵. اسارت و غارت ناموس

خطبه ۲۷ نهج البلاغه

وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةِ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقُلْبَهَا وَفَلَا يُدْهَأُ وَرُعْثُهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْإِسْتِزْجَاعِ وَالْإِسْتِزْحَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلَّمَ وَلَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا

## جزء ۱۱

### توحید و یکتامحوری

#### اهمیت توحید و یکتامحوری

شکی نیست که اقتدار زمانی حاصل می شود که همگان تحت امر فرمان واحدی بوده و یک نفر را پشتیبان خود بدانند و از یک نفر حرف شنوی داشته باشند چرا که خدای متعال می فرماید:

الأنبياء: ۲۲ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

جامعه توحیدی، جامعه ای است که تنها خداوند را می پرستد و تنها به رضایت او می اندیشد، از هیچ قدرتی هراس ندارد و از اقتدار اجتماعی بی نظیری برخوردار می شود. در دعای جوشن کبیر اینگونه در مورد خدای متعال به ما آموخته اند؛

يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا إِيَّاهُ

در حکمت ۴۰۴ نهج البلاغه در مورد حوقله آمده است؛

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِمْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّا لَا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً وَ لَا نَمْلِكُ إِلَّا مَا مَلَكَنا فَمَتَى مَلَكَنا مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنَّا كَلَفْنَا وَمَتَى أَخَذَهُ مِنَّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَنَّا جَبْرِئِلُ بِرَسُولِ خَدَا ﷺ نَازِلٌ شَدَّ وَ عَرَضَ كَرَدَ هِدَايِيهِ مِنْ طَرَفِ خَدَاوند برای شما آوردم که به هیچکدام از مخلوقات قبلی عطا نشده است.

یکی از آنها توکل بر خدا بود که از جبرئیل سوال شد توکل چیست؟ پاسخ داد؟

الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَلَمْ يَرْجُ وَلَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَلَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ

در جامعه ای که این باور و اعتقاد را داشته باشد، تعصبات جاهلانه نسبت به شهر و محله و ... وجود ندارد؛ بلکه رنگ و بوی توحیدی، به موخدان یکپارچگی می بخشد و ایشان را در برابر مستکبران و کافران در یک صف، همراه می کند. اگر جامعه، تنها خداوند را شایسته پرستش بداند، بسیاری از نابسامانی ها ریشه کن خواهد شد، زیرا جامعه موحد، سبک زندگی خویش را بر محور وظیفه محوری، آخرت طلبی و کسب رضایت الهی شکل می دهد. هدف انقلاب نیز ثابت کردن کلمه الله، پیاده کردن عدالت، برداشتن ظلم و ستم و پیاده کردن حکومت الهی بر مبنای توحید است و اگر مسئولین ما در این مسیر ثابت قدم باشند و ما نیز از آنان پیروی کنیم، دیگر نیازی به وابستگی به کشورهای دیگر نمیشود. این نگاه کسانی که تمام ذهن و فکرشان این است که با یک کشور قدرتمند ارتباط گیرند و فکر می کنند تمام مشکلات این گونه حل می شود، نگاه توحیدی نیست.

نگاه توحیدی به زندگی و جامعه پیرامون زندگی به گونه ای است که بندگان تمام امورات خویش را به او می سپارند و در واسپاری امور به خدای یکتا تردید ندارند و او را مسبب الاسباب و تنها فاعل علی الاطلاق می دانند و تمامی ریز و درشت زندگی و دارا و نداری خویش را از ناحیه او دانسته و به این مساله واقفند و هیچ اعتراضی نمی کنند.

جامعه ای توحیدی با این مبنا که همه کاره خداوند است و او رب الارباب است تمام سختی ها را به جان می خرد و تحریم ها و تهدیدهای دشمن او را نمی هراساند و هرچه در سختی بیشتری قرار گیرد اطمینان و اقتدار او بیشتر شده و بر مقاومت او افزوده می شود چون می داند لا موثر فی الوجود الا الله

امام رضا (ع) در واسپاری امور به خدی متعال می فرماید:

إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَلَوْ أَغْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَاءِ وَلَوْ أَفْقَرْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي

الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَنْ لَا يَصْلُحْ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالسُّقْمِ وَلَوْ صَحَّحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي  
الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَنْ لَا يَصْلُحْ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَلَوْ أَشَقَمْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنِّي أُدَبِّرُ عِبَادِي لِعِلْمِي  
بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَيْرٌ.

در این نگاه توحیدی است که به انسان این اقتدار و قدرت را می دهد که حتی با  
تعداد اندک نیز در برابر تعداد کثیر قیام کند و با تکیه بر نیروی واحد خداوند متعال، خود  
را پیروز میدان بداند

البقرة: ۲۴۹... كُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

### نکته ای مهم

توکل بر خداوند یکتا و بی همتا به معنای سکون و ایستایی نیست بلکه به معنای  
حرکت با پشتوانگی خدای متعال است. توکل یعنی حرکت کنیم ولی اثربخشی حرکت خود  
را به خدای متعال بسپاریم

الأنفال: ۱۷ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى

رسول خدا وارد مسجد شد و گروهی را دید که در گوشه مسجد خرامیدند. پرسید شما که  
هستید؟ گفتند: متوکلین بر خدای متعال. فرمود شما توکل بر خدا ندارید بلکه سربار جامعه  
هستید

رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص قَوْمًا لَا يَزِرْعُونَ قَالَ مَا أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ قَالَ لَا بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكِلُونَ.<sup>۱</sup>  
در مورد آیه ۱۹۷ از سوره بقره که می فرماید: تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا يَا أُولِي  
الْأَلْبَابِ آمده است.

نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْيَمَنِ؛ كَانُوا يَحْجُونَ وَ لَا يَتَزَوَّدُونَ وَ يَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ، ثُمَّ كَانُوا يَسْأَلُونَ  
النَّاسَ وَ يَكُونُونَ كَلًّا عَلَيْهِمْ، فَأَمَرُوا أَنْ يَتَزَوَّدُوا مَا يَتَبَلَّغُونَ بِهِ، وَ يَتَّقُوا الْإِبْرَامَ فِي السُّؤَالِ وَ التَّثْقِيلِ  
عَلَى النَّاسِ.

## دستور خداوند بر تکیه بر یگانگی او

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ<sup>۱</sup>  
 المائدة: ۲۳ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ  
 فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
 إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخَيِّ وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ  
 وَلَا نَصِيرٍ<sup>۲</sup>

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ<sup>۳</sup>  
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي  
 الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ  
 بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ  
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ<sup>۴</sup>

## آثار اتکاء به خدای متعال

### اقتدار در پرتو اطاعت پذیری از خدای یکتا

امام صادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُودَ عليه السلام، أَنْ بَلِّغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِبْدِهِ مِنْهُمْ  
 أَمْرُهُ بِطَاعَتِي فَيُطِيعُنِي إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَعِينَهُ عَلَى طَاعَتِي فَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَإِنْ دَعَانِي  
 أَجَبْتُهُ وَإِنْ اعْتَصَمَ بِي عَصَمْتُهُ وَإِنْ اسْتَكْفَانِي كَفَيْتُهُ وَإِنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّ حَفِظْتُهُ وَإِنْ كَادَهُ جَمِيعُ  
 خَلْقِي كِدْتُ دُونَهُ.<sup>۵</sup>

خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود که: به قوم خود برسان که هیچ بنده ای از ایشان  
 نیست که به فرمان برداری از خودم فرمانش دهم و او فرمان برد، جز آن که بر من است که او

۱ - (۱۰) یونس: ۸۴.

۲ - (۹) توبه: ۱۱۶.

۳ - (۲۳) مومنون: ۸۸.

۴ - (۱) بقره: ۲۵۵.

۵ - (قصص الأنبياء، ص ۱۹۸، ح ۲۵۱)



را بر اطاعتکم کمک کنم. پس اگر از من بخواهد، عطایش می‌کنم، اگر مرابخواند، پاسخش می‌دهم، اگر به من پناهنده شود، پناهِش می‌دهم، اگر از من کفایت طلبد، کفایتش می‌کنم، اگر به من توکل کند، او را حفظ می‌کنم و اگر همه آفریدگانم علیه او نقشه کشند، من به سود او نقشه می‌کشم.

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ فَقَالَ التَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتُ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَفَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَقْوِيصِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَثِقْ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا.<sup>۱</sup>

از ایشان درباره کلام خدای عز و جل سوال شد که می‌فرمایند «و هر کس به خدا توکل کند او برای وی بس است» توکل کردن بر خدا درجاتی دارد: یکی از آنها این است که در تمام کارهایت به خدا توکل کنی و هر چه با تو کرد از او خشنود باشی و بدانی که او نسبت به تو از هیچ خیر و تفضلی کوتاهی نمی‌کند و بدانی که در این باره حکم، حکم اوست، پس با واگذاری کارهایت به خدا بر او توکل کن و در آن کارها و دیگر کارها به او اعتماد داشته باش.

خدای متعال می‌فرماید:

عبدی أطلعني أجعلك مثلي، أنا حي لا أموت أجعلك حيًا لا تموت، أنا غني لا أفقر أجعلك غنيًا لا تفتقر، أنا مهما أشاء يكون أجعلك مهما تشاء يكون.

### ابهت مومن متکی به خدا

جامع الأخبار عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَيَهَابُهُ كُلُّ شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ إِذَا كَانَ مُخْلِصًا لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَسِبَاعُهَا وَطَيْرُ السَّمَاءِ.<sup>۲</sup> همه اشیاء در برابر مؤمن، خاشع اند و از هیبت او می‌هراسند. اگر برای خدا اخلاص ورزد، خداوند همه چیز، حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او می‌ترساند.

۱ - (کافی (ط - الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۵، ح ۵)

۲ - (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص: ۲۴۸)

## حمایت خداوند متعال

الأنفال : ۴۹ ... وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ  
الطلاق : ۳ ... وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

## در کانون توجه خدا قرار گرفتن

نکته ای که نباید مورد غفلت قرار گیرد اینکه در صورتی خدای متعال به بندگان خویش قدرت و اقتدار عطا می کند که بندگان نیز از او بخواهند و با او ارتباط داشته باشند و او را تنها مسبب الاسباب و تنها موثر در عالم بدانند

الفرقان : ۷۷ قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ  
البقرة : ۱۵۲ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ

## شکست در عدم تکیه بر خدای یکتا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ دُونِي إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَأَسْبَابَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ.<sup>۱</sup>  
خداوند عزوجل می فرماید: هیچ مخلوقی نیست که به غیر من پناه ببرد، مگر این که دستش را از اسباب و ریسمان های آسمانها و زمین کوتاه کنم، پس اگر از من بخواهد عطایش نکنم و اگر مرا بخواند جوابش ندهم.  
و در صورت عدم اتکاء به خداوند و روی گردانی از قدرت لایزال اوست که زندگی برخی را به زندگی ضنک تبدیل می کند

طه : ۱۲۴ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

و یقیناً زندگی ضنک با اقتدار و قدرت همراه نیست

۱- (امالی طوسی، ص ۵۸۵، ح ۱۲۱۰)

## توصیه امام راحل

امام راحل رحمۃ اللہ علیہ در زمینه تکیه بر خداوند متعال و محوریت قرار دادن خداوند می فرماید:

و من از ملت خودم و از همه شما و از همه ملت های مُسلم می خواهم که اتکال به خدا بکنید؛ در همه کارها اتکال به خدا بکنید. قدرت ها در مقابل قدرت خدا هیچ است، قوه ها در مقابل قوه الهی نابود است. اتکال به خدا بکنید، غلبه به هر چیز می کنید. پیغمبر اسلام با آنکه یک نفر بود در مقابل همه دشمن ها، با اتکال به خدا غلبه کرد بر همه. و وقتی وارد مکه شد- مکه ای که او را آنقدر زجر داده بودند- وارد مکه شد، پیروزمندانه با فتح، با نصر وارد شد و دنیا را روشن کرد. نهضت رسول اکرم نهضت انسانی بود، نهضت الهی بود؛ مثل قدرت های دیگر نبود که شیطانی است [و] برای منافع شخصی یا برای دولتمداری قیام کردند و آدمکشی می کنند. خیر، یک قدرت الهی دنبال این بود. تعلیمات الهی بود که ملت هایی که به سنگ پرستی و بت پرستی و آتش پرستی و بدتر از این ها مبتلا بودند، اینها را... موحد کرد، و نور توحید و پرچم توحید را بر همه ممالک اسلام سایه افکن کرد. برای اینکه اتکالش به خدا بود، جبرئیل امین پشت سرش بود. شما هم اتکال به خدا کنید. تا جبرئیل امین پشت سر شما با شما همراه باشد، فرشتگان با شما همراه باشند.<sup>۱</sup>

۱- (صحیفه امام ج ۶، ص ۲۴۳)



## جزء ۱۲

### اطاعت پذیری از رهبر و فرمانده

#### اهمیت رهبری

وجود رهبر و راهبر در همه عرصه ها ضروری است و در همه جوامع کوچک و بزرگ لازم است و نبودن آنها آفات فراوانی دارد که مهمترین آنها افتادن در دام دشمنان و شیاطین است و پیروی کردن از رهبری و فرمانده است که اقتدار امت و ملت را به همراه دارد.

امیرمومنان در خطبه ۴۰ نهج البلاغه اهمیت رهبر و فرمانده را به زیبایی بیان فرموده است آنگاه که خوارج، داعیه عدم نیاز به رهبری و حاکمن را داشتند و شعار لا حکم الا الله سر می دادند در حالی که منظور آنها از حکومت، حاکم بود و می گفتند نیازی به حاکم نداریم در حالی که قرآن داریم اما امام فرمود:

كَلِمَةً حَقٍّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ نَعَمْ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ لَا أَمْرَ إِلَّا لِلَّهِ وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ

وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَنَّهُ عَ لَمَّا سَمِعَ تَحْكِيمَهُمْ قَالَ حُكْمَ اللَّهِ أَنْتَظِرُ فِيكُمْ وَقَالَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقِيُّ وَأَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقِيُّ إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مُدَّتُهُ وَتُدْرِكَهُ مَبِيتُهُ

گفتار حقی است که به آن باطلی اراده شده. آری حکمی نیست مگر برای خدا، ولی

اینان می‌گویند: زمامداری مخصوص خداست. در حالی که برای مردم حاکمی لازم است چه نیکوکار و چه بدکار، که مؤمن در عرصه حکومت او به راه حقّش ادامه دهد، و کافر بهره‌مند از زندگی گردد، و خدا هم روزگار مؤمن و کافر را در آن حکومت به سر آرد، و نیز به وسیله آن حاکم غنائم جمع گردد، و به توسط او جنگ با دشمن سامان گیرد و راهها به سبب او امن گردد، و در امارت وی حق ناتوان از قوی گرفته شود، تا مؤمن نیکوکار راحت شود، و مردم از شرّ بدکار در امان گردند.

[در روایت دیگری آمده: وقتی گفتار خوارج را در زمینه حکمیت شنید فرمود:] در باره شما به انتظار حکم خدا هستم. [و فرمود:] اما در سایه حکومت انسان صالح، اهل تقوا به راه خود ادامه دهند. ولی در حکومت بدکار، اهل شقاوت از حیات دنیا بهره‌مند می‌گردند، تا روزگار هر یک به سر آید، و مرگش فرا رسد.

امیرمومنان علیه السلام در جای دیگری شرط رسیدن به سعادت اخروی را اطاعت از خویش دانسته و می‌فرماید:

فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَ مَذَاقَةٍ مَرِيرَةٍ ( نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

بنابراین نه تنها در امور دنیوی که در امور اخروی هم نباید یکه تازی کرد بلکه باید پشت سر یک رهبر و راهبری حرکت کرد که بلدِ راه باشد و سکانداری را به یک نفر واگذار کرد و او را مقتدا و راهبر خود دانست تا یکصدایی و یک نظری و قطب بودن او، امت را به قله اقتدار و قدرت برساند کما اینکه نظم مقدس جمهوری اسلامی ایرانم با رهبری انمام راحل و سپس خلف صالح ایشان و محوریت این حکمیم فرزانه، چنان به قله های اقتدار رسیده است که امروز سخنگوی امور خارجه آمریکا اعتراف می کند ما در تحریم ها علیه ایران شکست خوردیم و نه تنها او که تمامی دشمنان ایران به شکست و ضعف خود در برابر هدایت گری ها و رهبری های امام خامنه ای (مدظله) اعتراف می کنند

### معیت و همراهی با رهبری، شرط نجات و اقتدار

بنابراین آنچه ملت ها و امت ها را به اقتدار می رساند معیت و همراهی با رهبری است

و خدای متعال هم در قرآن کریم آنانی را که در معیت انبیا بودند نجات داد و دیگران را به ذلت و خواری رساند کما اینکه در قرآن کریم به مساله، مکرر اشاره شده و نجات از بلاها و مهلکه ها را در پرتو معیت و همراهی با امامان و رهبران معنوی خود دانسته است.

در همین جزء دوازدهم که با سوره مبارکه هود آغاز می شود آیات متعددی وجود دارد که نجات را در معیت با انبیا قرار داده است انبیایی که در حکم رهبر و فرمانده آنها بوده اند ؛

هود: ۴۸ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَ أُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

هود: ۵۸ وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

هود: ۶۶ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

هود: ۹۴ وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ أَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ

در سوره مبارکه اعراف هم که مساله مخالفت با پیامبران مطرح شده است خدای دمتعال می فرماید هرکه را با پیامبران بودند نجات دادیم در مورد حضرت نوح می فرماید:

الأعراف: ۶۴ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ اغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ

الأعراف: ۷۲ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ مَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

آیات مذکور حکایت از تبعیت از امام و رهبر دارد و نجات و قدرت و اقتدار را منوط به معیت و همراهی با رهبر و فرمانده می داند و هرآنکس که طبق رای و نظر خودش عمل کرد و از معیت رهبری جدا شد به هلاکت رسید.



## وظایف همراهان و پیروان

### ۱. براءت از دشمنان و عدم دلبستگی و وابستگی به دشمن

در قرآن کریم، حضرت ابراهیم و کسانی که همراه او هستند به عنوان اسوه حسنه معرفی شده‌اند و ویژگی آنها براءت و بیزاری از کفار و قاطعیت در این براءت و بیزاری بیان شده است.

الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (ممتحنه: ۴)

مسلماناً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است، تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید. [آری، ابراهیم و مؤمنان جز اعلام بیزاری سخنی با بت پرستان نداشتند] مگر سخن ابراهیم به پدرش که گفت: من برای تو [در صورتی که دست از دشمنی و کینه با حق برداری] آمرزش خواهم خواست و در برابر خدا به سود تو اختیار چیزی راندارم. پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت به سوی توست.<sup>۱</sup>

### ۲. قاطعیت و شدت عمل نسبت به مخالفان

آنگاه که رهبری فرد و باورها و ایده‌های او را پذیرفتیم و وی را به عنوان پیشوای خود انتخاب کردیم لازم است تمام اموری که با او و اندیشه‌ها و منظومه فکری او مخالف است شناسایی کرده و با شدت در برابر هجمه‌ها و حمله‌های آنها موضع‌گیری کنیم. بنابراین مهمترین وظیفه پیرو رهبر، شدت در برابر دشمنان و مخالفان است. البته نکته مهم قبل از شدت عمل، شناخت دشمن است.



ابتدا باید دشمن را از خودی تشخیص داد تا در موضعگیری ها و محاسبات خود دچار اشتباه نشویم.

بعد از شناخت دشمن و بصیرت کافی نسبت به تشخیص دوست و دشمن، لازم است در برابر دشمنان سرسخت و مقاوم بود

الفتح: ۲۹ **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ**

همین طور در آیه دیگر به قاطعیت آن ها در میدان نبرد با دشمنان اشاره شده است

**فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ** (محمد: ۴) پس هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران روبرو شدید، گردن هایشان را به شدت بزنید تا آن گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید<sup>۱</sup> گردن زدن کنایه از قتل است، بنابر این ضرورتی ندارد که جنگجویان کوشش خود را برای انجام خصوص این امر به کار برند. هنگامی که انسان با دشمنی خونخوار در میدان نبرد روبرو می شود اگر با قاطعیت هر چه بیشتر حملات سخت و ضربات کوبنده بر دشمن وارد نکند خودش نابود خواهد شد، و این دستور یک دستور کاملاً منطقی است. سپس می افزاید: این حملات کوبنده باید همچنان ادامه یابد..... حَتَّى إِذَا أَتَخْتَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوُثَاقَ. «تا به اندازه کافی دشمن را درهم بکوبید (و به زانو در آورید) در این هنگام اسیران را محکم ببندید»<sup>۲</sup>

امیرمومنان در نامه ای که برای مردم مصر نوشته و فرماندار ایشان را معرفی کردند در مورد منالک اشتر اینگونه نوشتند:

فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرُّوْعِ أَشَدَّ عَلَى الْفَجَّارِ مِنْ حَرِّقِ النَّارِ وَهُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ

### ۳. دلسوزی برای همزمان و همراهان

الفتح: ۲۹ **رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ**

در حقیقت عواطف آنها در این «مهر» و «قهر» خلاصه می شود، اما نه جمع میان این

۱ همان، ص: ۵۰۷

۲ برگزیده تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۴۸۸



دو در وجود آنها تضادی دارد، و نه قهر آنها در برابر دشمن و مهر آنها در برابر دوست سبب می شود که از جاده حق و عدالت قدمی بیرون نهند

#### ۴. اهل عبادت و فروتنی در برابر خدا

الفتح: ۲۹ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ

فعل تراهم حکایت استمرار عبادت آنها دارد که هر لحظه آنها را مشاهده می کنی در حال عبادت و بندگی هستند

#### ۵. تکیه تام بر خداوند و عدم ركون به ظالمان

الفتح: ۲۹ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا

در همین جزء دوازدهم آمده است به ظالمان تکیه نکنید و تکیه گاه شما، فرماندهان دینی شما باشند

وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ (هود: ۱۱۳)

امروز اگر نگاه مسئولین ما به غرب و آمریکا و انگلیس باشد به این آیه عمل نکرده و خود را در منجلاب هلاکت انداخته اند و آتش دنیا و آخرت را برای خود و دیگران برافروخته اند. امروز کسانی که نگاه امیدشان به آمریکاست و او را منجی می دانند باید بدانند هرجای دنیا که آمریکا قدم گذاشته است جز آتش افروزی و کشت و کشتار، ارمغان دیگری نداشته است.

اگر رهبر معظم انقلاب مذاکره با آمریکا را مفید نمی دانند در اثر تجربیات چند دهه است که آتش افروزی های آمریکا را دیده اند و می دانند ركون و اتکاء به دشمن، جز، سوختن، فایده دیگری ندارد

#### ۶. جهاد در راه خدا با جان و مال

التوبة: ۸۸ لَكِنَّ الرُّسُولَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أُولَئِكَ لَهُمُ

## الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

### ۷. اتحاد و همبستگی پشت سر رهبری

الصف: ۴ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ

استقامت در سختی ها

فصلت: ۳۰ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ  
الجن: ۱۶ وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا

نکته آخر

### شکست اقتدار در سایه عدم پیروی از رهبری

#### جنگ صفین سمبل عدم تبعیت از رهبری

در جنگ احد که رسول خدا ﷺ تاکتیک ها و تکنیک ها را برای رزمندگان اسلام ترسیم فرمود، در ابتدا منجر به پیروزی مسلمین شد اما در نهایت که رسول خدا ﷺ فرموده بود در هیچ شرایطی تنگه را رها نکنید، متأسفانه گوش به فرمان او نداده و به هوای غنیمت، تنگه را رها کردند و دشمن هم از این فرصت استفاده کرد و شکست مسلمین را رقم زد. بنابراین حتی در زمان پیروزی و موفقیت و پیشرفت نیز نباید از دشمن غفلت کرد. حتی در زمان اقتدار نیز نباید روزنه هایی برای ورود و نفوذ دشمن باز گذاشت که هر نوع مخالفت با رهبری در هر عرصه ای، روزنه ای برای نفوذ دشمن به حساب می آید. در جنگ صفین هم، امیرالمومنین (علیه السلام) تا دو قدمی پیروزی بر معاویه رسید اما متأسفانه نفوذ دشمن و حيله دشمن، برخی بی بصیرتان را در مقابل امام قرار داد و به جای اینکه به کلام رسول خدا ﷺ عمل کنند که  
على مع الحق و الحق مع على  
در مقابل امام و رهبر خود ایستادند و او را تهدید به قتل و متهم به کفر کردند و همین



مساله موجب شکست حضرت درصفین و پذیرفتن جریان حکمیت شد که بعداً همان مخالفین امام نیز به اشتباه خود پی بردند.

## جزء ۱۳

### استقامت امت اسلامی

#### استقامت، اقتدار می آورد

یوسف : ۱۱۰ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

رسیدن به قله های افتخار و اقتدار به راحتی دست یافتنی نیست و مانند فتح قله کوه است که سختی ها و نگرانی ها و افتادن ها را در پی دارد.

کوهنوردی که در حال صعود است قطعاً با مشکلات و مصائب مختلفی مواجه می شود اما چون هدفش فتح قله است تمامی سختی ها و مشکلات را به جان می خرد و آنها را مانعی برای پیشرفت خود نمی داند.

سوارکاری را در نظر بگیرید که خودش را برای روز مسابقه آماده می کند.

این سوارکار، خودش و اسبش را در روزها و ماه های متمادی تمرین می دهد و حتی در زمینی هم که برای تمرین خود آماده کرده، موانعی در سر راه خود و اسبش قرار می دهد و تلاش می کند از روی موانع بپرد و آنها را پشت سر بگذارد.

طبیعی است که گاهی از روی اسب به زمین می افتد و دست و پایش می شکند و حتی گاهی با موانع برخورد می کند و نمی تواند از روی مانع عبور کند اما این شکست ها و این افتادن ها و ضربه خوردن ها او را خسته و ناامید نمی کند بلکه نگاه او به این موانع و مشکلات، نگاه سکوی پرش است و عبور از موانع را گامی به پیشرفت و موفقیت خود تلقی

می‌کند. حتی زمانی که از روی مانعی عبور کرد بعدی را بلندتر می‌کند و می‌کوشد از آن هم عبور کند.

نگاه یک مومن موحد در دنیا به سختی‌ها و مشکلات دنیا همین نگاه سکوی پرش است و استقامت در سختی‌ها و گرفتاری‌ها را عاملی برای اقتدار و فوز و نجات خود می‌داند. امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۲۸ نهج البلاغه می‌فرماید:

أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ وَغَدَا السِّبَاقَ وَالسَّبْقَةُ الْجَنَّةُ وَالْغَايَةُ النَّارُ

مضممار همان میدان تمرین است که تمام سختی‌ها و مشکلات آن، نادیده گرفته می‌شود بلکه عاملی برای رشد است و کسی به آنها اعتراض نمی‌کند بلکه می‌کوشد آنها را پشت سر بگذارد.

استقامت همین است. استقامت یعنی به این سنت الهی تن دهیم و تمام سختی‌ها و مصائبی که در سر راه اقتدار امت اسلام است را به جان بخریم و نه تنها خودمان را نبازیم و دست از تلاش برنداریم بلکه بکوشیم از این سختی‌هایی که فراروی ما قرار دارد عبور کنیم.

### سختی‌ها و مشکلات، از سنن الهی است

این سنت الهی است که تا در سختی‌ها و کوره‌های مشکلات، پخته نشویم نصرت و یاری او شامل حال ما نخواهد شد و سنت‌های الهی نیز غیر قابل تغییر است؛

الأحزاب: ۳۸ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

الأحزاب: ۶۲ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

الفتح: ۲۳ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

خداوند متعال در قرآن کریم هم به این مساله اشاره کرده است؛

البقرة: ۲۱۴ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

### سختی ها، پرورش دهنده است

آنقدر استقامت ورزیدن مهم است که امیرمومنان علی علیه السلام درخت بیابانی را تنومندتر و سوزاننده تر از درخت گلخانه ای و پرورشی می داند چرا که در بیابان و بدون آب و حامی رشد کرده و سختی های بیابان، آن را مقتدر کرده است؛

نهج البلاغه، نامه ۴۵ أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالزَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَالنَّائِبَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُوداً وَأَبْطَأَ حُمُوداً

بنابراین رسیدن به اقتدار به راحتی نیست و لازم است سختی های درونی و بیرونی را تحمل کرد

فشارهای اقتصادی و معیشتی، تحریم ظالمانه دشمنان، جنگ های سخت و نرم و فرهنگی و نظامی و... همه از مواردی است که مصداق سختی ها و مشکلات است و لازم است امت اسلامی به این نکته متنبه باشد که خدای متعال برای ورزیده کردن و پرورش دادن نیروهای مقتدر، آنها را در سختی و تنگنا قرار می دهد تا موجبات ساخته شدن و مقتدر شدن آنها را فراهم آورد.

مسمانان صدر اسلام آنقدر سختی کشیده و تحمل کردند که مقتدرانه در برابر دشمنان می ایستادند

در جنگ تبوک، امت اسلامی در بدترین شرایط معیشتی بودند و یک دانه خرما را هفت نفر مزمز می کرده تا از مردن نجات یابند، با این اوصاف، با قدرت و اقتدار در جنگ شرکت کردند.

از ابن مسعود نقل شده است که :

دَخَلْتُ أَنَا وَخَمْسَةُ رَهْطٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَ وَقَدْ أَصَابَتْنَا مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ وَلَمْ يَكُنْ رِزْقُنَا مِنْذُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْمَاءُ وَاللَّبَنُ وَوَرَقُ الشَّجَرِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْنَا مَتَى نَحْنُ عَلَى هَذِهِ الْمَجَاعَةِ الشَّدِيدَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ لَا تَزَالُونَ فِيهَا مَا عِشْتُمْ فَأَحْدِثُوا لِلَّهِ شُكْرًا فَإِنِّي قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِي أُنْزِلَ عَلَيَّ وَعَلَى مَنْ كَانَ قَبْلِي فَمَا وَجَدْتُ مَنْ يَدْخُلُونَ

# الْجَنَّةُ إِلَّا الصَّابِرُونَ<sup>۱</sup>

نکته مهم این است که رسول خدا ﷺ در انتهای کلام خود فرمودند تنها کسانی به بهشت می روند که اهل صبر و استقامت باشند.

این سنت الهی در طول تاریخ بشر استمرار داشته و حتی بر انبا و پیروان آنان نیز جاری شده است به گونه ای که پیروان انبیا به سختی می افتاده و از نصرت الهی نا امید می شدند لکن در اوج سختی ها و مشکلات، فرج و گشایش برای آنها ایجاد می شد؛

**حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّى مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ** (یوسف/۱۱۰)

امیرمومنان هم در کلامی به آیه کریمه اشاره فرمودند:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَشَكَاَ إِلَيْهِ طُولَ دَوْلَةِ الْجَوْرِ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: وَ اللَّهِ، لَا يَكُونُ مَا تَأْمُلُونَ حَتَّى يَهْلِكَ الْمُبْطِلُونَ، وَيَضْمَحِلَّ الْجَاهِلُونَ، وَيَأْمَنَ الْمُتَّقُونَ، وَقَلِيلٌ مَا يَكُونُ حَتَّى لَا يَكُونَ لِأَحَدِكُمْ مَوْضِعٌ قَدَمِهِ، وَحَتَّى تَكُونُوا عَلَى النَّاسِ أَهْوَنَ مِنَ الْمَيْتَةِ عِنْدَ صَاحِبِهَا، فَبَيْنَا أَنْتُمْ كَذَلِكَ إِذْ جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا.

مردی به حضور امیرالمومنین (علیه السلام) رسید و با ایشان از طولانی شدن حکومت ستم و جور شکایت کرد. امیرمؤمنان (علیه السلام) به او فرمود: «به خدا قسم! آنچه شما در ذهن می پرورانید، هرگز محقق نخواهد شد، مگر آنکه آنان که باطل هستند به هلاکت برسند، و جاهلان، نیست و نابود گردند و با تقویان، احساس امنیت نمایند و چنین امری به ندرت پیش خواهد آمد، مگر آنکه عرصه چنان بر شما تنگ گردد که حتی جای پای شما در پشت سرتان باقی نماند [کسی از شما پیروی نکند] و ارزش شما نزد مردمان از ارزش مرده در نزد صاحبانش کمتر باشد. در چنین حالتی است که ناگهان و به صورت غیرمنتظره نصرت الهی و یاری پروردگار و پیروزی از راه خواهد رسید و خداوند متعال نیز خود فرموده است **حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا**.<sup>۲</sup>

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۴۶

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۲۰۲





ایشان همچنین در کلمات قصار خود در نهج البلاغه فرمودند:  
نهج البلاغه، حکمت ۳۵۷ عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ تَكُونُ الْفُرْجَةُ وَعِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ  
يَكُونُ الرَّخَاءُ

## عوامل تقویت استقامت

### ۱. خداباوری و ایمان

خداوند در سوره مبارکه عصر، توصیه به صبر را مسبوق به ایمان می داند وگرنه اگر ایمان نبود صبر هم معنا ندارد

العصر: ۳ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

همانطور که در فرهنگ های غیر دینی استقامت و صبوری به معنای خاص در نزد مسلمین وجود ندارد و به محجض افتادن در مشکلات و سختی ها، خودشان را مبارزند و چه بسا دست به خودکشی می زنند چون کسی را ندارند که به او تکیه کنند

### ۲. عملگرایی

العصر: ۳ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

### ۳. سفارش دیگران به حق و صبر

العصر: ۳ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

### ۴. حضور در صحنه

التوبة: ۳۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْثَلُثُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

### ۵. ایثار و فداکاری

الحشر: ۹ وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحْجَبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا



يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ  
وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

## ۶. تبیین (جهاد تبیین) و روشنگری

بیان آثار و برکات استقامت می تواند تاثیر شگرفی در استقامت زایی دیگران داشته باشد  
النحل: ۴۴ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ  
لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ  
النحل: ۶۴ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَ  
رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

## عوامل تضعیف استقامت

### ۱. نفوذ شیطان

یس: ۶۰ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ  
یس: ۶۱ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ  
یس: ۶۲ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

### ۲. اختلاف

این اختلاف است که انسان ها را تا لبه پرتگاه می برد و قدرت و استقامت را از آنها  
سلب می کند چون با اتحاد و جماعت است که استقامت نیز شکل میگیرد  
آل عمران: ۱۰۳ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ  
إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ  
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

### ۳. ترسیدن از خطرات

الأحزاب : ۱۹ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالنِّسَنَةِ جَدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

### ۴. خودکم بینی

ندیدن قدرت خود و چشم دوختن به قدرت پوشالی دشمن، استقامت ما را تضعیف می‌کند.

### ۵. ترک مقاومت و عدم استقامت در برابر دشمن

نهج البلاغه، خطبه ۲۷ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَذَلْتُمْ اگر روحیه مقاومت همان گونه که در آیات قرآن آمده در جامعه فراگیر شود، این مسئله می‌تواند نوید بخش آینده ای روشن و پر امید برای ملت ایران و سایر ملت های مسلمان باشد. کما اینکه حرکت رو به رشد و موفقیت های فزاینده کشور در عرصه های نظامی سیاسی علمی و فرهنگی که امروز شاهد آن هستیم مقدمه و شروع آن پیروزی بزرگ است.



## جزء ۱۴

### هجرت

#### هجرت، ابزار مهم اقتدار امت

یکی از ابزارهای بسیار مهم در اقتدار امت ها، که مورد توجه خاص قرآن کریم نیز قرار گرفته است بحث هجرت است. هجرت و مهاجرت به عنوان امری پسندیده در هندسه جمعیتی حکومت رسول الله نقش به سزایی را ایفا می نماید تا جایی که می توان گفت جامعه عصر نبوی متشکل از مهاجرین و انصار است. هجرت در آیات پرشماری از قرآن کریم مطرح می شود. از جمله می توان به سوره مبارکه نحل اشاره کرد که در روند این سوره به مهاجرت مسلمانان در عصر نبی اکرم بر میخوریم؛ آیات ۴۱ و ۱۱۰ سوره مبارکه نحل اشاره مستقیمی به این هجرت دارد.

هجرت در این آیات، راهبردی اساسی، برای رهایی مسلمین از ظلم مشرکین قریش و اقدام بر تشکیل حکومت و جامعه ای اسلامی است، جامعه ای که تحت ولایت رسول اکرم ﷺ، اقامه و تحقق اهداف اسلامی را میسر می نماید. گستردگی مبحث هجرت در قرآن کریم نشان از اهمیت بحث دارد؛ گستردگی که در آیات و سور مختلفی، از جمله آیات زیر قابل ملاحظه است:

بقره: ۲۱۸، آل عمران: ۱۹۵، انفال: ۷۲ و ۷۴ و ۷۵، توبه: ۲۰، حج: ۵۸، نساء: ۹۷ و ۱۰۰ و آیات پر شمار دیگر در سور دیگر.

هجرت، همان طور که برای تشکیل حکومت اسلامی یک راهبرد اساسی است، بعد

از تشکیل حکومت اسلامی نیز، به عنوان تزریق نیروی انسانی مومن و شجاع برای اداره جامعه‌ای مقتدر و منسجم، امری مهم و اساسی است. جامعه‌ای مقتدر که سبب تقویت سپاه اسلام برای پیشبرد اهداف اسلامی در سایه ولی الهی شده، و با قدرت خود موجبات نابودی دشمنان اسلام را فراهم می‌آورد.

بنابراین گاهی برای حفظ اقتدار یا ایجاد حکومتی مقتدر لازم است هجرتی صورت بگیرد تا در محیطی امن و با نیروهای مقتدر و مومن، بتوان حاکمیتی مقتدرانه را شکل داد یا ادامه داد.

### هجرت یکی از ارکان تشکیل دولت مقتدر

در تحلیل هجرت میتوان گفت، تشکیل یک دولت قوی نیاز به سه رکن دارد: سرزمین، ملت و حاکم. با هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، آن شهر مرکز حکومت اسلامی شد. حاکم آن هم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و برای تشکیل حکومتی قوی نیاز بود مسلمانان به مدینه هجرت کنند و جامعه اسلامی را تشکیل دهند تا از اسلام در برابر هجوم دشمن دفاع کنند و با قوانین و فرهنگ اسلامی آشنا شوند و حکومتی قوی تشکیل دهند. بنابراین، فلسفه هجرت به مدینه، شکل جامعه اسلامی و تقویت حکومت دینی بود، تا در سایه آن بتوان امر الهی را احیا نمود. تشکیل چنین حکومتی تنها با یک راهبرد و استراتژی اساسی قابل پیگیری بود؛ این راهبرد اساسی همان هجرت است که اگر همراه با جهاد مومنین باشد، مسلمین را به قله‌های برپایی و تثبیت جامعه‌ی اسلامی خواهد رساند.

هجرت درخشنده‌ترین برنامه‌ای بود که در اسلام پیاده شد، و سر آغاز فصل نوینی از تاریخ اسلام گشت. مسلمانان تا در مکه بودند و دوران آموزش خود را می‌دیدند، در ظاهر هیچ‌گونه قدرت اجتماعی و سیاسی نداشتند، اما پس از هجرت بلافاصله دولت اسلامی تشکیل شد، و با سرعت فراوانی در همه زمینه‌ها پیشرفت کرد، و اگر مسلمانان به فرمان پیغمبر ص دست به چنین هجرتی نمی‌زدند، نه تنها اسلام از محیط مکه فراتر نمی‌رفت، بلکه ممکن بود در همان جا دفن و فراموش می‌شد. روشن است که "هجرت" یک حکم مخصوص به زمان پیغمبر ص نبوده است، بلکه در هر عصر و زمان و مکانی اگر همان شرایط

پیش آید، مسلمانان موظف به هجرتند.<sup>۱</sup>

## آثار و برکات هجرت

### ۱. یافتن سرزمینی امن و گسترده

(۴) النساء: ۱۰۰ وَ مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعَماً كَثِيراً وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً

کسانی که در راه الله هجرت کنند در این دنیای پهناور خدا، نقاط فراوان امن و وسیعی پیدا می کنند که می توانند در آنجا بینی مخالفان را به خاک بمالند.<sup>۲</sup>

### ۲. پاداش الهی بر مرگ در زمان هجرت

النساء: ۱۰۰ وَ مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعَماً كَثِيراً وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً

### ۳. رزق حسن

الحج: ۵۸ وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقاً حَسَناً وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

### ۴. همنشینی با حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ فَرَ بَدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شِبْراً مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ وَ كَانَ رَفِيقَ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ وَ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص

۱ تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۲۶۱

۲ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص: ۲۳۷

## نمونه های قرآنی هجرت اقتدارآفرین

### ۱. داستان حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از جریان آتش سوزی نمرود و انجام رسالت خویش در سرزمین بابل، تصمیم گرفت به سوی شام هجرت کند. در قرآن آیات مختلفی به این مطلب اشاره دارد:

العنکبوت: ۲۶ **فَأَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**

الصافات: ۹۹ **وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ**

خداوند نیز به عنوان پاداش هجرت ابراهیم علیه السلام، بعد از آن هجرت به او نعمت های بزرگی عطا فرمود؛ قرآن به همین پاداش ها اشاره دارد، و می فرماید: **«وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»**؛ و (ابراهیم) گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می کنم که او عزیز و حکیم است و ما به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، و در دودمانش نبوت و کتاب (آسمانی) قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است.»، این همه بر اثر هجرت و تلاش او در راه خدا بود.

### ۲. داستان حضرت موسی علیه السلام

داستان حضرت موسی علیه السلام نیز، یکی از داستان های قرآنی است که قوم ایشان پس از انجام هجرت به گشایش ها و برکات زیادی دست می یابند و با اقتدار، دشمنان و فرعونیان را از سر راه خود کنار می زنند.

البقرة: ۵۰ **وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ**

### ۳. داستان اصحاب کهف

الكهف: ۱۳ **نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى**



الكهف: ١٠: إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

#### ۴. داستان پیامبر گرامی اسلام ﷺ

در داستان پیغمبر اکرم ﷺ نیز ما شاهد نقش اساسی و تعیین کننده هجرت در برپایی و اقامه اسلام هستیم؛ در عصر ایشان، دو هجرت مهم صورت گرفته، به خوبی جایگاه مهم و اساسی هجرت را، به ما نمایش می دهد:

##### ۱. هجرت به حبشه

۱. هجرت مسلمانان مکه به "حبشه" که هم بذر اسلام را در بیرون جزیره عرب پاشید و هم سنگری برای مسلمانان معدود نخستین در برابر فشار شدید دشمن بود.<sup>۱</sup>  
«لَوْ خَرَجْتُمْ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ فَإِنَّ بِهَا مَلِكًا لَا يُظْلَمُ عِنْدَهُ أَحَدٌ وَهِيَ أَرْضٌ صِدْقٍ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فَرْجًا مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ»<sup>۲</sup>.

##### ۲. هجرت پیامبر و مسلمانان نخستین به مدینه،

التوبة: ۱۰۰: وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

#### شرایط هجرت دینی

##### ۱. اذن و اجازه رهبری حکیم بر هجرت

امام باقر (ع) در ذیل آیه وَ مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِقًا كَثِيرًا وَ سَعَةً . فرمودند: اُی یجد خیرا إذا جاهد مع الإمام و در ذیل آیه وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ

۱ تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۲۶۱

۲ . منهاج البراعه، ج ۱۵، ص ۲۵۸

عَلَى اللَّهِ فَرَمُودُنْد:

قال إذا خرج إلى الإمام ثم مات قبل أن يبلغه<sup>۱</sup>  
آنچه مهم است پیروی از امام و تبعیت از اوست که به مسافرت ما عنوان هجرت را  
اطلاق می کند و به آن ارزش می دهد.

امیرمومنان علی علیه السلام، شرط اطلاق عنوان مهاجر را معرفت حجت خدا دانسته اند؛  
نهج البلاغه خطبه ۱۸۹ لَا يَقَعُ اسْمُ الْهَجْرَةِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ الْحُجَّةِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ  
عَرَفَهَا وَاقَرَّ بِهَا فَهُوَ مُهَاجِرٌ

## ۲. مهاجرت با قصد حفظ دین

النساء: ۹۷ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا  
مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ  
جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا

## ۳. مهاجرت با قصد حفظ جان

النحل: ۴۱ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوِّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ  
لَآخِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

## ۴. مهاجرت با قصد تقویت حاکمیت دینی

الحشر: ۸ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ  
اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ  
آل عمران: ۱۹۵ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ  
قُتِلُوا لَا كُفْرَنَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ

## ۵. مهاجرت به قصد تضعیف دشمن

آل عمران: ۱۹۵ **فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَاباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ**

## هجرت در کلام و نوشتار بزرگان

### ۱. علامه طباطبایی رحمته الله علیه

ایشان در ذیل آیات ۹۵ الی ۱۰۰ نساء بیانات مرتبطی را با مبحث مذکور ذکر فرموده‌اند:

**"وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ..."** مهاجرت به سوی خدا و رسول کنایه است از مهاجرت به سرزمین اسلام، سرزمینی که انسان‌ها می‌توانند در آنجا با کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آشنا شده و سپس به آن دو عمل کنند.

... این آیات از نظر مضمون اختصاص به زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم آن زمان ندارد، بلکه در همه زمانها جریان خواهد داشت، هرچند که سبب نزولش حالتی بوده که مسلمین در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و در خصوص شبه جزیره عربستان و در فاصله زمانی بین هجرت به مدینه و بین فتح مکه داشته‌اند.<sup>۱</sup>

### ۱. شهید مطهری رحمته الله علیه

... [هجرت] یک مسئله اساسی است و حکمش هم برای همیشه باقی است، منسوخ نشده اختصاص به مهاجرین صدر اول ندارد.

هجرت نیز مانند جهاد در اسلام یک حکم نسخ نشدنی و رکنی از ارکان اسلام و حکمی همیشه زنده است، یعنی همیشه ممکن است شرائطی پیش بیاید که وظیفه یک مسلمان هجرت باشد.<sup>۲</sup>

۱ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص: ۸۳ الی ۸۵  
۲ گفتارهای معنوی ص ۲۶۰

### ۳. آیت الله مکارم شیرازی (مدظله)

...اگر فداکاری آن مهاجران در آن روزها نبود، محیط خفقان بار مکه و عناصر شیطانی که بر آن حکومت می‌کردند هرگز اجازه نمی‌دادند صدای اسلام به گوش کسی برسد، و این صدا را برای همیشه در گلوی مؤمنان خفه می‌کردند، اما آنها با این جهش حساب شده، نه تنها مکه را زیر سیطره خود درآوردند، بلکه صدای اسلام را به گوش جهانیان رساندند و این سنتی است برای همه مسلمانان، در چنین شرائطی، و در همه تاریخ.<sup>۱</sup>

روشن است که "هجرت" یک حکم مخصوص به زمان پیغمبر ص نبوده است، بلکه در هر عصر و زمان و مکانی اگر همان شرائط پیش آید، مسلمانان موظف به هجرتند<sup>۲</sup>... جامعه اسلامی یک جامعه مدار بسته و انحصاری نیست، بلکه درهائش به سوی همه مؤمنان و مهاجران و مجاهدان آینده نیز گشوده است<sup>۳</sup>... هر گاه شرائطی همانند شرائط زندگی مسلمانان نخستین پیدا شود قانون هجرت در باره آنها به قوت خود باقی است و تا آن روز که اسلام سراسر جهان را بگیرد بر قرار خواهد بود... هم اکنون برای نجات اسلام از بن بستها و شکستن موانع مختلفی که دشمنان از هر سو در برابر آن ایجاد کرده‌اند راهی جز احیای اصل "هجرت" و "جهاد" نیست، هجرت صدای آنها را بگوش جهانیان می‌رساند و دل‌های آماده و نیروهای سازنده و اقوامی را که تشنه حق و عدالتند در اختیار آنها می‌گذارد.<sup>۴</sup>

### ۴. محقق اردبیلی

ایشان نیز در شرح کلام علامه حلی در کتاب ارشاد در این باره چنین بیان می‌دارد:

«هجرت از بلاد کفر لازم است زمانی که امکان اظهار شعائر اسلامی را نداشته باشد»

مینویسد: این هجرت ویژه ی زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیست، بلکه باقی است و به علت آن بستگی دارد.<sup>۵</sup>

۱ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص: ۲۳۷

۲ تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۹۲

۳ تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۲۵۹

۴ تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۲۶۱

۵ اردبیلی، ج ۳، ۱۴۰۳ق، ج ۷ ص ۴۴۶

## جزء ۱۵

### معنویت

#### چیستی معنویت

معنویت مجموعه ای تشکیل شده از باورها و رفتارهای ماست که از باور به غیب و نیروهای غیبی سرچشمه می گیرد و در رفتار و گفتار ما تاثیر می گذارد.

معنویت یعنی باور به یک نیروی مافوق نیروها و اعتقاد به مدیریت مافوق مدیران عالم و اذعان به رب و خالق یکتا و بی همتاست که تمامی فعل و انفعالات عالم تکوین و تشریع را مدیریت می کند و تمام اراده های جانداران را اداره می کند.

نقطه اوج معنویت در ایمان و درون و اعتقاد ما ظهور پیدا می کند که تجلی آن اعتقاد در رفتار و عملکرد ما به نمایش در می آید.

خداباوری، معادباوری، اعتقاد به نگهبانان بر اعمال و گفتار ما و اعتقاد به امام و پیشوای دینی که اعمال ما بر او عرضه می شود و گواه و شاهد دانستن زمین و زمان و اعضای بدن و امثال اینها همگی در ذیل واژه پرمعنای معنویت قرار می گیرد.

اعتقاد به معنویت است که آدمی را به سمت تزکیه نفس و اعمال خویش هدایت می کند.

باور به امور متافیزیکی است که تحمل قضا و قدر الهی را بر ما سهل می کند

اذعان به نگهبانی مافوق است که چشم و گوش و زبان ما را به محدودیت ها بسنده می کند.

و البته پذیرفتن نیرو و قدرتی مافوق همه قدرت های عالم است که به دل و جان و قلب

بندگان و باورمندان به این قدرت، شجاعت و دلیری و اقتدار را هدیه می کند و با دست خالی و فقط با توکل بر آن نیروی بی همتا در دل دشمن قرار می گیرد و هشت سال با تمام قوای جهان مبارزه می کند و با اتکاء به او، پیروز میدان می شود و راه را از چاه تشخیص می دهد.

چقدر بیچار و بیکس اند کسانی که به این نیرو و قدرت غیبی و معنوی بی اعتقادند که در تمام مشکلات خویش سردرگم شده و خود را مانند حیواناتی می دانند که مدیر و مدبر و چوپانی ندارند که از آنها حمایت کند.

معنویت یعنی عقیده به بودن و حضور فرمانده ای قوی در پشت صحنه ها که موجب دلگرمی سربازان و رزمندگان می شود و با رسیدن پیکی از طرف او و اعلام برنامه ها و اهداف او، سربازان را دلگرم کرده و به برنامه های او عمل می کنند.

بنابراین معنویت، فقط باور نیست بلکه باور و عملکرد است که درون و برون ما را مدیریت می کند و این مساله چیزی نیست جز همان تقوای الهی که از معنویت درون ما حکایت می کند.

### پیامد غفلت از معنویت

نکته ای که نباید مورد غفلت قرار گیرد اینکه تاثیر امور معنوی و متافیزیکی در زندگی فردی و اجتماعی بشریت بیش از تاثیر امور مادی است کما اینکه بسیاری از بیماری ها و مشکلات بشریت در پرتو گناهان و خطاهای او ایجاد می شود و حتی کاستی رزق و روزی و شکست هیمنه و ابهت مومن نیز در پی خطاهای او شکل می گیرد.

خطا و گناه و ارتکاب معاصی حکایت از عدم معنویت انسان دارد و گرنه با داشتن معنویت درونی، افعال قبیحه بیرون مرتکب نمی شد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ. (کافی، ج ۲، ص ۲۷۱)  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقٍ يَضْرِبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ - وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أُنْدِيَكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَالَتْ ثُمَّ قَالَ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُؤَاخِذُ بِهِ. (کافی، ج ۲، ص ۲۶۹)

نهج البلاغه خطبه ۱۷۸ وَ اَیْمُ اللَّهِ مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَیْشٍ فَرَّالٍ عَنْهُمْ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا لَ اَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

## آثار معنویت در انسان

### ۱. اقتدار

البقرة: ۱۹۴... وَ اَعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

اگر به معنویت برسیم در حقیقت به قدرت های الهی دست یافته ایم که او وعده کرده است و معیت خداوند با انسان های باتقواست و هرکس که خدا با اوست از همه مقتدرتر است.

سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ خَافَ اللَّهَ اَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ اَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

ابراهیم: ۱۴ وَ لَنُصَكِّنَنَّكُمْ الْاَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ

سَمِعْتُ اَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَهُوَ يُرِيدُ حَاجَةً فَاِذَا بِالْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ فَقَالَ اَحْمِلُوا هَذَا الْغُلَامَ خَلْفِي فَاَعْتَنَقَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِيَدِهِ مِنْ خَلْفِهِ عَلَى الْغُلَامِ ثُمَّ قَالَ يَا غُلَامُ خَفِ اللَّهَ تَجِدْهُ اَمَامَكَ يَا غُلَامُ خَفِ اللَّهَ يَكْفِيكَ مَا سِوَاكَ وَ اِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَ اِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ فَلَوْ اَنَّ جَمِيعَ الْخَلَائِقِ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ اَنْ يَصْرِفُوا عَنْكَ شَيْئًا قَدْ قَدَّرَ لَكَ لَمْ يَسْتَطِيعُوا وَلَوْ اَنَّ جَمِيعَ الْخَلَائِقِ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ اَنْ يَصْرِفُوا اِلَيْكَ شَيْئًا لَمْ يَقْدَرْ لَكَ لَمْ يَسْتَطِيعُوا

امیرمومنان در حکمت ۲۶۹ نهج البلاغه مردم دنیا را به دو دسته تقسیم می کند.

الف) گروهی که فقط برای دنیا کار می کنند و تبعات آن را می بینند.

ب) گروه دومی که فقط برای آخرت کار می کنند و آثار و برکات آن را هم در همین دنیا

می بینند که عبارتند از:

... فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَ مَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً



الف) از تمام بهره دنیا و آخرت استفاده می کنند  
 ب) دنیا و آخرت را مالک می شوند که مالک بودن، قدرت تصرف می آورد و تمام کرامات علما و اولیای خدا از این سنخ است که قدرت تصرف در آن را به دست آورده اند  
 ج) در نزد خداوند وجیه و آبرومند شده و مستجاب الدعوه می شوند.

## ۲. تشخیص حق و باطل

الأنفال: ۲۹ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

## ۳. برون رفت از بن بست ها

الطلاق: ۲... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

## ۴. آسان شدن سختی ها

الطلاق: ۴... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

## ۵. پاک شدن اعمال گذشته

الأنفال: ۲۹ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

## ۶. اجر و پاداش فراوان

همانگونه که امام علی علیه السلام در نامه ۲۷ نهج البلاغه در مورد متقین فرمود:

وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ [يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ] يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سُكِنَتْ وَ أَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أُكِلَتْ فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَّ بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَ الْمُنْجَرِ الرَّابِحِ أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ تَيَقَّنُوا أَنَّهَمْ



## ۷. درمان با معنویت

فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَبَصَرٌ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحٌ  
فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَطُهُورٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجِلَاءٌ [غَشَاءٍ] عَشَا أَبْصَارِكُمْ

قبلا اشاره شد که در پی عدم معنویت و در پی ارتکاب معاصی است که بسیاری از  
بلاها و بیماری ها بر وجود انسان نفوذ می کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام درمان بیماری ها را با تقوا و معنویت، گره زده است

## راه های رسیدن به معنویت و اقتدار

### ۱. اعتقاد به یکتایی و یگانگی خداوند

المؤمنون: ۳۲ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا  
تَتَّقُونَ

و از همین روست که تمامی امور را از او می داند

التوبة: ۵۱ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

### ۲. عبادت و بندگی خدا

البقرة: ۲۱ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اْعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

### ۳. روزه

البقرة: ۱۸۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

### ۴. پیروی از اهل بیت علیهم السلام

الأنعام: ۱۵۳ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ  
سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

امام سجاد علیه السلام فرمودند: نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ (معانی الاخبار، ص ۳۵)  
الأعراف: ۱۵۷ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي  
التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ  
عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ  
عَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

### ۵. تفکر در نعمت های الهی

یونس: ۳۱ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالأَبْصَارَ وَمَنْ  
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ  
أَفَلَا تَتَّقُونَ

به همین دلیل است که تمامی انبیای الهی بعد از ارسال به سمت مردم به مظاهر قدرت  
الهی اشاره می کردند و خدای متعال هم در قرآن کریم مکرر قدرت نمایی می کند.  
آیات سوره مبارکه واقعه از این سنخ است

و امیرمومنان علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می فرماید:  
فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ ... وَ  
يُروُهُمْ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ مِنْ سَقْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَمِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَمَعَايِشٍ تُحْيِيهِمْ وَآجَالٍ  
تُفْنِيهِمْ وَأَوْصَابٍ تُهْرِمُهُمْ وَأَحْدَاثٍ [تَتَنَابَعُ] تَتَابَعُ عَلَيْهِمْ

### ۶. خودشناسی

اگر انسان به قدرت درونی خود پی ببرد به خالق خود هم پی خواهد برد  
در دیوان منسوب به امیرمومنان علی علیه السلام اینگونه آمده است؛  
وَ تَحْسَبُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

### ۷. مخالفت با هوای نفس

که در صورت پیروی از هوای نفس، تضعیف خواهیم شد  
الأعراف: ۱۷۶ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ

كَمْثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا  
بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

## ۸. برطرف کردن موانع

الأعراف: ۱۵۷ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي  
التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ  
عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ  
عَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

مقام معظم رهبری به نقل از خاطره از رزمنده دفاع مقدس می فرمایند: ...این حرف یک  
رزمنده‌ی همدانی است که اگر چنانچه از سیم خاردار می‌خواهی رد بشوی، اول باید  
از سیم خاردار نفست عبور کنی. وقتی گرفتار خودمان هستیم، نمیتوانیم کاری انجام بدهیم؛  
این را آنها به ما یاد دادند؛ این را آن جوان ۲۰ ساله یا ۲۵ ساله‌ی رزمنده به ما تعلیم داد، از  
آنها یاد گرفتیم؛ این یک ثروت عظیم است.

بیانات رهبری ۱۶/۱۲/۱۳۹۵



## جزء ۱۶

### پایبندی به عهد و پیمان و عدم فراموشی آن

#### اهمیت پایبندی به عهد و پیمان

عهد و پیمان به دو گونه است، نخست عهدی که میان انسان و خدا بسته می شود، و دیگری عهدی است که میان انسان ها با یکدیگر منعقد می گردد. اساسی ترین شکل عهد و پیمان، همانی است که میان انسان و خداوند بسته می شود که در اصطلاح، بدان میثاق می گویند.

میثاق در اصطلاح به معنای حفظ کردن و نگهداری از چیزی است که آدمی به حفظ و مراقبت از آن ملتزم گردیده و نیز التزام به هر چیزی است که از انسان قولاً و فعلاً صادر می شود. در اصطلاح فقهی نیز عهد و میثاق تعهد در برابر امری است که انسان آن را وعده داده است.

میثاق بیشتر در رابطه خداوند با انسان مطرح است که پیمانی است دو جانبه، مبتنی بر تعهدی الزام آور و غیر قابل انکار که روابطی را ایجاد می کند و هر یک از طرفین مسئولیتی در قبال دیگری بر عهده می گیرد و انسان در این میثاق دو طرفه خود را در معرض توانی خاص قرار می دهد که باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا گرفتار آن نشود.

یس: ۶۰ **لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ**

یکی از دقیق ترین و منظم ترین آیات قرآن، آیه ۱۷۲ سوره اعراف است که به آیه میثاق

معروف شده است.

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷۲)

همه مفسرین اتفاق نظر دارند که انسان به خداوند تعهد داد که تنها او را به عنوان اله پرستش نماید، حال انسان ممکن است وعده خود را فراموش کند، لذا خداوند انبیایی برای انسان می فرستند و این انسان در روز قیامت طبق پذیرش یا عدم پذیرش آن و بر حسب تعهدی که در میثاق سپرده است مورد داوری قرار خواهد گرفت.

امیرمومنان علی علیه السلام هم در خطبه اول نهج البلاغه به چرایی بعثت پیامبران اشاره کرده و یکی از مهمترین علت ها را فراموشی عهد و پیمان با خدا و درخواست بازخوانی آن عهد و میثاق می داند؛

#### نهج البلاغه خطبه ۱

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ

وفادار بودن به عهد و پیمان یکی از ویژگی های مومنین است که در آموزه های دینی به آن اشاره شده و خداوند متعال در قران کریم، یکی از انبیای خود را با این صفت ستوده است؛

مریم: ۵۴ وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

ستودن خدای متعال از یک پیامبر صرفاً جهت معرفی او نیست بلکه در مقام انشاء بوده و می طلبد که دیگران نیز اینگونه باشند.

کما اینکه خدای متعال نسبت به عهد الست نیز تاکید کرده و از ما می خواهد به آن پایبند باشیم و فریب و سوسه های شیطان را نخوریم که اگر از عهد خود تجاوز کردیم در دام دشمنان خواهیم افتاد.

یس: ۶۲ وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَ فَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

بنابراین اقتدار فرد فرد ملت ها و اقتدار حکومت ها و امت ها به این است که به عهد و

پیمان خود با خدای خویش پایبند باشند و در راستای پایبندی به آن عهد نیز به تمام عهد و پیمان هایی که در طول آن عهد است نیز وفادار باشیم مانند وفاداری به انبیا و پیشوایان دین .

وفاداری به انتخاب آگاهانه خود مانند وفاداری به آرمان های امام و رهبری و قانون اساسی کشور عزیزمان ایران که در صورت وفادار بودن و پایبندن بودن به آنهاست که قدرت و اقتدار ملت ایران بیش از پیش خواهد شد و دشمنان نمی توانند نگاه چپ به ما بکنند همانگونه که تاکنون هم اینگونه بوده است.

### آثار پایبندی به عهد و پیمان

۱. مورد حمایت خدا قرار می گیریم (قدرتمند میشویم)

البقرة: ۴۰ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ

۲. مورد محبت خدا قرار می گیریم و کسی را که خداوند دوستش بدارد همیشه به او یاری می رساند.

آل عمران: ۷۶ بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

۳. پیروزی و موفقیت شامل حال ما می شود

التوبة: ۱۱۱ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۴. اجر عظیم دارد.

الفتح: ۱۰ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا



## پیامدهای منفی فراموشی عهد و پیمان

### ۱. دچار بلاهای ناگهانی خواهیم شد

الأنعام: ۴۴ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ  
الأعراف: ۱۶۵ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ الشُّعْرِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

### ۲. نصرت و یاری خدا را از دست می دهیم

الجماعه: ۳۴ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ

### ۳. آرامش و امنیت از ما گرفته می شود

همانگونه که حضرت آدم عليه السلام به عهد خود با خدا پایبند نبود و به درخت مذکور نزدیک شد و از بهشت امن و آرامش به دنیای دنی هبوط کرد.

آیات ۲۰ تا ۲۴ سوره اعراف:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (۲۰)  
وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (۲۱)  
فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنِ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۲)

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)  
قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲۴)



#### ۴. زندگی تلخ و ناآرام در انتظار ما خواهد بود

طه : ۱۲۴ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

هرچند زندگی تلخ را به عالم قبر و قیامت و دوزخ تعبیر کرده اند ولی چه بسا با از دست دادن اقتدار خویش در پی فراموشی عهد و پیمان و عدم نصرت الهی، دشمنان بر ما هجوم آورده و ما را در تنگناهای مختلف قرار دهند و زندگی را به کام ما تلخ کنند.

#### عوامل فراموشی عهد و پیمان

همانگونه که اشاره شد عهد و پیمان فقط میثاق الهی نیست بلکه عهد و پیمان هایی هم که در راستای همان میثاق الهی بوده و بندگی خدا را تحکیم می کند لازم الاجراست و باید به آنها پایبند بود همانند عهدی که مردم با امام امت بسته و به جمهوری اسلامی رای "آری" دادند و قانون اساسی را تایید کردند.

این عهد و میثاق هم لازم الاجراست و در صورت عدم پایبندی به آن، دشمنان بر ما حمله ور شده و ابهت و شوکت ما زیر سوال می رود به همین دلیل است که امام راحل فرمود: حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است.

امیرالمومنین علی علیه السلام در خطبه ۱۶۹ نهج البلاغه می فرماید  
إِنَّ فِي سُلْطَانِ اللَّهِ عِصْمَةً لِأَمْرِكُمْ فَأَعْطَوْهُ طَاعَتَكُمْ غَيْرَ مُلْؤَمَةٍ وَلَا مُسْتَكْرَهٍ بِهَا وَاللَّهُ لَتَفْعَلَنَّ  
أَوْ لَيَنْقُلَنَّ اللَّهُ عَنْكُمْ سُلْطَانَ الْإِسْلَامِ ثُمَّ لَا يَنْقُلُهُ إِلَيْكُمْ أَبَدًا حَتَّى يَأْرِزَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِكُمْ  
لذا همه ما باید به آرمان های امام و منویات رهبر عظیم الشأن انقلاب پایبند باشیم و با هرکسی و هرچیزی که عهد و پیمان ما را سست و تضعیف می کند مقابله کنیم  
در این قسمت به عوامل تضعیف و فراموشی عهد و پیمان می پردازیم؛

#### ۱. غرق شدن در مادیات

الفرقان : ۱۸ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا

## ۲. انحراف خواص

طه : ۸۵ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ

سامری فردی عادی نبود بلکه کسی بود که رد پای جبرئیل را دیده و از آن برداشته بود  
لذا معلوم می شود که فرد عالمی بوده است

در خطبه ۱۷ نهج البلاغه آمده است

رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَهُوَ جَائِزٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ مَشْغُوفٌ بِكَلَامٍ بِدْعَةٍ وَدُعَاءِ  
ضَلَالَةٍ فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنِ افْتَتَنَ بِهِ ضَالٌّ عَنْ هَدْيٍ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مُضِلٌّ لِمَنِ افْتَدَى بِهِ فِي  
حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ

گاهی افرادی که مورد قبول مردم هستند دچار انحراف می شوند و مردم نیز در پی آنها  
رفته و دچار فتنه می شوند به گونه ای که آنها نیز تفکر اشتباه او را می گذیرند.

گاه برخی افراد تفکر اشتباهی را پایه ریزی می کنند که حتی بعد از مرگشان نیز این تفکر  
ادامه دارد.

## ۳. غفلت متمادی

اینکه رهبر معظم انقلاب مساله جهاد تبیین را مطرح فرمودند به همین دلیل است چرا  
که مردم با فراموش کردن عهد و پیمان خود و عدم یادآوری آن، کم کم دچار تردید و سستی  
شده و از آرمان ها و اهداف خود فاصله می گیرند مخصوصا اینکه دشمنان نیز در تلاش اند  
باورها و اعتقادات آنها را سست کنند.

طه : ۸۶ فَرَجَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا  
حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي

## ۴. سطحی نگری مردم و عدم تقویت بصیرت و بینش آنها

طه : ۸۸ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ

مردمی که به راحتی به خدا بودن گوساله ای راضی می شوند خیلی بی بصیرتند



## ۵. نفوذ دشمن

طه : ۱۲۰ فَوْسُوسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ

لَا يَبْلَى

## ۶. نفوذ منافقین

## ۷. مشکلات معیشتی و اقتصادی

## ۸. عدم مراعات حقوق مردم از ناحیه مسئولین

در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه آمده است  
وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرِّعِيَّةِ وَحَقُّ الرِّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لَأَلْفَتِهِمْ وَعِزًّا لِدِينِهِمْ  
بزرگترین حقی که خداوند واجب کرده است حقوق مردم و مسئولین است که مراعات کردن آن و پایبندی به آن، موجب نظم و انتظام امت و عزت و قدرت خواهد شد.

بنابراین یکی از عوامل مهم اقتدار در امت اسلامی پایبند بودن به آرمان ها و اهداف است کما اینکه امیرمومنان علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه خطبه ۳۴ یکی از حقوق حکومت را پایبندی مردم به آن می داند و می فرماید:  
وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ

ایشان همچنین در خطبه ۲۵ نهج البلاغه و جریان حمله بسر بن ابی ارطاه به منطقه یمن که به قتل عام آنجا منجر شده بود فرمودند:

أُنْشِئْتُ بُسْرًا قَدْ أَطْلَعَ الْيَمَنَ وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدْأَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَبِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَبِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ وَبِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَفَسَادِكُمْ

شما مرا به عنوان امام و حاکم خلیفه خود برگزیدید اما از امر و نهی من اطاعت نمی کنید و به بیعتی که با من بسته اید پایبند نیستید لذا می بینم که آنها بر شما غلبه خواهند



کرد و شما را شکست خواهند داد.

پایبندی به عهد و پیمان، پذیرفتن امر و نهی رهبر جامعه است که در این صورت است که اقتدار را برای امت به ارمغان خواهد آورد.

## جزء ۱۷

### تعظیم شعائر و مناسک دینی

الحج: ۳۲ ذَلِكْ وَ مَنْ يُعَظِّمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

#### شعائر چیست؟

"شعائر" جمع "شعیره" به معنی علامت و نشانه است، بنا بر این "شعائر الله" به معنی "نشانه‌های پروردگار" است که شامل سر فصلهای آئین الهی و برنامه‌های کلی و آنچه در نخستین بر خورد با این آئین چشمگیر است و از جمله مناسک حج می باشد که انسان را به یاد خدا می اندازد.

گر چه بدون شک "مناسک حج" از جمله شعایی است که در این آیه مقصود بوده است، مخصوصا مساله قربانی که در آیه ۳۶ همین سوره صریحا جزء شعائر محسوب گردیده جزء آن است ولی روشن است که با این حال عمومیت مفهوم آیه نسبت به تمام شعائر اسلامی به قوت خود باقی است و هیچگونه دلیلی بر تخصیص آن به خصوص قربانی یا همه مناسک حج وجود ندارد، بخصوص اینکه قرآن در مورد قربانی حج با ذکر کلمه "من" که برای "تبعیض" است این حقیقت را گوشزد کرده که قربانی یکی از آن شعائر است، همانگونه که در مورد "صفا و مروه" نیز در آیه ۱۵۸ سوره بقره می خوانیم که "انهم از شعائر الهی است" (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ).

بنابراین تمام آنچه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین

او می‌اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دلها است و محافظت بر آن بر اقتدار مسلمین می‌افزاید.

این نکته نیز قابل توجه است که منظور از "تعظیم و بزرگداشت" - آن چنان که بعضی از مفسران ظاهر بین گفته‌اند - بزرگی جسمانی قربانی و مانند آن نیست، بلکه حقیقت تعظیم آن است که مقام و موقعیت این شعائر را در افکار و اذهان و ظاهر و باطن بالا ببرند و آنچه درخور احترام و عظمت آنها است به جای آورند.

ارتباط این عمل با تقوای دل‌ها نیز روشن است، زیرا علاوه بر اینکه "تعظیم" جزء عناوین قصیدیه است، بسیار می‌شود که افراد متظاهر یا منافق تظاهر به تعظیم شعائر می‌کنند، ولی چون از تقوای قلب آنها سرچشمه نمی‌گیرد بی ارزش است تعظیم و بزرگداشت حقیقی از آن کسانی است که تقوای دل دارند. و می‌دانیم تقوا و روح پرهیزگاری و احساس مسئولیت در برابر فرمانهای الهی چیزی است که کانون آن قلب و روح آدمی است، و از آنجا است که به جسم سرایت می‌کند، لذا می‌توان گفت که احترام و بزرگداشت شعائر الهی از نشانه‌های تقوای دل است<sup>۱</sup>

خداوند در آیات میانی سوره مبارکه ی حج اینگونه می‌فرماید:

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أَجَلَتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُثْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰) حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۱) ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (۳۲)

اولین نکته ای که از این آیات به نظر می‌رسد این است که در لغت کلمه "حرمت" به معنای هر چیزی است که هتک و اهانت به آن جایز نباشد، و رعایت حرمتش لازم باشد و خداوند برای حج و مناسک آن این تعبیر را به کار برده است پس بزرگداشت و پرداختن به این مناسک امری مطلوب برای جامعه اسلامی است.

اما در ادامه خداوند می‌فرماید که هرکس که اینچنین باشد که به حرمت الله احترام می‌گذارد نشان دهنده ی این نکته می‌باشد که به خاطر ایمان درونی و ایمان قلبی اش

۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۲ از سوره حج

اینچنین می باشد پس جامعه ای مطلوب خداوند و قرآن کریم است که ابتدا ایمان قلبی و قوی و عمیق به معارف در دین داشته باشند و در ادامه نیز به آنها پایبند عملی و کارکردی داشته و حرمت و احترام آنها را حفظ کند.

### مصادیق شعائر

دین الهی هر زمان به اقتضای شرایطش یک مناسک و شعائری داشته و این مناسک مختص دین خاص و دین اسلام نیست و در هر مرحله از تاریخ زندگی بشر برای رسیدن به اهداف خلقت جعل شده است؛ قرآن کریم در این باب می فرماید:

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمُ الْإِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (سوره مبارکه حج - ۳۴)  
وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۴۸)

### ۱. مکه و مناسک حج

المائدة: ۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضواناً وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

المائدة: ۳ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاحْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ

الإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ  
البقرة: ۱۵۸ إِنَّ الصَّافَةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

به طور کلی هر آنچه نماد و نشانه ای برای دین مبین اسلام مطرح می شود در حکم شعائر است که لازم است به حمایت از آن و بزرگداشت آن قیام کنیم و نگذاریم در بوته فراموشی و کمزنگ شدن قرار گیرد چرا که اگر نمادهای مسلمین به دست دشمنان بیفتد و اهمیت و ارزش آن را بکاهد کم کم از اقتدار امت اسلام کاسته شده و به راحتی قابل جبران نیست.

به همین دلیل است داعشی که برخاسته از تفکر آمریکا و اسرائیل و انگلیس بود در وهله اول به تخریب اماکن و بقاع متبرکه و نمادهای مسلمین دست زد و بسیاری از میراث ماندگار اسلامی در عراق و سوریه را تخریب کرد و تصمیم داشت تمامی عتبات را بگیرد و از بین ببرد ولی نمی دانست که

الصف: ۸ يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

بدین سبب است که امیرمومنان علی (علیه السلام) در مورد خانه خدا که بزرگترین نماد اسلام است و بزرگترین شعائر اسلام محسوب می شود اینگونه در وصیت نامه خود به فرزنداناش امام حسن و امام حسین علیهما السلام توصیه می فرماید:

وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تُنَاطِرُوا وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسَّيِّئَاتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

البته این نکته و این وصیت به مثابه یک هشدار است که اگر خانه خدا را خالی کردید دشمنان بر آن مسلط می شوند و به راحتی نمی توانید بازپس بگیرید

البته به نظر می رسد تمام توصیه های امیرالمومنین که در وصیت نامه ایشان درج شده به عنوان مهمترین شعائر باشد که احترام و حفظ و نگهداری آنها بر ما واجب است.

## ۲. یتیم ها و بی سرپرستان

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ فَلَا تُعْبُوا أَفْوَاهَهُمْ وَلَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ





### ۳. همسایه داری

وَاللَّهُ اللَّهُ فِي حِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ

### ۴. قرآن کریم

وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْقُكُم بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ

### ۵. نماز

وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ

و در نامه ۲۳ نیز در مورد توحید و نبوت می فرماید:

### ۶. توحید و نبوت

وَصَيَّيْتُ لَكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا وَ مُحَمَّدٌ ص فَلَا تُضَيِّعُوا سُنَّتَهُ أَقِيمُوا هَذَيْنِ الْعَمُودَيْنِ وَ  
أَوْقِدُوا هَذَيْنِ الْمِضْبَاحَيْنِ وَ خَلَاكُمْ ذَمَّ

هم توحید و هم نبوت از شعائر است و تعظیم خدای متعال و بزرگداشت رسول خدا نیز  
اط تعظیم شعائر است

مولای متقیان در نامه ۶۹ نهج البلاغه به حارث همدانی می فرماید:

عَظُمَ اسْمُ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرَهُ إِلَّا عَلَى حَقِّ

اذان هم نماد عظمت خدای متعال و یادکرد فرمان الهی است که باید بر بالای ماذنه ها  
فریاد کشیده شود.

و البته در جای جای نهج البلاغه می بینیم که امیرالمومنین علیه السلام از رسول خدا یادی می  
کنند و تلاش ها و فعالیت های ایشان را در مناسبت های مختلف بیان می کنند.

وصیت نامه امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۴۹ نهج البلاغه و در نامه های ۲۳ و ۴۷ نهج  
البلاغه آمده که توصیه می شود همگان با دقت بیشتر به این فقرات نورانی بنگرند و شعائر  
الهی را از آن استخراج کنند و آنها را مورد تعظیم قرار دهند تا به تقوای قلوب برسند آنگونه  
که خدای متعال وعده داده است.

## ۷. بنیان خانواده

خانواده از کانون های مقدس است که اسلام برای آن برنامه های فراوانی دارد و امروز هم دشمنان اسلام در صدد تخریب و تضعیف این کانون مقدس هستند. البته دشمنان می کوشند اصل ازدواج را زیر سوال ببرند و به تبع آن خانواده را تحت الشعاع قرار دهند. در حالی که اقتدار خانواده به اقتدار جامعه منجر می شود.

## چگونگی تعظیم شعائر

### ۱. یادآوری شعائر

ابراهیم : ۵ ... وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

به همین دلیل است که امیرالمومنین علیه السلام از یادکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله غفلت نمی کرد و به هر بهانه ای از ایشان یاد می کرد.

کمتر خطبه ای و سخنی از امیرالمومنین یافت می شود که نام و یادی از زحمات و تلاش های رسول خدا نشده باشد مخصوصاً در خطبه ۷۲ نهج البلاغه که به زیبایی تمام می فرماید:

اللَّهُمَّ دَاجِيَ الْمَدْحُورَاتِ وَ دَاعِمِ الْمَسْمُوكَاتِ وَ جَابِلِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيَّهَا وَ سَعِيدِهَا  
اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ  
الْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ وَ الْمُعْلِنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ وَ الدَّافِعِ جَيْشَاتِ الْإِبَاطِيلِ وَ الدَّامِغِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ  
كَمَا حُمِّلَ فَاضْطَلَعَ قَائِمًا بِأَمْرِكَ مُسْتَوْفِرًا فِي مَرْضَاتِكَ غَيْرَ نَاكِلٍ عَنْ قُدَمٍ وَ لَا وَاهٍ فِي عَزَمٍ  
وَاعِيًا لَوْحِيكَ حَافِظًا لِعَهْدِكَ مَاضِيًا عَلَى نَفَازِ أَمْرِكَ حَتَّى أَوْرى قَبَسَ الْقَابِسِ وَأَصَاءَ الطَّرِيقِ  
لِلْخَابِطِ وَ هَدَيْتَ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ وَ الْآثَامِ وَأَقَامَ بِمُوضَحَاتِ الْأَعْلَامِ وَ نِيَرَاتِ  
الْأَحْكَامِ فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ وَ خَازِنُ عِلْمِكَ الْمَحْزُونِ وَ شَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ وَ بَعِيثُكَ بِالْحَقِّ  
وَ رَسُولُكَ إِلَى الْخَلْقِ

اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ مَفْسَحًا فِي ظِلِّكَ وَ اجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ اللَّهُمَّ وَ أَعْلِ عَلَى

بِنَاءِ الْبَانِينَ بِنَاءَهُ وَأَكْرَمَ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ وَأَتَمَّمَ لَهُ نُورَهُ وَاجْزِهِ مِنْ اِئْتِعَاثِكَ لَهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَةِ  
مَرْضَى الْمَقَالَةِ ذَا مَنْطِقٍ عَدْلٍ وَخُطْبَةٍ فَضْلٍ اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ وَقَرَارِ  
النِّعْمَةِ وَمُنَى الشَّهَوَاتِ وَأَهْوَاءِ اللَّذَاتِ وَرَحَاءِ الدَّعَةِ وَمُنْتَهَى الطَّمَانِينَةِ وَتُحْفِ الْكَرَامَةِ

## ۲. مراعات خط قرمزها

البقرة: ۱۵۸ إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ  
المائدة: ۹۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ  
البقرة: ۱۸۷... كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ  
الْفَجْرِ ثُمَّ أَنْتُمْ الصِّيَامُ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ  
حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

## ۳. دفاع از شعائر و حریم ها

حضور داشتن در صحنه دفاع از شعائر لازم است و در نزد خدای متعال اجر و پاداش  
دارد مانند حضور در اهیمایی های روز قدس و ...  
امیرمومنان علیه السلام می فرماید اگر کسی ببیند منکری عمل می شود و بازبانش آن را انکار  
کند ماجور است.

قطعا حضور در راهپیمایی روز قدس که از شعائر است و در دفاع از یک نماد مهم  
اسلامی است اجر و پاداشی عندالله دارد.

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدُوَّنَا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيَ  
وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أَجَرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ  
الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ  
[نُور] نُوِّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ

معاویه می کوشید نام رسول خدا را از ماذنه ها بردارد چرا که می دانست اذان و نام  
مقدس رسول خدا جزو بزرگترین شعائر دینی است که اگر محو شود دین اسلام محو خواهد  
شد.



به همین دلیل است که اگر صدای اذانی از مساجد بلند شود کسی حق اعتراض ندارد چون نماد و سمبل دین است و مهمترین شاخص دین به حساب می آید

#### ۴. عمل بهنگام و حضور به موقع

البقرة: ۱۸۵ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ  
الْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ

#### ۵. جبران مافات

البقرة: ۱۸۵ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ  
الْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ  
أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا  
هَدَاكُم وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

#### ۶. ترجیح شعائر بر نیازها

الجمعة: ۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ  
اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

## جزء ۱۸

### مبارزه با فساد و فحشا در سوره نور

#### اقتدار و پیروزی نهایی برای متّقین

حکومت دینی قطعاً به پشتوانه پشتیبانی الهی می تواند حکمرانی کند و تحقق حکومت الهی متوقف بر نزول برکت و رحمت الهی است. در آیات متعددی «تقوی» به عنوان شرط نصرت و پشتیبانی الهی مطرح شده است. عاقبت نهایی و پیروزی نهایی را از آن افراد باتقوا دانسته است که از فساد و فحشا دور هستند

الأعراف: ۹۶ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

الأعراف: ۱۲۸ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضْبِرُّوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

هود: ۴۹ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

القصص: ۸۳ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَاداً وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

طه: ۱۳۲ وَ أُمِرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقَوِي

به همین دلیل است که خدای متعال در قرآن کریم بحث از تزکیه را مطرح می کند که زیربنای اقتدار حکومت اسلامی است و هر جا بی عفتی و عدم تزکیه باشد و شهوات بر تزکیه غلبه کند اقتدار و شوکت شکسته خواهد شد

## فحشا و منکرات، عامل شکست قدرت ها

هرجا منکرات و فساد و فحشا نفوذ کرد ستون ها متزلزل شده و اقتدار و شوکت در هم شکسته شد.

امیرمومنان علی علیه السلام در خطبه ۸۸ نهج البلاغه می فرماید  
 أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْضِمْ جَبَّارِي دَهْرٍ قَطُّ إِلَّا بَعْدَ تَمْهِيلٍ وَرَحَاءٍ وَلَمْ يَجْبُرْ عَظَمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بَعْدَ أَزَلٍ وَبَلَاءٍ وَفِي دُونِ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَذَابٍ وَمَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خَطْبٍ مُعْتَبِرٍ وَمَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلِيْبٍ وَلَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيعٍ وَلَا كُلُّ [ذِي] نَاطِرٍ بِبَصِيرٍ فَيَا عَجَباً وَمَا لِي لَا أَعْجِبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفِرَقِ عَلَى اخْتِلَافٍ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَفْتَضُّونَ أَثَرِ نَبِيِّ وَلَا يَفْتَدُونَ بِعَمَلٍ وَصِيِّ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَلَا يَعْفُونَ عَنْ غَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَالْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْزَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَتَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهْمَاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا بَرَى بِعُرَى ثِقَاتٍ وَأَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ

شیطان هم که عامل اصلی برای شکست مومنین است به فرموده خداوند متعال، یکی از وسوسه های او دعوت به فحشا و منکرات است

البقرة: ۲۶۸ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

## انواع فحشا در جامعه

### ۱. شراب

المائدة: ۹۱ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ

الْمَيْسِرِ وَيُضِدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

۲. بی حجابی

۳. زنا

الإِسْرَاءُ: ۳۲ وَ لَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا

آنچه موجب شکست مسلمانان در اندلس شد ترویج بی حجابی و بدحجابی بود که جوانان منطقه را به شهوترانی سوق داد و همین موجب موجبات شکست و زوال آنان را رقم زد رهبر معظم انقلاب در ۱۲ اسفند سال ۱۳۸۱ در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان می فرمایند:

«اروپایی ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلند مدت کردند. آن روز صهیونیست ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راههای اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمی کند. امروز هم آنها همین کار را میکنند.»

۴. لواط

۵. مساحقه

مضرات رواج فحشا در جامعه

۱. حاکمیت شیطان در جامعه

النور: ۲۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ



## اُمِّ قُيِّ

فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَّى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

### ۲. فراوانی بلايا و مصيبات

البقرة: ۵۹ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ  
العنكبوت: ۳۴ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ  
امام صادق عليه السلام فرمود: إِذَا فَشَا الزُّنَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳)

### ۳. فراوانی مرگ های ناگهانی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَثُرَ الزُّنَا كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ.

### ۴. از بین رفتن اقتدار و سقوط کردن جامعه

الإسراء: ۱۶ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا  
الأعراف: ۱۶۳ وَسَأَلْتَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا تَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ  
الأعراف: ۱۶۵ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

### راهکارهای مقابله با فحشا و فساد

#### ۱. تقویت امر نماز

العنكبوت: ۴۵ اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ



## ۲. تقویت روحیه اطاعت پذیری از خداوند

النحل: ۹۰ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

## ۳. بیان پیامدهای منفی فساد بر مردم

الروم: ۴۱ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

## ۴. بیان عواقب ترک نهی از منکر

نهج البلاغه خطبه ۱۲۹ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرَ مُعَيَّرٍ وَلَا زَاجِرَ مُزْدَجِرٍ أَفَبِهَذَا تُرِيدُونَ أَنْ تُجَاوِرُوا اللَّهَ فِي دَارِ قُدْسِهِ وَتَكُونُوا أَعَزَّ أَوْلِيَاءِهِ عِنْدَهُ هَيْهَاتَ لَا يُخَدِّعُ اللَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَلَا تُنَالُ مَرْصَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ - ۲۴۵ لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ النَّارِكِينَ لَهُ وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ

## ۵. مراعات حدود الهی و مجازات متخلف

یکی از وظائف جامعه مومنین و به تبع آن حکومت الهی، اقامه دین است. قرآن کریم در سوره شوری به این وظیفه اشاره می کند: **شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ** (الشوری: ۱۳) یکی از مصادیق اقامه دین، اجرای حدود است. بنابراین حکومت موظف به اجراء حدود تشريع شده برای جلوگیری از فحشا مانند حد زنا و لواط و قذف و ... است.

النور: ۲ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ النساء: ۱۵ وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا



المائدة: ۳۸ وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَ  
اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

## ۶. کنترل چشم

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ  
بِمَا يَصْنَعُونَ (نور ۳۰)

در این آیه شریفه، کنترل چشم مقدمه ای برای تزکیه مطرح شده است  
به قول باباطاهر:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد      که هرچه دیده بیند دل کند یاد  
بسازم خنجری نیشش ز فولاد      زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

## ۷. پوشش و حجاب کافی

متأسفانه امروزه مساله پوشش و حجاب زنان و مردان ما تحت تاثیر فرهنگ منحط غرب  
قرار گرفته و شیخون فرهنگی در ما اثر گذاشته است و با بدحجاب و بی حجاب کردن  
دختران ما می کوشند اقتدار و شوکت اسلام و امت اسلام را زیر سوال ببرند  
در حالی که خدای متعال می فرماید:

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا  
ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... (نور ۳۱)

## رهبری

آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در پنجم دی ماه سال ۱۳۷۴ در دیدار جمعی از پاسداران  
می فرمایند:

این که ما روی مساله فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه میکنیم،  
یک علت عمده‌اش این است که جامعه را تخدیر میکند. همان مدینه‌ای که اولین پایگاه  
تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین موسیقیدانان و آواز خوانان

و معروفترین رقاصان تبدیل شد؛ تا جایی که وقتی در دربار شام میخواستند بهترین مغنیان را خبر کنند، از مدینه آوازه خوان و نوازنده میآوردند! این جسارت، پس از صد یا دویست سال بعد انجام نگرفت؛ بلکه در همان حول و حوش شهادت جگر گوشه فاطمه زهرا سلام الله علیها و نور چشم پیامبر و حتی قبل از آن، در زمان معاویه اتفاق افتاد! بنابراین، مدینه مرکز فساد و فحشا شد و آقا زاده‌ها و بزرگ زاده‌ها و حتی بعضی از جوانان وابسته به بیت بنی هاشم نیز، دچار فساد و فحشا شدند! بزرگان حکومت فاسد هم میدانستند چه کار بکنند و انگشت روی چه چیزی بگذارند و چه چیزی را ترویج کنند. این بلیه، مخصوص مدینه هم نبود؛ جاهای دیگر هم به این گونه فسادها مبتلا شدند. تمسک به دین و تقوا و معنویت و اهمیت پرهیزکاری و پاکدامنی، این جا معلوم میشود. این که ما مکرر در مکرر، به بهترین جوانان این روزگار که شما باشید، این همه سفارش و تأکید میکنیم که مواظب سیل گنداب فساد باشید، به همین خاطر است. امروز چه کسی مثل جوانان پاسدار است؟ همین پاسداران و بسیجیها، واقعاً بهترین جوانانند که در میدان علم و دین و جهاد، پیشرو هستند. در کجا چنین جوانانی را سراغ داریم؟ نظیر اینها را خیلی کم داریم و در هیچ جای دنیا تعدادشان به این کثرت نیست. بنابراین، باید مواظب موج فساد بود.»



## جزء ۱۹

### محوریت قرآن در همه امور فردی و اجتماعی

الفرقان: ۳۰ وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

#### اهمیت قرآن

امت اسلامی زمانی به اقتدار خواهد رسید که کتاب خدا را که به عنوان قانون اساسی بشریت است سرلوحه همه کارهای خود قرار داده و تمام امور فردی و اجتماعی خود را بر مبنای قرآن کریم ترسیم کند.

البته همین قرآن کریم دستور داده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبین و مفسر قرآن باید و بعد از ایشان نیز جانشینان ایشان به عنوان مترجم و مفسر قرآن محسوب می شوند که بدون شناخت کافی از اخبار و روایات اهل بیت علیهم السلام نمی توانیم به حقیقت قرآن دست ستیم و تا زمانی که از قرآن کیم فاصله داشته باشیم به قدرت و اقتداری هم نخواهیم رسید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَّا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ

ایر مومنان علی علیه السلام نیز در بیانات نورانی خود به این نکته مهم اشاره می فرمایند که قرآن بدون اهل بیت معنایی ندارد.

خطبه ۱۲۵

هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ حَظٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّفَتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ وَلَمَّا دَعَانَا الْقَوْمُ إِلَى أَنْ نُحْكِمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنِ الْفَرِيقَ الْمُتَوَلَّى عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نُحْكِمَ بِكِتَابِهِ وَرُدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ فَإِذَا حُكِمَ بِالْصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ وَإِنْ حُكِمَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَتَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِهَا

خطبه ۱۵۸

ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا يَبْتَغِيكُمْ

### چند نکته درباره تاثیر قرآن در اقتدار امت اسلام:

۱. قرآن کریم به اقتدار و قوی شدن رهنمون می کند

الإسراء : ۹ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

۲. هیچ کس قدرت ندارد مانند این قرآن را بیاورد و چنان حکیمانه است که مبارز می طلبد

الإسراء : ۸۸ قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

۳. کوه های عالم که نشانه قدرت و اقتدار هستند در برابر آیات این کتاب الهی تحمل ندارند و متلاشی خواهند شد

الحشر : ۲۱ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

#### ۴. تنها راه رسیدن به قدرت و اقتدار، پیروی از قرآن کریم است

خطبه ۱۸

وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ

۵. برای رسیدن به اقتدار لازم است به حبل محکم الهی چنگ بزنیم که همان قرآن است.

خطبه ۱۷۶

وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظَ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْأَمِينُ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينُ وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ

نامه ۴۷

وَ اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ

۱. سرچشمه های علم و دانش را برای بشریت به ارمغان می آورد

قصار ۳۱۳

فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبَرُ مَا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمُ مَا بَيْنَكُمْ

خطبه ۱۷۶

وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظَ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْأَمِينُ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينُ وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ

#### تعامل مسلمین با قرآن

۱. متاسفانه این قرآن مهجور شده است

الفرقان: ۳۰ وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

## ۲. تالیان قرآن هم به آن عمل نمی کنند

قصار ۲۲۸

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مِمَّنْ كَانَ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوا

## ۳. در آخر الزمان فقط رسوم و خطوط قرآن هست و کسی به محتوای آن کاری

ندارد.

قصار ۳۶۹

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ

## ۶۱. وظیفه والدین است که قرآن را به فرزندانشان بیاموزند

قصار ۳۹۹

حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ

## نیروهای امام زمان، قرآن محورند

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بعد از ظهور خویش به نیروهایی قوی و عامل به قرآن نیاز دارند همانگونه که امیرمومنان علی علیه السلام عاملان قرآن را برادران خویش می خواند و در از دست دادن آنها اشک می ریزد و با صدای بلند و به مدت طولانی گریه می کند. امثال عمار یاسر، خزیمه بن ثابت، ابن التیهان و ...

خطبه ۱۲۱

أَيُّنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَقَبِلُوهُ وَقَرَأُوا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ .... أَوْلَيْكَ إِخْوَانِي الدَّاهِبُونَ فَحَقٌّ لَنَا أَنْ نَنْظُمَ إِلَيْهِمْ وَنَعَضَّ الْأَيْدِي عَلَى فِرَاقِهِمْ

خطبه ۱۸۲

أَيُّنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَمَضَوْا عَلَى الْحَقِّ أَيُّنَ عَمَّارٍ وَأَيُّنَ ابْنِ التَّيْهَانِ وَأَيُّنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَيُّنَ نَظَرَاوُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمْ ... أَوْهَ عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَتَدَبَّرُوا الْفَرْصَ فَأَقَامُوهُ أَحْيَاوُ السُّنَّةَ وَأَمَاتُوا الْبِدْعَةَ دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا وَنُقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ



## مehجوریت قرآن به چیست؟

اکنون اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی مخصوصاً آنها که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند نظر بیفکنیم می‌بینیم قرآن در میان آنها به صورت یک کتاب تشریفاتی درآمده است، تنها الفاظش را با صدای جالب از دستگاههای فرستنده پخش می‌کنند، و جای آن در کاشی کاریهای مساجد به عنوان هنر معماری است، برای افتتاح خانه نو، و یا حفظ مسافر، و شفای بیماران، و حد اکثر برای تلاوت به عنوان ثواب از آن استفاده می‌کنند.

حتی گاه که با قرآن استدلال می‌نمایند هدفشان اثبات پیشداوریهای خود به کمک آیات با استفاده از روش انحرافی تفسیر به رأی است.

در بعضی از کشورهای اسلامی مدارس پر طول و عرضی به عنوان مدارس "تحفیظ القرآن" دیده می‌شود، و گروه عظیمی از پسران و دختران به حفظ قرآن مشغولند، در حالی که اندیشه‌های آنها گاهی از غرب و گاه از شرق، و قوانین و مقرراتشان از بیگانگان از اسلام گرفته شده است، و قرآن فقط پوششی است برای خلافاکاریهایشان.

آری امروز هم پیامبر ص فریاد می‌زند: "خدایا! قوم من قرآن را مهجور داشتند!" مهجور از نظر مغز و محتوا، متروک از نظر اندیشه و تفکر و متروک از نظر برنامه‌های سازنده‌اش. بنابراین مهجوریت قرآن را می‌توان در برخی موارد اشاره کرد

### ۱. بسندگی به تلاوت ظاهری و تدبر نکردن در مفاهیم قرآن

محمد: ۲۴ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

### ۲. تربیت حفاظ قرآن کریم به صورت آماری

### ۳. عمل نکردن به دستورات الهی در قرآن

رسول خدا ﷺ رَبِّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ. (بحارالنوار، ج ۸۹، ص ۱۸۴)

#### ۴. بسنده کردن به صوت و لحن

همانگونه که کشور مصر چنین می کند و قاریان مصری مشهورند که اگر به قرآن عمل می کردند پیرو اهل بیت می شدند.

#### ۵. بسنده کرده به چاپ کردن قرآن هایی نفیس با رنگ و لعاب فراوان

همانگونه که کشور عربستان چنین کاری می کند

#### ۶. استفاده از قرآن کریم مخصوص مجالس ترحیم

### تاسف امام راحل

امام خمینی رحمه الله در گفتاری از اینکه تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می خورد و به حوزه ها و دانشگاه ها سفارش می کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه ی رشته ها، مقصد اعلی قرار دهند تا مبدا در آخر عمر بر ایام جوانی تأسف بخورند.<sup>۱</sup>

### چگونگی استفاده از قرآن کریم

#### ۱. تعلیم و تعلم قرآن و تلاوت آن

خطبه ۱۱۰

وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِيْعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَأَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ

#### ۲. تدبر در قرآن و آموزه های آن

محمد: ۲۴ أَمْ لَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

البته تدبر در قرآن به تنهایی امکان پذیر نیست و لازم است از مفسران و مربیان قرپان بهره مند شد.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰



۳. برگزاری جلسات هم اندیشی قرآن کریم

۴. استخراج مسائل مهم در حوزه های مختلف از قرآن کریم

چه در حوزه های نظامی و چه علمی و اقتصادی و مدیریتی و ...



## جزء ۲۰

### دنیاگریزی

#### دنیازدگی و دنیاگریزی در آموزه های دینی

القصص: ۵۸ وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

یکی از آفت هایی که همیشه انقلاب ها و جامعه های دینی و ایمانی را تهدید میکند دنیا طلبی و روی آوردن به مظاهر دنیوی است که در نتیجه باعث میشود آرمان ها و اهداف عالیه، رنگ عوض کنند و جای خود را به رقابت ها و تلاش ها برای بهره مندی هرچه بیشتر از دنیا بیانجامد و در نتیجه آن انقلاب ها و حکومت ها از مسیر اصلی خود منحرف شوند. در جامعه نبوی نیز بعد از تشکیل حکومت و در نبردی که بین مسلمانان و کفار قریش رخ داد و غنائمی بدست آوردند این مسئله باعث اختلاف بین مسلمانان بر سر غنائم شد و حتی دنیاگرایی بعضی افراد تا جایی پیش رفت که حاضر بودند به پیامبر خیانت کنند و اسرار جنگی را به اطلاع کفار برسانند و این جریان در برهه های مختلف ادامه داشته و آیات متعددی از قرآن به این مسئله پرداخته شده است.

در جامعه کنونی و انقلاب خود نیز می بینیم که افرادی بعد از انقلاب به خاطر درگیر شدن با مسائل اقتصادی و مالی کم کم با ارزش ها و آرمان های انقلاب زاویه گرفتند تا جایی که به معاندین و دشمنان جمهوری اسلامی تبدیل شدند،

آنچه خدای متعال در آیه ۵۸ از سوره مبارکه قصص هشدار می دهد هلاکت در پرتو خوشگذرانی ها و دنیا زدگی و محبت افراطی دنیا است بدین سبب اقتدار زمانی حاصل می شود که دنیاگریزی باشد نه دنیا زدگی

اگر دنیا را کنارزدیم به خدمت ما درخواهد آمد و اسباب اقتدار ما را فراهم خواهد کرد اما اگر به سمت دنیا رفتیم از ما فرار خواهد کرد و عوامل تضعیف ما را پی ریزی می کند  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَيَّ الدُّنْيَا أَنْ أَتَعْبِيَ مَنْ خَدَمَكَ وَ اخْدُمِي مَنْ رَفَضَكَ (امالی صدوق، ص ۲۷۹)

امیرمومنان علی علیه السلام در نامه ای که به معاویه نوشتند این نکته را هشدار دادند که اگر به سمت دنیا رفتی باید منتظر فراق دنیا و گرفتاری های آن باشی و ابهت و قدرت را از دست می دهی.

نهج البلاغه نامه ۴۹؛ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَلَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصاً عَلَيْهَا وَ لَهْجاً بِهَا وَ لَنْ يَسْتَغْنِيَ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ فِيهَا عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ مِنْهَا وَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فِرَاقٌ مَا جَمَعَ وَ نَقْصٌ مَا أَكْرَمَ وَ لَوْ اعْتَبَرْتَ بِمَا مَضَى حَفِظْتَ مَا بَقِيَ وَ السَّلَامُ  
 البته گمان نکنیم که رفتن به سمت دنیا مطلقاً خوشی و سروری نخواهد داشت بلکه چند روزی با متاع دنیا بازی خواهد کرد ولی چون قدرت و اقتدار ندارد ناگهان فرومیریزد و با خفت و خواری و بی ارزشی از بین خواهد رفت

الحديد: ۲۰ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَاماً وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

به همین دلیل است که خدای متعال می فرماید مواظب باشید فریب دنیا را نخورید  
 فاطر: ۵ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

## چرایی تاثیر دنیاگرایی در شکست اقتدار

۱. چشم و دل انسان را کور می کند

فَارْزُقْضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغَمِّي وَيُصِمُّ وَيُبْكِكُمْ وَيُذِلُّ الرِّقَابَ (کافی، ج ۲، ص ۱۳۶)

۲. انسان را از دشمنان غافل می کند

نهج البلاغه نامه ۴۹؛ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا

۳. وابستگی می آورد

اگر دنیاگرایی در قلب و دلی نیروها وارد شد به راحتی نمی توانند دل از آن برکنند و طبیعتا اهداف و آرمان های حاکمیت اسلان تحت الشعاع قرار می گیرد و گردن ها را در برابر طواغیت خم می کند و به طمع مال و ثروت دنیا به انواع خفت ها تا خواهد داد رسول خدا ﷺ می فرماید:

فَارْزُقْضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغَمِّي وَيُصِمُّ وَيُبْكِكُمْ وَيُذِلُّ الرِّقَابَ (کافی، ج ۲، ص ۱۳۶)

بی دلیل نیست که هواداران ثروتمندان زیادند و هر کجا ثروتمندی بوده باشد مگسانی اطراف او پر می زنند و خود را در برابر او خوار و ذلیل می کنند تا گوشه ای از مال و ثروتش را به آنها بدهند همانند لاشخورهایی که منتظر صید شیر هستند تا گوشه ای از شکار خود را برای آنها باقی بگذارد

همانگونه که امیرمومنان علی علیه السلام عمروعاص را به مثابه سگی تشبیه کرده که به طمع مال و ثروت، خود را دنباله رو معاویه می داند

نهج البلاغه نامه ۳۹؛ فَإِنَّكَ قَدْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَا أَمْرِي ظَاهِرٌ غَيْهِ مَهْشُوكٍ سِتْرُهُ يَشِينُ الْكَرِيمَ بِمَجْلِسِهِ وَيُسِفُّهُ الْحَلِيمَ بِخِلَاطِنِهِ فَاتَّبَعْتَ أَثَرَهُ وَ طَلَبْتَ فَضْلَهُ اتِّبَاعَ الْكَلْبِ لِلضَّرْعَامِ يَلُودُ بِمَخَالِبِهِ وَ يَنْتَظِرُ مَا يُلْقَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِ فَرِيستِهِ

۴. انسان را از درون و مخفیانه سست می کند

نهج البلاغه حکمت ۱۱۹؛ مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيْسَ مَسُّهَا وَالسَّمُّ النَّافِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي

إِلَيْهَا الْغُرُ الْجَاهِلُ وَيَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ

#### ۵. انسان ها را ترسو می کند

نهج البلاغه خطبه ۳۴؛ أَفِ لَكُمْ لَقَدْ سَمِئْتُ عِتَابَكُمْ - أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوْضًا وَبِالدُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا إِذَا دَعَوْتُكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوَّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ وَمِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ يُرْتَجَّ عَلَيْكُمْ حِوَارِي فَتَعْمَهُونَ - [فَكَانَ] وَكَانَ قُلُوبُكُمْ مَأْلُوسَةً فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ

#### ۶. اهداف و آرمان ها را به فراموشی می سپارد

نهج البلاغه خطبه ۴۲؛ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اِثْنَانِ] اِثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ

#### ۷. حق مداری را تضعیف می کند

نهج البلاغه خطبه ۴۲؛ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اِثْنَانِ] اِثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ

#### ۸. فسق و فجور در جامعه رواج پیدا می کند

الإِسْرَاءُ : ۱۶ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا

#### ۹. شهوت پرستی و شهوترانی را ترویج می دهد که عاملی برای شکست اقتدار

است.

نهج البلاغه حکمت ۵۸؛ الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ



## چگونگی اقتدارافزایی دنیا گریزی

۱۰. دنیاگریزی آزادی به همراه دارد

حکمت ۱۳۳؛ الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارَ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأُوبِقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا

۱۱. به زبان انسان قدرت حرف زدن می دهد چون وابسته نیست

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ (کافی، ج ۳، ص ۳۳۱)

۱۲. سختی ها را ناچیز می داند

حکمت ۳۱؛ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ

۱۳. راه را از چاه تشخیص می دهد و چشمش حقیقت بین می شود

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا ... بَصَرُهُ دَاءُهَا وَ دَوَاءُهَا وَ عُيُوبُهَا. (کافی، ج ۳، ص ۳۳۱)

۱۴. قدرت خود را از دست نداده و نیازمند به غیر نمی شود

لَنْ يَهْلِكَ مَنْ افْتَصَدَ وَلَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ (تحف العقول، ص ۸۵)

## راه های دفع دنیا زدگی

۱. دقت در حقیقت دنیا

نهج البلاغه حکمت ۱۱۹؛ مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسُّهَا وَ السَّمُّ النَّافِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْغُرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو الدَّبِّ الْعَاقِلُ

۲. آشنایی با عواقب دنیا زدگی

حکمت ۲۲۸؛ مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاسَطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثِ هَمٍّ لَا يُغْنِيهِ وَ حِرْصٍ لَا



### ۳. کشف حقیقت و جایگاه انسان

حکمت ۴۵۶؛ أَلَا حُرِّيدُ هَذِهِ اللَّمَاطَةِ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا

### ۴. درخواست از خدای متعال

همانگونه که در یکی از مناجات های سحر ماه رمضان اینگونه آمده است  
اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۷۲) سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي

### ۵. مطالعه آثار زدگی و دنیاگریزی

نمونه های مختلف شکست های اقوام گذشته در پی نیاززدگی ها و موفقیت انبیا و اولیای الهی در پرتو دنیاگریزی ها

تمام عالمان و عارفانی که به مقاماتی رسیدند در پرتو دنیاگریزی بوده است  
کما اینکه در خوراک و پوشاک آنها نمونه های فراوانی وجود داشته است  
جریان بلعم باعورا می تواند نمونه ای خوب در این زمینه باشد که با داشتن مقاماتی در نزد خدای متعال، حریص بر دنیا شد و دنیازدگی، او را به زمین زد

الأعراف: ۱۷۶ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا  
بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

یا مانند شریح قاضی که کیسه های پول و زر چشم او را کور کرد و حکم به قتل سیدالشهدا (علیه السلام) داد.

## جزء ۲۱

### فرهنگ دانش بنیان

#### مقدمه:

در قرآن کریم و خصوصا در سوره لقمان از واژه حکمت یاد شده است و لقد آتینا لقمان الحکمة ان اشکر لله . و به جهت تکرار و اهمیت این موضوع در این نوشته به آن پرداخته شده است. هدف از این نوشته بررسی جایگاه فرهنگ حکمت بنیان در اقتدار امت اسلامی است. ابتدا با ارائه مفهوم حکمت و نقطه مقابل آن، به تفهیم حکمت پرداخته می شود و سپس با بیان ارزش و اهمیت آن در ابعاد مختلف، جایگاه آن تشریح شده و موانع دستیابی به آن و راهکارهای دستیابی به آن مورد بررسی قرار می گیرد.

روشن است که فرهنگی که مبتنی بر حکمت باشد - همانگونه که از واژه حکمت که به معنای مستحکم بودن است فهمیده میشود - از اتقان بالایی برخوردار است و این چنین فرهنگی مایه اتقان و استحکام فرهنگی کشور و در نتیجه اقتدار کشور در برابر فرهنگ مهاجم خواهد شد. در نقطه مقابل فرهنگ مبتنی بر بنیان سست هوی و هوس است که باعث سست شدن یک ملت و عدم اقتدارش در برابر فرهنگ مهاجم خواهد شد.

#### معنای حکمت

برای حکمت معانی مختلفی ذکر شده است ؛ راغب در معنای این واژه می گوید: «حکمت، رسیدن به حقّ به واسطه علم و عقل است». روایات متعددی درمورد حقیقت و معنای حکمت بیان شده اند؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «حکمت، همان فهم، معرفت و

شناخت عمیق است، شناختی که انسان را به بندگی خدا و رهبر آسمانی وا دارد و از گناهان بزرگ دور سازد.»

## حکمت در قرآن

تفلیسی، حکمت را به ۵ وجه نام برده است: در آیات «و اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ» (بقره: ۲۳۱) و «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» (نساء: ۱۱۳)، در معنای پند دادن، در آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) به معنای قرآن، در آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ» (لقمان: ۱۲) به معنای علم و فهم، در آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره: ۲۶۹) در معنای تفسیر قرآن، و در آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء: ۵۴) بر وجه نبوت و پیامبری ذکر شده است.

از بین وجوه ذکر شده برای حکمت، حکمتی که به لقمان داده شد را مورد بررسی قرار می دهیم؛ در روایتی ذیل آیه ۱۲ سوره مبارکه لقمان اینطور بیان شده است؛ هشام بن حکم، گفت: امام کاظم (علیه السلام) به من فرمود: ای هشام! همانا خداوند متعال در کتاب خود قرآن فرمود: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» و منظور از حکمت فهم و عقل است. در روایتی دیگر علی بن قصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «فدایت شوم! آیه وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ به چه معناست؟» فرمود: «معرفت امام زمانش به وی داده شد».

## نقطه مقابل حکمت

با تفکر و تدبر در آیات سوره ی مبارکه لقمان درمی یابیم که داستان سراسر حکمت لقمان در نقطه مقابل داستان خریدار لهُو الحدیث که در آیه ۶ به آن اشاره شده است، قرار دارد، یک فرد آن قدر دانا و حکیم است که کلماتش راهنمای همه می شود، و در مقابل، فرد

دیگری یافت می شود که راه خدا را مسخره می کند، و برای گمراه کردن مردم این در و آن در می زند، تا لهُو الحَدِثِی جمع آوری نماید.

رفتار دیگری که در تقابل با حکمت است، رفاه طلبی برآمده از هواپرستی است که در قرآن کریم آمده است: «وَتَنَحِثُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ» و از کوه ها خانه هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید! (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی) (شعراء: ۱۴۹) فاره از ماده «فره» (بر وزن فرح) در اصل به معنی شادی توأم با بی خبری و هواپرستی است، گاهی نیز به معنی مهارت در انجام کاری آمده است، گرچه هر دو معنی با آیه فوق متناسب است، اما با توجه به ملامت و سرزنش حضرت صالح، معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.

همچنین در آیات ابتدایی جزء ۲۱ که انکار آیات الهی و نمونه هایی از بهانه جویی کفار توصیف می شود و باتوجه به آیات ۶۱ و ۶۳ مشخص می شود که به غیر حق و از روی دنیا طلبی به انکار دست زده اند و در آیه ۶۴ این معنا مشهود است، نمونه ی دیگری از تقابل با فرهنگ حکمت بنیان است.

### مصادیق حکمت در قرآن

باتوجه به آیه «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» (اسراء: ۳۹) که خداوند متعال می فرماید: این اوامر و نواهی حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، در تفسیر نور نمونه های حکمت را ذیل آیات ۲۲ تا ۳۸ سوره مبارکه اسراء معرفی می نماید که عبارتند از:

یکتاپرستی و دوری از شرک، احسان و احترام به والدین به خصوص در هنگام پیری، گفتار کریمانه و تواضع همراه با محبت، دعای خیر به آنان، پرداخت حق الهی به اولیای خدا، فقرا و در راه ماندگان، پرهیز از اسراف و ولخرجی، میانه روی در مصرف، پرهیز از نسل کشی و عمل نامشروع جنسی، دوری از تصرف در مال یتیم، ادای حق مردم و دوری از کم فروشی، پیروی نکردن از چیزی که به آن هیچ علم و آگاهی نداری و دوری از راه رفتن متکبران.

در ادامه طبق تعاریفی که برای حکمت ارائه شد، و با تدبر در دیگر آیات قرآن کریم و مؤکداً در جزء ۲۱ از قرآن کریم، به بررسی مصادیق دیگر حکمت می پردازیم:

در آیه پایانی سوره مبارکه عنکبوت، به مجاهده کنندگان در راه خدا، وعده ی هدایت شدن در راه را می دهد. این هدایت شدن در راه، خود می تواند مقدمه ای برای کسب حکمت باشد.

در سوره مبارکه روم، از جمله حکمت هایی که به دست می آید، تفکر در خلقت، معاد، توحید و نبوت، نظر افکندن در آیات و نشانه های الهی اعم از مرگ، صاعقه، وزیدن باد تا بارش باران، اختلاف زبان ها و رنگ و نژاد، خواب و فعالیت روزانه، زوج قرار دادن انسان ها، و برپا بودن آسمان و زمین به امر خدا، از دیگر حکمت های یاد شده در این سوره مبارکه حمد و تسبیح پروردگار، توبه و بازگشت به سوی پروردگار، روی آوردن به دین فطری و پرهیز از تفرقه در دین، ادای حق نزدیکان، مساکین و در راه ماندگان، پرداخت زکات و در مقابل آن ربا به عنوان ضد حکمت معرفی شده است.

در سوره مبارکه لقمان، ابتدا گروهی که با لهُو و لعب، از راه خدا باز می دارند، ذکر می شوند و در ادامه - که به نظر می رسد نقطه مقابل این گروه است - لقمان و حکمتی که به او داده شد ذکر می شود. برخی از حکمت هایی که لقمان به عنوان پند و موعظه برای فرزندش بیان می کند عبارتند از: شریک قرار ندادن برای خدا، اقامه ی نماز، سفارش در مورد پدر و مادر و رعایت حق شکرگزاری و رفتار شایسته با آن ها، امر به معروف و نهی از منکر، صبر در مصیبت ها، دوری از تکبر و غرور، اعتدال در راه رفتن و آهسته سخن گفتن (فریاد نزدن)، استمساک به دستگیره ی محکم الهی از دیگر امور حکیمانه ای است که در این سوره مبارکه به آن اشاره شده است.

در سوره مبارکه سجده به خلقت آسمان ها و زمین و انسان ها و بحث شکرگزاری اشاره می فرماید و سپس بحث معاد و مرگ مطرح می شود. بحث انفاق و عبادت در شب از جمله دیگر حکمت هایی است که این سوره مبارکه از آن ها یاد می کند.

در آیات پایانی این جزء و در سوره مبارکه احزاب، بحث توکل، تبعیت از وحی و عدم تبعیت از هوا، دعوت به اجرای احکام الهی که در این سوره بیان می شود، به انجام رساندن



میثاق الهی و همراهی با ولی و اولویت بخشیدن به آخرت در مقابل دنیا بیان می شود که خود از رفتارهای حکیمانه است.

## راه های کسب حکمت

از راه های دست یابی به حکمت، اخلاص ذکر شده است و می خوانیم که حکمت هدیه ای است که خداوند به مخلصین عنایت می فرماید. در روایات متعدّد می خوانیم: «من اخلص لله اربعین صباحا ظهّرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه»، هر کس چهل شبانه روز کارهایش خالصانه باشد، خداوند چشمه های حکمت را از دل او به زبانش جاری می سازد. از دیگر راه های کسب حکمت، زهد ذکر شده است؛ در حدیث می خوانیم: کسی که در دنیا زاهد باشد و زرق و برق ها او را فریب ندهد، خداوند حکمت را در جانش مستقر می کند. حفظ زبان، کنترل شکم و شهوت، امانتداری، تواضع و رها کردن مسائل غیر مفید، زمینه های پیدایش حکمت است.

راه دیگر کسب حکمت را در روایاتی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) میابیم؛ ایشان فرمودند: هر که جویای حکمت باشد، اهل بیت را دوست بدارد. و در روایتی دیگر از ایشان این طور می فرمایند: خداوند قرآن را به من عطا کرد و از حکمت نیز چیزی هم وزن و مثل قرآن، به من بخشید. هر خانه ای که در آن حکمت نباشد در واقع ویران است. عمیق در پی فهم باشید؛ تفقّه نموده و بیاموزید و در جهالت نمیرید.

همچنین از فرمایش امام کاظم (علیه السلام) که فرمودند: سکوت، دری از درهای حکمت است، بر می آید که سکوت بجا، خود راهی به سوی حکمت می گشاید.

اهمیت حکمت در بین مسئولین و افراد شاخص

از آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مبارکه احزاب که در ادامه خطاب خداوند به همسران پیامبر ﷺ است «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ...» (احزاب: ۳۲)، به دست می آید که به جای فرهنگ ابتذال، باید فرهنگ الهی را دنبال کرد؛ چنانچه می فرماید «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشوید. (ترجمه شیخ حسین انصاریان) (احزاب: ۳۳) و در آیه بعد امر

به حفظ و یادآوری آیات الهی و حکمت می فرماید: «وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» [ای همسران پیامبر!] و آنچه را از آیات خدا و حکمت در خانه های شما می خوانند به یاد داشته باشید. (احزاب: ۳۴). و اگرچه این بیان کلی است و جامعه ی مؤمنین را شامل می شود، اما خطاب آن به همسران پیامبر ص است که به نظر می رسد افرادی که مقام الگویی در جامعه دارند یا مسئولیت و جایگاه حساسی دارند، باید توجه ویژه ای به این موضوع داده باشند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه ای، در بیانات متعددی مسئولین کشور را به رعایت حکمت در امور فراخواندند؛ از جمله در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، یکی از شاخص های دولت مطلوب اسلامی را اینطور معرفی فرمودند: «مسئله ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه ی درست، ملاحظه ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتّی گاهی ملاحظه ی تبعات یک اظهارنظر». و اظهار نظر مسئول شناخته شده و دارای جایگاه را بسیار اثرگذار و در صورت اشتباه بسیار پرهزینه نامیدند و به استفاده از ظرفیت ها فراخواندند؛ «از جمله ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی است در مسائل کشور که خوشبختانه ما در زمینه ی کارشناسی، امروز ظرفیت خیلی خوبی در کشور داریم.» و به استفاده از این ظرفیت ها فراخواندند.

### اهمیت حکمت در سیاست خارجی و روابط بین الملل

لزم حکمت در سیاست خارجی و اهتمام مسئولین مربوطه به آن آنقدر فراوان است که این نکته در بیانات متعدد رهبر فرزانه انقلاب یادآوری شده است؛ ایشان عزت و حکمت و مصلحت، را یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین المللی کشور دانستند و در بیان حکمت از این سه گانه فرمودند: «حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هرآنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست» در ادامه افزودند: «اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست



که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیرحکیمانه درآید!» و ضرر کار نسنجیده در این مواضع را عمیق تر و عمومی تر و چشمگیرتر و نقدتر دانستند. در بیانات دیگری در تشریح حکمت از مثلث مطرح شده فرمودند: «حکمت، یعنی حکیمانه کار کند؛ از روی احساسات و بی توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما از رابطه‌ی با دنیا باید بگیریم، حرکت نشود» در ادامه اضافه نمودند: «ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم [با او] برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم طرح دوستی بریزیم؛ [این] حکمت است. خیال نکنید اینها از اسلام نیست؛ نخیر، از اسلام است، آنجایی که جای آن باشد، از اسلام است.» و با تشریح این نکته، مصلحت نظام را در حکمت دانستند و بیان فرمودند: «حکمت که می‌گوییم، یعنی رعایت مصلحت جمهوری اسلامی، و تمام استفاده‌هایی که می‌تواند این نظام از ارتباط با آن دولت یا آن دولت‌ها ببرد ملاحظه کردن، بر این اساس باشد.»

و همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی - که از سوی ایشان مطرح شد تا پس از عبور از ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی و با نگاه به آینده درخشان آن، این بیانیه چراغ راه قرار گیرد - در بند ششم این مسئله ذکر شده است؛

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن  
عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی



از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملّی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نه‌راسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملّت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصوّر نیست و مذاکره با آن جز زیان مادّی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

## جزء ۲۲

### قیام لله و اندیشه ورزی

#### مقدمه :

از نخستین مفاهیمی که از ابتدای انقلاب برسر زبان ها افتاد مفهوم قیام لله است. قیام لله یعنی اینکه تعلقات شخصی و اجتماعی به کنار رود و شخص بیاندیشد و تفکر کند. فقر خود را ببیند و بی نیازی پروردگار را درک کند و محو در عظمت خدا گردد. چنین شخصی واقعا قدرتمند میشود و قدرت خدا باعث اقتدار او میگردد.

**قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ شَاخٍ وَفِرَادَىٰ ثَمِّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبا ۴۶)**

بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می دهم [و آن] اینکه: دو تا دو تا و یک یک برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقان [محمد که عمری با پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شما زندگی کرده است] بیندیشید که هیچ گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست، جز بیم دهنده ای نیست.

#### نکات آیه

۱- خداوند متعال نخواست به صورت مستقیم با مشرکین به مخاطب بپردازد و فقط من باب اتمام حجت با لحنی استوار ولی از روی لطف و رحمت آنها را به قیام لله برای تفکر در قرآن موعظه می کند.

۲- قیام عزم کردن برای حرکت در مسیر است به صورتی که هیچ خلل و اعوجاجی در آن نباشد. قیام لله به عزم کردنی گفته می شود که تنها خدا در نظر گرفته شود و انسان هیچ کدام از تعصبات و هوا و هوس های خود را دخیل در این امر نکند و استعمال این واژه در قالب فعل مضارع تاکید بیشتری است بر راسخ بودن این قیام برای خدای متعال . چرا که مشرکین گرچه پیامبر ﷺ را قبول نکرده اند ولی خدا را قبول دارند.<sup>۱</sup>

۳- به فرموده علامه طباطبائی پایه تربیت اسلامی بر تفکر بنا شده است و تفکر و تعقل دو مرتبه از ادراک است . اولین مرتبه از ادراک همین است که انسان مقدمات یقینی را کنار هم بگذارد و با ترتیب مقدمات قیاس، حقیقتی را استنتاج کند که به آن تفکر می کند. لذا معلوم می شود که این مشرکین کاملاً چشم بسته با پیامبر ﷺ برخورد می کنند و نازل ترین مرتبه از فهم کلام نبوی را نیز ندارند . مؤید این برداشت هم آیاتی از سوره ملک است که از قول جهنمیان می فرماید: «**لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ اسْعِيرٍ**» یعنی این جهنمیان حتی به خود اجازه شنیدن هم نمی دهند چه برسد به تفکر و تعقل.

۴- دستور به مثنی و فرادی هم همانطور که در برخی تفاسیر مثل المیزان<sup>۲</sup> به آن اشاره شده به این دلیل است که در هیاهو و شلوغی که این مشرکان نسبت به پیامبر به راه انداخته بودند اگر کسی طالب حق باشد نمی تواند منصفانه با این کلمات برخورد کند لذا باید از این جماعت فاصله بگیرد و در خلوت خود به اندیشه بنشیند یا نهایتاً با شخصی دیگر به بحث و گفتگوی منصفانه بنشیند تا حقیقت امر برایش روشن شود.

۵. با توجه به مطالب قبل، دلیل تقدم قیام لله بر تفکر نیز روشن می شود. مادامی که توجه انسان به اغراض نفسانی باشد و در حالت غفلت بسر ببرد حجاب هائی پیش روی قلب قرار گرفته و اجازه نمی دهند آنطور که هست به تفکر بنشیند و حقائق در ذهن و فکر او منعکس شود لذا ابتدائاً باید از حجاب تعلقات در بیاید تا آفتاب حقیقت در جان او نور افشانی کند . لذا است که در عین اینکه تفکر پایه تربیت اسلامی است ولی ترکیه بر تعلیم تقدم دارد «**يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**» یعنی به میزانی که نفس پاک باشد و

۱ تفسیر تسنیم ذیل آیه ۴۶ سبا

۲ اُی اثنین و واحدا و احدا کنایه عن التفرق و تجنب التجمع و الغوغاء فإن الغوغاء لا شعور لها ولا فکر و کثیرا ما تمیت الحق و تحیی الباطل . المیزان ج ۱۶ ص ۳۸۸

فطرت از زیر غبار غفلت نمایان شده باشد تفکر می تواند کشف حقیقت کند لذا است که شخص با فطرت اولیه ی حقیقت جو ابتدائاتی را می تواند با تفکر بفهمد اگر به این فهم ملتزم شد و طبق آن عمل کرد به حسب طهارت بیشتری که در وی بوجود آمده فهم های جدیدتر و عمیقتری برایش رقم می خورد لذا در این آیه بعد از ترکیه از کلمه «فاء» یا «ثم» استفاده نکرده بلکه از «واو» استفاده کرده یعنی میخواهد بگوید در عین اینکه ترکیه تقدم دارد ولی اینها در معیت و همراهی باهم رقم میخورد.

مرحوم امام با الهام از این برداشت آیه را به صحنه قیام اجتماعی برای تشکیل حکومت الهی کشانده اند که در اولین پیام ایشان در سال ۳۲ مطرح می شود. این برداشت از آیه مؤید همین نکته است که قیام لله و انیشه ورزی در پی آن منجر به یک حرکت بزرگ اجتماعی میشود و مایه قدرت یافتن مؤمن و جامعه ایمانی در برابر مستکبران خواهد شد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفِرَادَى»

خدای تعالی در این کلام شریف، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را به بشر پیشنهاد فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلّت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهانده ....

قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صَعَق و صَحُو کشاند. قیام برای خداست که خاتم النبیین- صلی الله علیه و آله- را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام **قَاب قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى** رساند...»

## عزت امت در سایه عزت الله

با توجه به آیه ۲۳ سوره فاطر «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله والله هو الغنی الحمید» روشن می شود که مخلوقات به حسب فقر وجودی خود در هیچ لحظه ای نمی توانند حقیقتا دارای کمالی شوند بلکه هر کمالی که در غیر خدا دیده می شود پرتوی از کمال ذات حق است لذا جز در سایه بندگی که همانا رویگردانی از غیر خدا و توجه به ذات حق تعالی است نمی توان به هیچ کمالی از جمله عزت و اقتدار رسید لذا قرآن در توصیف اعمال کفار می فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّئَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ»<sup>۱</sup>

کفار چون خود و دیگران را صاحب کمال دیدند و با این پندار به سمت اهداف پوچ خود حرکت کردند با رسیدن به آن می بینند اشتباه کردند و آن حقیقت پنداری سرابی بیش نبود. شواهد بسیاری در طول چهل سال دشمنی جبهه باطل دیده ایم که محاسبات سراب گونه آن ها را تأیید می کند مثلاً با به شهادت رساندن سردار سلیمانی فکر میکردند که جبهه مقاومت ضعیف می شود در حالیکه مایه اتحاد و قوت امت اسلام شد.

در نقطه مقابل جبهه حق است که چون قیام الله کرد و فقط خدا را دید، به قدرت خدا دل بست و با قدرت خدا بزرگ شد و عظمت یافت. این قدرت الهی در جبهه مقاومت بروز و ظهور پیدا کرد و مشتضعفان را بر مستکبران پیروز نمود و این مسیر تا پیروزی نهایی جبهه حق ادامه خواهد داشت.

## نتیجه پایانی

- ۱- انسان گرچه به حسب ذات فقیر الی الله است ولی با قرار گرفتن در مسیر عبودیت می تواند تمامی کمالات حق را در خود به نمایش بگذارد و با رسیدن به این مقام حاکم در همه عوالم شود.
- ۲- رسیدن به این مقام جز با قیام لله که دست شستن از تعلقات و حجاب هاست اتفاق نمی افتد. هر کس باید به دور از شلوغی ها و هیاهو ها در مسیر اهداف الهی حرکت کند و به میزانی که از این حجاب ها رها شده باشد باب فهم و درک نیز برای او باز می شود و می تواند ادامه مسیر را تشخیص دهد.
- ۳- قدم اول برای اینکه جامعه درست بیاندیشد قیام لله است. باید بسترهائی فراهم شود تا تک تک اعضاء جامعه به دور از هیاهوهای رسانه و صرفا با نیت حق جوئی به تفکر و تأمل در معارف قرآنی پردازد تا حقانیت این معارف در جان او بنشیند و او را به حرکت بیندازد.
- ۴- حکومت اسلامی موظف است تا با وسواسی که مانع از درک حقیقت توسط افراد جامعه می شود مواجهه کند تا اغراض سیاسی و نفسانی رابطه جامعه با اندیشه قرآنی رهبر جامعه را غبار آلود نکند.
- ۵- چنین قیامی و چنین نهضت علمی باعث روشن شدن حقایق و اعتقاد عمیق مردم به راه خدا شده و در نتیجه مقاومت آنها در برابر هر هجمه فکری و فرهنگی را بالا برده و عامل مهمی برای اقتدار فرهنگی و عقیدتی امت محسوب گردد.





## جزء ۲۳

### فدرت درک و تحلیل مسائل

#### قدرت درک و تحلیل مسائل

در طول تاریخ بشر قدرت و عدم قدرت تحلیل ملت ها و امت ها از جمله مهمترین عوامل اوج و فرود جوامع بوده است که هم خداوند متعال در قرآن کریم و هم پیشوایان دینی به این نکته اشاره فرموده اند

جریان شکست جنگ احد در عهد رسول خدا ﷺ و جریان شکل گیری خوارج در پس جنگ صفین را می توان از نمونه های بارز و شاخص این مساله دانست که هرچند پیامبر و امیرالمومنین به آنها هشدار داده بودند لکن عدم قدرت تحلیل صحیح یا پافشاری بر بطلان دیدگاه و نظر خویش، موجب شکست آنان و جدا شدن از جبهه حق گردید.

جامعه ای می تواند به اقتدار برسد یا اقتدار خویش را حفظ نماید که امت آن به بصیرت و قدرت تحلیل مسائل رسیده باشد

لذا اولین و مهمترین شرط تقویت و اقتدار بخشی در هر جامعه ای تقویت قدرت تعقل و بصیرت تحلیل مسائل است که بتوانند در شرایط مختلف، مسائل را به خوبی درک و تحلیل کنند.

در غیر این صورت جز ندامت و پشمانی و سلطه دشمنان چیز دیگری عائد نمی شود.

امیرمومنان علی علیه السلام در خطبه ۳۵ در مورد جریان حکمیت و عواقب بعد از آن می فرماید  
 أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجَرَّبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ وَتُعْقِبُ النَّدَامَةَ وَقَدْ  
 كُنْتُ أَمَرْتُكُمْ فِي هَذِهِ الْحُكُومَةِ أَمْرِي وَنَخَلْتُ لَكُمْ مَخْزُونًا رَأَيْتُمْ لَوْ كَانَ يُطَاعُ لِقَصِيرٍ أَمْرٌ  
 فَأَيُّكُمْ عَلَى إِبَاءِ الْمُخَالِفِينَ الْجُفَاءَ وَالْمُنَابِذِينَ الْعُصَاةَ حَتَّى أَزْنَابَ النَّاصِحِ بِنُصْحِهِ وَضَنَّ  
 الزَّنْدُ بِقَدْحِهِ

به جرأت می توان گفت دلیل همه انحرافات سیاسی و اعتقادی که تاکنون امتها با  
 آن روبه رو بوده اند، و در برخی موارد به نابودی و انحطاط آنان نیز منجر شده، رفتارها،  
 تصمیم گیریها و موضع گیریهای بدون بصیرت بوده است. بسیاری از حوادث ناگوار دوران  
 امیرالمومنین و امام حسن علیه السلام به دلیل ضعف در قدرت تحلیل مردم بوده است.  
 رهبر معظم انقلاب نیز مکرراً همگان را نسبت به خطر آن هشدار داده و به داشتن  
 بصیرت توصیه مینماید. به عنوان مثال در دیدار با جوانان فرمودند: "در خودتان بصیرت  
 ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیتهای جامعه  
 یک جمع بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل  
 خیلی مهم است. هر ضربه ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت  
 تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین طور بوده که حالا اینها بحثهای  
 تفسیری زیادی دارد. در دوره های گوناگون دیگر هم همین طور است. نگذارید که دشمن از  
 بی بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتهای را واژگونه در چشمان جلوه دهد."

## انواع تحلیل ها

### ۱. تحلیل مسائل اعتقادی

کسی که قدرت تحلیل عمیق و دقیق داشته باشد در فتنه ها و شبهات قرار نمی گیرد  
 به نظر می رسد خوارج در مساله اعتقادی قدرت تحلیل خوبی نداشتند و دین را اشتباه  
 فهمیده بودند لذا شعار لا حکم الا لله می دادند

خطبه ۴۰؛ و من کلام له علیه السلام فی الخوارج لما سمع قولهم «لا حکم الا لله»  
قَالَ علیه السلام کَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ نَعَمْ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ لَا أَمْرَ إِلَّا لِلَّهِ  
وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ  
فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفُئُوءُ وَيَقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي  
حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ

افرادی که در مورد خداوند قائل به تجسیم و شرک می شوند دچار ضعف تحلیل  
اعتقادی هستند که اینگونه افراد لازم است به آموزه های قرآن کریم پایبند باشند  
خطبه ۹۱؛ فَانْظُرْ أَيُّهَا السَّائِلُ فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَةٍ فَأَنْتُمْ بِهِ وَاسْتَضَى بِثُورٍ  
هَدَايَتِهِ وَمَا كَلَّفَكَ الشَّيْطَانُ عِلْمَهُ مِمَّا لَيْسَ فِي الْكِتَابِ عَلَيْكَ فَرَضُهُ وَلَا فِي سُنَّةِ النَّبِيِّ  
(صلی الله علیه وآله) وَأَيُّمَةُ الْهُدَى أَثَرُهُ فَكُلِّ عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ مُنْتَهَى حَقِّ اللَّهِ  
عَلَيْكَ

## ۲. تحلیل مسائل سیاسی

اگر تحلیل مسائل سیاسی در ما ضعیف باشد به سرعت در برابر حيله های دشمن فریب  
می خوریم و دشمن در ما نفوذ می کند

خطبه ۱۲۲؛ أَلَمْ تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حِيلَةً وَغِيْلَةً وَمَكْرًا وَخَدِيعَةً إِخْوَانُنَا وَأَهْلُ  
دَعْوَتِنَا اسْتَقَالُونَا وَاسْتَرَاخُوا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَالرَّأْيُ الْقَبُولُ مِنْهُمْ وَالتَّنْفِيسُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ  
لَكُمْ هَذَا أَمْرٌ ظَاهِرُهُ إِيمَانٌ وَبَاطِنُهُ عُدْوَانٌ وَأَوَّلُهُ رَحْمَةٌ وَآخِرُهُ نَدَامَةٌ

## ۳. تحلیل مسائل نظامی

مسائل نظامی باید به شکل صحیح انجام شود تا منجر به پیروی در برابر دشمن شود

خطبه ۱۱؛ و من کلام له علیه السلام لابنه محمد ابن الحنفية لما أعطاه الراية يوم الجمل  
تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ عِصْ عَلَى نَاجِدِكَ أَعْرِ اللَّهُ جُمُجْمَتَكَ تَذُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ اِزْمِ  
يَبْصِرَكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَغَضَّ بَصْرَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ



۴. تحلیل مسائل اجتماعی

۵. تحلیل مسائل اقتصادی

### پیامدهای عدم قدرت تحلیل

۶. غلبه دنیا گرایی بر آخرت گرایی

الأنعام: ۳۲ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ

۷. عدم حمایت از ولی خدا

المائدة: ۲۴ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

۸. عدم تشخیص درست

البقرة: ۲۴۷ وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۹. بهانه تراشی

خطبه ۲۷

فَقُبْحاً لَكُمْ وَ تَرَحاً حِينَ صِرْتُمْ غَرَضاً يُرْمَى يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تُغَزُونَ وَ لَا تَغْزُونَ وَ يُعَصِي اللَّهَ وَ تَرْضَوْنَ فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ هَذِهِ حِمَارَةُ الْقَيْنِظِ أَمْهَلْنَا يُسَيِّحُ عَنَّا الْحَرُّ وَ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَارَةُ الْقَرِّ أَمْهَلْنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَاراً مِنَ الْحَرِّ وَ الْقَرِّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَ الْقَرِّ تَفِرُّونَ فَأَنْتُمْ مِنَ اللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَفَرُّ

## ۱۰. در خطر افتادن ناموس

خطبه ۲۷

لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقُلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُعْتَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِزْجَاعِ وَالِاسْتِزْحَامِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلَّمَ وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مُلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا

## ۱۱. نفوذ و سلطه دشمن و شکست اقتدار

خطبه ۲۵

وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَبِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَبِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ وَبِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَفَسَادِكُمْ

## ۱۲. خوار و ذلیل شدن

خطبه ۲۷

أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا وَقُلْتُ لَكُمْ اغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا

## ۱۳. از زیر کار در رفتن

فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَادَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ

## ۱۴. افتادن کشور به دست دشمن

وَمُلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانَ

## ۱۵. پشیمانی

خطبه ۳۵

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمَجْرَبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ وَتُعْقِبُ النَّدَامَةَ وَقَدْ



كُنْتُ أَمَرْتُكُمْ فِي هَذِهِ الْحُكُومَةِ أَمْرِي وَ نَخَلْتُ لَكُمْ مَخْزُونَ رَأْيِي لَوْ كَانَ يُطَاعُ لِقَصِيرٍ أَمْرٌ

## راه‌های تقویت قدرت تحلیل

### ۱. احیای عقل و خرد

به همین دلیل مهمترین کار پیامبران الهی تقویت و احیای عقل بوده است

خطبه ۱

يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ

### ۲. مطالعه تاریخ

نامه ۳۱

أَيُّ بُنَىٰ إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمِرْتُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتْ فِي آثَارِهِمْ حَتَّىٰ عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَىٰ إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَىٰ آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ

### ۳. تفکر در عبرت‌ها

النمل: ۶۹ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

خطبه ۱۰۳

رَجِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ

### ۴. بازگویی نشانه‌های قدرت خدا

العنكبوت: ۶۱ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ

### ۵. جهاد تبیین و بصیرت افزایی

خدای متعال ۵۵ مرتبه با واژه قل، پیامبرش را مامور به گفتن و بیان و تبیین کرده است

## ۶. بیان دشمنی های دشمن

البقرة: ۱۶۸ يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ  
البقرة: ۲۰۸ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ  
الأنعام: ۱۴۲ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

قسمت دوم آیات مذکور سه مرتبه در قرآن تکرار شده است

یس: ۶۲ وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ  
البقرة: ۲۶۸ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

## ۷. روشنگری نسبت به دام های دشمن

الإسراء: ۶۴ وَ اسْتَغْفِرْ مَنْ اسْتَظَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بَخِيلِكَ وَ رَجَلِكَ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عَدَهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

## ۸. مرزبندی بین حق و باطل

خطبه ۳۸

وَ إِنَّمَا سُمِّيتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَائُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى وَ أَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدُعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ

## ۹. تقویت روحیه اطاعت پذیری از رهبری





## جزء ۲۴

### نقش خواص در بیداری امت اسلامی

#### جایگاه خواص جامعه در اقتدار و تضعیف آن

غافر: ۲۸ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

در هر جامعه ای نقش خواص، حقیقتاً تعیین کننده است  
هم در اقتدار جامعه و هم در تضعیف جامعه  
خواص هستند که با بیانات و رفتار و عملکرد خود می توانند روزنه های امید را در  
دل های مردم بگشایند.  
والبته همین خواص هستند که با اشتباهات و امتیازخواهی های خود می توانند بذرهایی  
ناامیدی را در دل مردم بکارند.

به همین دلیل است که در انتخابات خود باید دقت کنیم و افرادی را در راس امور قرار  
دهیم که دلسوز مردم و نظام و حکومت و دولت باشند وگرنه اگر فردی یا افرادی را برگزینیم  
که هوای نفس آنها بر آنها غلبه دارد و مشکلات و نیازهای مردم را نمی بینند، این رفتارها،  
اقتدار نظام را می شکند و به سمت افول و تضعیف می کشاند.

خواص جامعه می توانند با یک راهنمایی درست و دقیق و به موقع، جان هایی را نجات دهند و تزلزل هایی را به ثبات برسانند و در مقابل نیز همین خواص جامعه می توانند مردم به به سمت خطا و اشتباه، کشانده و آنها را از پیروی از مولای خود باز دارند.

طلحه و زبیر در تاریخ اسلام نمونه هایی بارز و آشکار در این حوزه هستند که جزو خواص حکومت امیرالمومنین علیه السلام بودند ولی چون هوای نفس آنها و قدرت طلبی آنها غالب شد و نتوانستند در حکومت حضرت، به نان و نوایی برسند جنگ جمل را بر علیه حضرت ترتیب دادند.

همچنین عبیدالله بن عباس نیز در حکومت امام حسن علیه السلام که پسر عموی حضرت بود و از خواص ایشان؟، ولی به دلیل دنیا طلبی و پول پرستی که در وجودش بود فریب ثروت های معاویه را خورد و تعداد فراوانی از مردم را به سمت لشکر معاویه هدایت کرد. در جریان کربلا نیز همینگونه بود.

چشم مردم به دنبال خواص و سرشناسان جامعه است که اگر به اشتباه رفتند آنها نیز به اشتباه می افتند.

به همین دلیل است که مردم و مسئولین در انتخاب های خود برای کسانی که می خواهند زمام امور را به دست گیرند لازم است دقت بیشتر و بهتری به خرج دهند و خواصی را برگزینند که از نظر هوای نفس و اطاعت پذیری و دلسوزی برای نظام و حکومت و مردم مورد اطمینان باشند وگرنه اقتدار نظام و حکومت خدشه دار می شود.

## ویژگی های خواص

### ۱. ایمان

غافر: ۲۸ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدْكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

نهج البلاغه نامه ۳۸؛ أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ  
هم ایمان به خدا داشته باشد و هم ایمان به آرمان ها و اهداف نظام داشته باشد

## ۲. پرهیز از بی تفاوتی

غافر: ۲۸ وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ  
رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا  
يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ  
نهج البلاغه؛ نامه ۳۸؛ أَشَدَّ عَلَى الْفَجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ

## ۳. بصیرت

امام صادق علیه السلام در میان ویژگی های برجسته ای که حضرت ابوالفضل علیه السلام داشتند  
به بصیرت ایشان اشاره کرده و فرمودند: كَانَ عَمَّا الْعَبَّاسِ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صَلَبَ الْإِيمَانِ  
(مثير الاحزان، ص ۲۵۴)

## ۴. روشنگری

غافر: ۲۸ وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ  
رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا  
يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ  
آل عمران: ۱۸۷ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ  
فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ

## ۵. قدرت هدایت گری

غافر: ۳۸ وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ  
القصص: ۳۴ وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي  
أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

#### ۶. نهراسیدن از سرزنش ها

المائدة: ۵۴ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

#### ۷. قدرت هشداردهندگی

غافر: ۲۸ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدْكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ  
غافر: ۳۰ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ  
غافر: ۳۲ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ

#### ۸. دلسوزی

نهج البلاغه نامه ۳۴؛ إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيِّهُ أَمَرٌ مَصْرُكَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا

#### ۹. صلابت در برابر دشمن

الفتح: ۲۹ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ  
نهج البلاغه نامه ۳۴؛ وَ عَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا

#### ۱۰. شجاعت

نهج البلاغه نامه ۳۸؛ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرُّوعِ

#### ۱۱. فرمان پذیری

نهج البلاغه نامه ۳۸؛ فَإِنَّهُ لَا يُقَدِّمُ وَلَا يُخَجِّمُ وَلَا يُؤَخِّرُ وَلَا يَقَدِّمُ إِلَّا عَنْ أَمْرِي  
وَقَدْ أَتَرَكْتُكُمْ بِهِ عَلَى نَفْسِي لِتَصِيحَّتِهِ لَكُمْ وَشِدَّةِ شَكِيمَتِهِ عَلَى عَدُوِّكُمْ

## آثار حضور خواص

### ۱. اقتدار و ایجاد رعب در دل دشمن

تا زمانی که قمر بنی هاشم در روی زمین بود اقتدار سپاه امام حسین علیه السلام بیشتر بود

### ۲. تحقق آرمان ها

پیشرفت اسلام در اوان ظهورش به برکت رهبری های رسول خدا صلی الله علیه و آله و شخصیتی چون امیرالمومنین علیه السلام بود که با شجاعت و اقتدار تمام پشت رسول خدا ایستاد و در همه شرایط از ایشان حمایت کرد

و البته خواصی چون عبدالمطلب و ابوطالب و خدیجه سلام الله علیهم اجمعین که نقش حمایت ها و روشنگری های اینان و بالاخص امام علی علیه السلام نقش بسزایی در پیشبرد اهداف اسلام داشت.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز در پرتو رهبری های حکیمانه امام راحل بود اما آنچه که هدایت های رهبری را به منصفه ظهور رساند و مردم را با آن هدایت ها آشنا کرد زحمات و تلاش های خواصی چون آیت الله سعیدی، آیت الله مطهری، آیت الله خامنه ای، و دیگر شخصیت هایی بود که آنها را برای مردم روشن کردند

### ۳. همراهی کردن مردم از خواص مقبول

خواصی که می توانند نقش موثری داشته باشند کسانی بوده و هستند که مقبولیت هم داشتند لذا فردی که انتخاب می شود اگر با مقبولیت مردم همراه باشد و اطاعت مردم از او را در چپ داشته باشد قدرت و اقتدار حاکمیت نیز افزون خواهد شد

نهج البلاغه نامه ۳۸؛ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا أَمْرَهُ فِيمَا طَابَقَ الْحَقَّ فَإِنَّهُ سَيَفُ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ لَا كَلِيلَ الظُّبَةِ وَلَا نَابِيَ الصَّرِيْبَةِ فَإِنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تَنْفِرُوا فَانْفِرُوا وَإِنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تَقِيمُوا فَاقِيمُوا

#### ۴. خواص محرم اسرار نظام هستند

خطبه ۱۷۵

وَ اللَّهِ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمَخْرَجِهِ وَ مَوْلَجِهِ وَ جَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ وَ لَكِنْ أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا فَيَئِ برَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَلَا وَ إِنِّي مُفْضِيهِ إِلَى الْخَاصَّةِ مِمَّنْ يُؤْمِنُ ذَلِكَ مِنْهُ

### خطرات و آسیب های خواص

#### ۱. ویژه خواری

متاسفانه بسیاری از اصحاب رسول خدا ﷺ در صدر اسلام و تعداد فراوانی از خواص انقلاب بعد از جنک به سراغ سهم خود از انقلاب رفته و به همین دلیل نگاه مردم تغییر کرد و چه بسا نسبت به آرمان ها نیز مردد شدند.

#### ۲. دنیاگرایی

النساء: ۷۷ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَ لَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا

#### ۳. دعوت دیگران و عمل نکردن خودشان

البقرة: ۴۴ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَ تَعْقِلُونَ

الصف: ۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

الصف: ۳ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

#### ۴. سوء استفاده از مقام و پست

نهج البلاغه نامه ۵

وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ

#### ۵. تک روی و عدم مشورت با فرمانده و رهبر

نهج البلاغه نامه ۵

لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَنَاتَ فِي رَعِيَّةٍ وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتَ مِنْ خُزَانِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ وَلَعَلِّي أَلَا أَكُونَ شَرُّ وَلَاتِكَ لَكَ وَالسَّلَامُ

#### ۶. اختلاس

نامه ۴۱

فَلَمَّا أَمَكَّنْتُكَ الشَّدَّةَ فِي خِيَانَةِ الْأُمَّةِ أَسْرَعْتَ الْكَرَّةَ وَعَاجَلْتَ الْوُثْبَةَ وَاخْتَطَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةِ لِأَرْوَاحِهِمْ وَأَيْتَامِهِمْ اخْتِطَافَ الذَّنْبِ الْأَزَلِّ دَامِيَةِ الْمِعْزَى الْكَسِيرَةِ

### فرمایش رهبری

بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی بصیرتی اند؛ نمی فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می پرانند؛ به نفع جبهه ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدم های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی بصیرتی است دیگر. بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر؛ ۱۳۸۸/۰۵/۱۸

دشمن انواع و اقسام کار را می کند؛ انواع و اقسام فعالیت را می کند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است.



می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم إن شاء الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸ / ۰۷ / ۰۲



## جزء ۲۵

### مشورت و دوری از استبداد

#### مشورت و اقتدار

الشوری: ۳۸ وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

#### مشورت رسول خدا و پیشوایان دین

##### ۱. مشورت گرفتن رسول خدا ﷺ

رسول خدا ﷺ نیز چنین بود و مصداق آشکار آن را در صحنه نبرد احزاب مشورت کرد و پیشنهاد حفر خندق توسط سلمان فارسی را پذیرفته و به آن عمل کردند.

##### ۲. مشورت گرفتن امام علی علیه السلام

امیرالمومنین علیه السلام به ابن عباس فرمودند:

لَكَ أَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ وَ أَرَى فَإِنْ عَصَيْتُكَ فَأَطِيعْنِي ( نهج البلاغه قصار ۳۲۱)

بر تو لازم است به من مشورت دهی اما در نهایت من هستم که باید نتیجه بگیرم لذا اگر بعد از نکات مشورتی تو با آ مخالفت کردم و راه دیگری را رفتم نباید ناراحت شوی و باید مرا اطاعت کنی.

بنابراین امام و رسول هم که انسان های کامل هستند از مشورت دوری نمی کنند و خدای متعال هم در قرآن کریم امر به مشورت کرده است:

آل عمران : ... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ  
و البته یکی از نشانه های مومنین را هم مشورت در امور می داند :  
الشوری : ۳۸ وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آمَرُوهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

### ۳. مشورت گرفتن امام صادق علیه السلام

المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۰؛ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: اسْتَشَارَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ مَرَّةً فِي أَمْرٍ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ مِثْلِي يُشِيرُ عَلَيَّ مِثْلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا اسْتَشَرْتُكَ همانگونه که در نمونه های تاریخی قابل مشاهده است هر جا مشورت بوده، اقتدار هم در پی آن ایجاد شده است همانگونه که در جنگ احزاب نیز پیروزی با مسلمین بود چون پیشنهاد سلمان در حفر خندق مورد استفاده قرار گرفت.  
در جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس نیز هر جا فرماندهان با هم مشورت می کردند و از تک روی دوری می کردند پیروزی هایی را به دنبال داشتند کما اینکه بسیاری از آنها را شنیده و خوانده اید

### آثار مثبت مشورت

#### ۱. داشتن پشتیبان و رسیدن به اقتدار

قصار ۱۱۳؛ لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ

#### ۲. استفاده از خرد جمعی

قصار ۱۶۱؛ مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا

### ۳. رسیدن به اقتدار

المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۰؛ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص مَا الْحَزْمُ قَالَ مُشَاوَرَةُ ذَوِي الرَّأْيِ وَاتِّبَاعِهِمْ<sup>۱</sup>.

### ۴. دوام عزت و اقتدار

همان؛ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَنْ يَهْلِكَ أَمْرُكَ عَنْ مُشْوَرَةٍ رَسُولِ خِدا ﷺ مِی فرماید:

المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۲؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَإِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَظَبَ

### ۵. خطاها کم می شود

قصار ۱۷۳؛ مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرْءَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا

### ۶. مسیر هدایت و اقتدار مشخص می شود

نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱؛ الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ

### ۷. کسب دانش صحیح

مصباح الشریعه، ص ۱۵۲؛ فِي الْمُشَاوَرَةِ اكْتِسَابُ الْعِلْمِ

## آثار مخرب استبداد و عدم مشورت

### ۱. هلاکت و عدم موفقیت

نهج البلاغه قصار ۱۶۱؛ مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا

۱ (۵) - ج ۱۵، کتاب العشرة، «باب المشورة و قبولها و من ينبغي استشارته»، (ص ۱۴۵، س ۸).

## ۲. شکست حکومت

امیرالمومنین علیه السلام علت شکست عثمان در خلافت را استبداد به رای و عدم مشورت وی دانسته و فرمود:

خطبه ۳۰؛ اَنَا جَامِعٌ لَكُمْ أَمْرُهُ اسْتَأْثَرَ فَاسَاءَ الْأَثَرَةَ وَ جَزَعْتُمْ فَاسَأْتُمْ الْجَزَعَ وَ لِلَّهِ حُكْمٌ وَاقِعٌ فِي الْمُسْتَأْثَرِ وَ الْجَزَاعِ  
بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۵؛ قَالَ الصَّادِقُ ع الْمُسْتَبِدُّ بِرَأْيِهِ مُوقُوفٌ عَلَى مَدَاحِضِ الزَّلَلِ.

## ۳. پشیمانی و ندامت

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: مَنْ لَمْ يَسْتَشِرْ يَنْدَمْ

## ویژگی های مشاور

### ۱. خدامحور باشد

بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۹۸؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع شَاوِرٌ فِي حَدِيثِكَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ

### ۲. ترسو نباشد

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۵۹؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرْ جَبَاناً فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ

### ۳. بخیل نباشد

وَلَا تُشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ

### ۴. حریص نباشد

وَلَا تُشَاوِرْ حَرِيصاً فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَهَا

### ۵. عاقل باشد

بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۰؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اسْتَزِدُوا الْعَاقِلَ وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا

همان؛ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اسْتَشِيرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَإِيَّاكَ وَالْخِلَافَ فَإِنَّ خِلَافَ الْوَرَعَ  
عيون الحكم ص ۴۴۰؛ مَنْ اسْتَشَارَ ذَوِي [النُّهَى وَ] الْأَلْبَابِ أَذْرَكَ الصَّوَابَ.

#### ۶. دلسوز باشد

المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۲؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَيَمْنٌ وَتَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَإِيَّاكَ وَالْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَظَبَ

#### ۷. راز دار باشد

بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۲؛ أَنْ تُظْلِعَهُ عَلَى سِرِّكَ فَيَكُونَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ بِنَفْسِكَ ثُمَّ يُسِرَّ ذَلِكَ وَيَكْتُمَهُ

#### ۸. تجربه داشته باشد

قَالَ الصَّادِقُ ع شَاوِرٌ فِي أُمُورِكَ مِمَّا يَفْتَضِي الدِّينَ مَنْ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ عَقْلٌ وَحِلْمٌ وَتَجَرِبَةٌ وَنُصْحٌ وَتَقْوَى  
قَالَ النَّبِيُّ ص الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَتُطِيعَ أَمْرَهُ.



## جزء ۲۶

### کمک به دیگران

#### کمک به دیگران

الذاریات: ۱۹ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ  
البقرة: ۲۷۴ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ  
رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
المائدة: ۲... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ  
إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

یکی از عواملی که قطعاً در اقتدار جوامع تاثیرگذار است دیگرینی و برون گرایی و سرکشی به نیازمندان در جامعه و فراسوی جامعه است.

جامعه ای که مسئولین و مردم آن به فکر نیازمندان باشند و نسبت به داشته های خود بخل نورزیده و اجازه بهره مندی از دارایی های خود را به دیگران هم بدهند این جامعه امید است به اقتدار و سربلندی برسد چرا که خدای متعال این رویه و منش را می پسندد و در قرآن کریم نیز به این منش توصیه فرموده است کما اینکه یکی از ویژگی های متقین را توجه به نیازمندان معرفی کرده است متقینی که همواره مور عنایت خدای متعال هستند و اقتدار و قدرت را از او دریافته اند؛

الذاریات: ۱۹ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ



و در توصیف مصلین حقیقی نیز فرموده است؛

المعارج؛ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۲۳) وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴)  
لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (۲۵)

جامعه ای که تمام سرمایه های مادی و معنوی خود را برای مرفهین هزینه کند و چشم خود را بر روی نیازمندان و فقرای آن جامعه ببندد طولی نمی کشد که به زوال و افول خواهد داد.

این وعده الهی است که اگر سرمایه ها را به سمت خود کشاندید از دست شما بیرون می آورد مانند آن باغی که تصمیم گرفتند شبانه میوه های آن را بچینند اما به نیازمندان ندهند در حالی که قبل از ورود آنان به باغ، به خاکستر تبدیل شد.

سوره قلم؛

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَ لَا يَسْتَشْنُونَ (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱) أَنْ اْعْدُوا عَلَى حَزْبِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲) فَانْطَلَقُوا وَ هُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳) أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ (۲۴) وَ غَدُوا عَلَى حَزْبٍ قَادِرِينَ (۲۵) فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ (۲۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷)

بنابراین جامعه ای که بنای او بر این باشد که همه سرمایه ها را به سمت جمع کردن بکشاند و از کمک به نیازمندان غافل شود همین بلا بر سر او خواهد آمد  
خدای متعال می فرماید:

انسان هایی که باتقوا بوده و مورد عنایت من هستند در اموال خود حق و حقوقی برای نیازمندان قرار می دهند.

همین عبارت حکایت از راهبرد اقتدار متقین و مصلین دارد

امیرمومنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

حکمت ۲۴۴؛ إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا فَمَنْ أَدَاهُ زَادَهُ مِنْهَا وَ مَنْ قَصَّرَ فِيهِ خَاطَرَ بَزَوَالِ نِعْمَتِهِ

حکمت ۴۲۵؛ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرُهَا فِي أُنْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا





فَإِذَا مَنَّوْهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَىٰ غَيْرِهِمْ  
البقرة: ۲۶۲ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى  
لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
البقرة: ۳ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

### کمک به کشورهای دیگر

این نعمتی که امیرمومنان علیه السلام در نهج البلاغه از آن سخن می گویند و آن انفاقی که خدای متعال در قرآن کریم از آنه سخن می گوید قطعاً نعمت های محدودی نیست و البته نیازمندان هم فقط به نیازمندان داخلی و البته نیازمندان مالی منحصر نمی شود بلکه اگر دیگر کشورها را نیز اجازه بهره مندی از سرمایه ها و داشته های خود بدهیم در همان حوزه به اقتدار خواهیم رسید

مانند همکاری کشور عزیز ما با دیگر کشورها در حوزه علم و فناوری

در حوزه مسائل نظامی و دفاعی و ...

در حوزه مسائل امنیتی و فرهنگی

و در بسیاری از حوزه های دیگر

اگر کشور ما در همه این عرصه ها به دیگر کشورها کمک می کند در حقیقت به اقتدار

خودش کمک کرده است

متأسفانه برخی افراد ساده اندیش و سطحی نگر به این نوع از کمک های جمهوری اسلامی ایران به کشورهای چون سوریه/ف عراق، لبنان و ... اعتراض می کنند که چرا باید از داشته ها و سرمایه های خود به آنها بدهیم، اینها سرمایه هایی است که ما برای به دست آوردنش سختی ها کشیده ایم

در حالی که از این نکته مهم در غفلتند که این کمک ها حکایت از اقتدار کشور ما و نیاز آنها به کشور ماست که هرچه بیشتر به آنها کمک شود بر اقتدار ما افزوده می شود فرستادن مستشارهای نظامی و جنگی به کشورهایی همچون سوریه و لبنان نشان دهنده قدرت استشاری ما در منطقه و نفوذ نیروهای ما در مسائل رزمی و نظامی است که قدرت ما

را در منطقه فریاد می زند.

ارسال موشک های متعدد و لوازم جنگی به کشورهای نیازمند قدرت دفاعی ما را فریاد می زند و بر اقتدار دفاعی و نظامی ما می افزاید.

بنابراین کمک به دیگران نیز یکی از عوامل مهم اقتدار است چرا که به همگان می فهماند ما از این نعمت ها و از این سرمایه ها برخوردار هستیم و نگاه چپ دشمن را بر ما می بندد.

با به رخ کشیدن این نعمت ها در همه عرصه ها، دشمن دچار اشتباه محاسباتی خواهد شد و تمام نقشه های دشمن را نقش بر آب خواهد کرد.

## انواع کمک به دیگران

کمک به دیگران در دو حوزه قابل تعریف است

### کمک به نیازمندان داخلی

کمک به نیازمندان داخلی بیشتر در حوزه نیازهایی است که به معیشت و زیست مردم و شهروندان مرتبط است و البته موجب اقتدار مردم خواهد شد همانگونه که در زمان حصر رسول خدا و پیروان ایشان در شعب ابی طالب، انفاق جناب ابوطالب بود که به مسلمین قوت و قدرت بخشید تا بتوانند حصر را تحمل کنند و موجبات پیروزی مسلمین را در پی داشت (الاختصاص ص ۱۴۷)

آموزه های دینی ما از این نوع کمک به دیگران از عنوان انفاق بهره گرفته و آثار و برکات فراوانی را برای آن مطرح کرده و ترک آن را نیز دارای عقوبت می داند از نگاه آموزه های دینی سرمایه داران لازم است به فکر مستمندان و گرفتاران باشند و از آنها دستگیری کنند

نزه الناظر، ص ۸۱؛ امام حسین علیه السلام [وَ اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَحُوزُوا نِقْمًا، وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْمَعْرُوفَ يَكْسِبُ حَمْدًا، وَ يُعْقِبُ أَجْرًا، فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا جَمِيلًا يَسُرُّ النَّاطِرِينَ وَ يَفُوقُ الْعَالَمِينَ

نهج البلاغه؛ خطبه ۱۴۲؛ فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَلْيُحْسِنْ مِنْهُ الصِّيَافَةَ وَ لِيُفُكَّ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِيَ وَلْيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ  
اگر دستگیری از نیازمندان صورت نگیرد حسرت روز قیامت را در پی دارد که به تعبیر  
امیرالمومنین (علیه السلام) بزرگترین حسرت روز قیامت است؛  
نهج البلاغه حکمت ۴۲۹: إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ  
طَاعَةِ اللَّهِ فَوَرَّثَهُ رَجُلًا فَوَرِّثَهُ رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَ دَخَلَ الْأَوَّلُ  
بِهِ النَّارَ

### کمک به نیازمندان خارجی

کمک به نیازمندان خارجی را می توان به دو بخش تقسیم کرد.

#### معیشتی

گاه کشورهایی در بلاهایی مانند سیل و زلزله و ... قرار می گیرند و نیازمند به کمک های  
معیشتی هستند.

#### غیرمعیشتی

##### ابزار دفاعی

گاهی کشوری مورد تجاوز دشمن قرار می گیرد و نیازمند سلاح و ابزار دفاعی است  
کمک کردن در هر کدام از موارد مذکور می تواند حس دوستی میان ما ایجاد کند و  
میزان کمک به آنها نیز می تواند بر اقتدار و قدرت ما بیفزاید.

#### مسائل علمی

گاه نیز در مسائل علمی و فناوری نیز تبادلی میان ما و کشورها صورت می گیرد که این  
هم موجب سرافرازی ماست و پیشرفت های علمی ما به رخ جهانیان کشیده می شود

#### تبادلات

این مساله که با عنوان تبادل و واردات و صادرات مطرح می شود به شیوه چشم گیری  
بر اقتدار کشورها می افزاید.



اصل حضور یک کشور در مساله تبادل با کشورهای دیگر نشاندهنده قدرت در ساخت  
ابزار و لوازمی است که می تواند با کشورهای دیگر خرید و فروش کند و همین مساله می  
تواند بر اقتدار یک کشور بیفزاید.  
هرچقدر میزان صادرات یک کشور و تعداد اقلام صادراتی یک کشور به کشورهای  
دیگر بیشتر باشد اقتدار و قدرت آن کشور را بیشتر می کند.

## جزء ۲۷

### عدالت

الحديد: ۲۵ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

خدای متعال عدل محض است ( خطبه ۲۱۴؛ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ عَدْلٌ عَدَلٌ )

النساء: ۴۰ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

یونس: ۴۴ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

امیرالمومنین علیه السلام در روز نخستی که به خلافت ظاهری رسیدند سخنرانی مفصلی کردند که بخش هایی از آن در نهج البلاغه آمده است از جمله در خطبه ۱۵ می فرماید  
وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ صَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلَ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ  
حضرت می فرماید در عدالت ورزی توسعه و پیشرفت است و اگر عدالت کنار گذاشته شود توسعه ای در کار نخواهد بود و حکومت به افول می انجامد.  
ایشان همچنین در توصیف اولیای خدا و اوتاد می فرماید:

خطبه ۸۷

قَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ فَاسْتَخْلَصَهُ فَهُوَ مِنْ مَّعَادِنِ دِينِهِ وَأَوْتَادِ أَرْضِهِ قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ  
أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ يَصِفُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ  
اولین نشانه عدالت او این است که خودبینی و خودخواهی را کنار گذاشته و هیچ حرکتی  
و رفتاری را در راستای منفعت خویش انجام نمی دهد.

### ضرورت اجرای عدالت

تحف العقول، ص ۳۲۰؛ امام صادق علیه السلام ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَ  
الْعَدْلُ وَ الْخُصْبُ

### انواع عدالت

عدالت در همه امور مورد پسند است

#### ۱- عدالت در نگاه:

نهج البلاغه نامه ۲۷؛ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ  
لَهُمْ وَلَا يَتَأَسَّ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَائِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ  
مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ

#### ۲- عدالت در سخنگویی:

الأنعام: ۱۵۲ وَ لَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا  
الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا  
المحاسن، ج ۱، ص ۸؛ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ يَضْمَنْ لِي أَرْبَعَةَ أَضْمَنْ لَهُ بِأَرْبَعَةِ آيَاتٍ فِي  
الْجَنَّةِ أَنْفَقَ وَ لَا تَخَفْ فَقْرًا وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ أَفْشِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ وَ اتْرِكِ الْمِرَاءَ  
وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا.

### ۳- عدالت در رفتار با کفار و دشمنان:

المائدة: ۸ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ  
البقرة: ۱۹۱ ... وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ  
البقرة: ۱۹۴ ... فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

### ۴- عدالت در مدح و انتقاد:

قصار ۳۴۷

النَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقَ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ

### ۵- عدالت در محیط خانه یا ( عدالت در رفتار با همسر )

النساء: ۳ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنًى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا

### ۶- عدالت در اقتصاد:

#### الف- عدالت در توزیع:

الإسراء: ۳۵ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

الأعراف: ۸۵ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
هود: ۸۵ وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ



لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

الشعراء: ١٨٣ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

المطففين: ١ وَيُلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ

المطففين: ٢ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

المطففين: ٣ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

ب- عدالت در بهره گیری و مصرف:

الأعراف: ٣١ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

٧- حکومت و داوری بر اساس عدل و قسط:

النساء: ٥٨ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ

تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

المائدة: ٤٢ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلشُّحِّ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ

عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ

يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

٨- قیام بر مبنای قسط:

الحديد: ٢٥ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ

بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ



## برکات عدالت در جامعه

### ۱. آبادانی و اقتدار جامعه

عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۸۱؛ امام علی علیه السلام: مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ.

### ۲. نفوذ ناپذیری و عدم شکست دولت ها

غرر الحکم، ص ۵۵۵؛ امام علی علیه السلام: لَنْ تَحْصُنَ الدَّوْلُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ فِيهَا.

### ۳. نظم و انضباط در جامعه

قصار ۴۳۷

سُئِلَ عليه السلام أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوِ الْجُودُ فَقَالَ عليه السلام الْعَدْلُ يَصْنَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا

### ۴. بی نیازی مردم

کافی، ج ۳، ص ۵۶۸؛ امام صادق علیه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تَنَزَّلَ السَّمَاءُ رِزْقُهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

### ۵. صبر و تحمل نیازمندان

خطبه ۲۰۹

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَنْبَغِ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ

### ۶. ساماندهی امور مردم

غرر الحکم، ص ۸۱۵؛ الرَّعِيَّةُ لَا يُضْلِحُهَا إِلَّا الْعَدْلُ.

وقتی امور مردم سامان گرفت بر حمایت از دولت و حکومت بر می خیزند و موجبات اقتدار جامعه فراهم می شود



## ۷. ایجاد مهر و محبت در جامعه

نامه ۵۳

إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنٍ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَإِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَتِهِمْ عَلَى وِلَاةِ الْأُمُورِ وَقَلَّةِ اسْتِثْقَالِ دُولِهِمْ

## مضرات عدم عدالت

### ۱. ترک وطن توسط شهروندان

قصار ۴۷۶

لِزِيَادِ ابْنِ أَبِيهِ وَقَدْ اسْتَحْلَفَهُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَلَى فَارِسٍ وَأَعْمَالِهَا فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ كَانَ بَيْنَهُمَا نِهَاءٌ فِيهِ عَنْ تَقَدُّمِ الْخَرَجِ. اسْتَغْمِلِ الْعَدْلَ وَاحْذَرِ الْعُسْفَ وَالْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ

### ۲. شکست اقتدار و ایجاد درگیری در جامعه

وَاحْذَرِ الْعُسْفَ وَالْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ

### ۳. گسترش فقر در جامعه

قصار ۳۲۸

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ

## فرمایشی از رهبری بزرگوار

### ۱. عدالت آرزوی بزرگ ما

استقرار عدالت، نفی تبعیض، نفی فاصله‌های طبقاتی؛ اینها جزو آرزوهای بزرگ است.



اصلاً در قرآن، اقامه‌ی قسط را مسئله‌ی اصلی و هدف پیغمبران میداند: لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (۱) ما [هم] راه پیغمبران را میرویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم میرویم. بنابراین قطعاً عدالت، یکی از برترین یا شاید بشود گفت برترین آرمان و ارزشی است که دنبالش بایستی باشیم. با لفاظی هم عدالت درست نمیشود. عدالت البته چیز سختی است؛ اجرای عدالت جزو سخت‌ترین کارها است. ۰۷/۰۳/۱۳۹۷ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

## ۲. عدم اجرای عدالت، نقطه ضعف انقلاب اسلامی ایران

در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه‌ی مورد نظر اسلام نرسیده‌ایم؛ این هم از نقطه ضعفهای ماست.

۱۴/۱۱/۱۳۹۰؛ خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی

## ۳. لزوم قرار گرفتن عدالت به عنوان یکی از ارکان الگوی پیشرفت

[مساله ششم در باب محتوای اسلامی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت] در خصوص مسئله‌ی اقتصاد، آقایان بحثهای خوبی کردید. «کی لا یكون دولة بین الأغنياء منكم» (۱) یک معیار مهمی است. مسئله‌ی عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو [الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت] باید حتماً مسئله‌ی عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومتهاست. یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است. ۱۰/۰۹/۱۳۸۹ بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی

## ۴. عدالت واقعی در دوران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف رخ خواهد داد

اگر ما جامعه‌ی بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را می‌رود، [این] سؤال مطرح است که این کاروان به کجا می‌رود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ منتهاالیه این سیر کجا است؟ این یک سؤال جدی است؛ این باید در هر جهان‌بینی‌ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده‌اند. پاسخ‌های نحله‌های فکری غیر دینی در این زمینه یکسان نیست، لکن پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است؛ پاسخ مشخصی

است. تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسی از ادیان الهی اند، می‌شناسیم - ولو خودشان هم الهی نباشند، اما پیدا است اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته‌اند - همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده‌ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته‌ی عمومی بشریت از اوّل تا امروز و تا آخر است. اینهایی که سعی میکنند در مبانی و تفکرات اصولی، معتقد به تنوّع و تغییر و تحوّل و مانند اینها بشوند، این را نمیتوانند انکار کنند که خواسته‌ی بشریت از روز اوّل تا امروز چند خواسته است، که از جمله‌ی اساسی‌ترین آنها عدالت است؛ بشر دنبال عدالت [است]؛ هیچ وقت از این خواسته منصرف نشده است و در نهایت، این خواسته برآورده میشود، که در آثار ما [آمده]: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (۱) - در اغلب متون «كَمَا مُلِئَتْ» [است]، در بعضی هم «بَعْدَ مَا مُلِئَتْ» - این پاسخ همه‌ی ادیان است. در واقع هر فردی از آحاد بشر میدانند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این جور باید بگوییم که یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ و خم‌های دشوار، از معبرهای سخت، از کوهستانها، از وادی‌ها، از درّه‌ها، از لجن‌زارها، از خارزارها، همین‌طور دارد عبور میکند، راه را میپیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه‌ای برساند؛ این نقطه کجا است؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جاده‌ی مهم، یک جاده‌ی باز، یک راه هموار. همه‌ی آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت در همان کوره‌راه‌ها و در همان فرازونشیب‌ها و در همان خارستانها و لجن‌زارها و مانند اینها بوده است؛ بشریت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. ۲۱/۰۳/۱۳۹۳

بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحديث» و پژوهشگاه

## جزء ۲۸

### جلوگیری از نفوذ دشمن

#### چیستی نفوذ

آیات مورد بحث؛ ۸ تا ۱۳ سوره مبارکه مجادله

دشمن برای نفوذ در مراکز تصمیم سازی، تصمیم گیری و سیاست گذاری و مانند آن، از همه افراد و توان خود بهره می برد. براساس آموزه های قرآنی، آنجا که از نظر آنان هدف وسیله را توجیه می کند، به بدترین روش ها تلاش می کنند تا مقاصد و اهداف خود را برآورده سازند. اما نفوذ در اصطلاح علوم نظامی به معنای ورود به مکانی به وسیله چیرگی و غلبه و پیشروی آشکار و نهان است. قرآن بیان می کند که ذوالقرنین برای دفاع در برابر حملات یاجوج و ماجوج، یک دیوار دفاعی از آلیاژ آهن و مس گذاشته در میان دره ای از دو کوه ساخت که قابل نفوذ نبود.

جریان نفوذ، جریانی نرم و آرام است که در قالب جنگ نرم برای رسیدن به اهداف سلطه و غلبه و تغییر حکومت و حاکمیت و آئین و فلسفه و سبک زندگی، در همه عرصه ها و حوزه های گوناگون اجتماع وارد شده و با استفاده از همه سازوکارها بر اساس توجیه وسیله با هدف، فعالیت می کند. نویسنده در این مطلب با استفاده از آموزه های قرآنی به چیستی نفوذ، انواع، اهداف و سازوکارهای آن پرداخته است.

نفوذ در اصطلاح علوم نظامی به معنای ورود به مکانی به وسیله چیرگی و غلبه و پیشروی



آشکار و نهان است. قرآن بیان می کند که ذوالقرنین برای دفاع در برابر حملات یاجوج و ماجوج، یک دیوار دفاعی از آلیاژ آهن و مس گذاشته در میان دره ای از دو کوه ساخت که قابل نفوذ نبود.

الکھف: ۹۷ **فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا**

اما در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، نفوذ به معنای «راه یافتن پنهانی در گروهی یا جایی به منظور «هدفی» است. (نگاه کنید: فرهنگ عمید، ذیل واژه) این هدف شامل تاثیر گذاشتن، ضربه زدن، قدرت یابی، اعتباریابی، اطلاعات گیری و مانند آن انجام می گیرد.

## انواع نفوذ و نفوذی ها

از نظر قرآن نفوذی ها به چند گروه تقسیم می شوند:

### ۱. نفوذی های نظامی

این گروه با نفوذ در جامعه اسلامی درصدد خرابکاری نظامی و جاسوسی نظامی و مانند آن هستند.

التوبة: ۴۷ **لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ یَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِیْكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللّٰهُ عَلِیْمٌ بِالظَّالِمِیْنَ**

### ۲. نفوذی های اقتصادی

المائدة: ۴۲ **سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِّلْسَخْتِ فَإِنْ جَاؤْكَ فَآخُكُمْ بَیْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ یَضُرُّوكَ شَیْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَآخُكُمْ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ**

از این آیه به دست می آید که گروهی از افراد اجتماع به عنوان جاسوس اقتصادی عمل می کنند و بر آن هستند تا با نفوذ در مراکز قدرت و تصمیم گیری اجتماع چون مجلس و قوه اجرایی و نظامی و قضایی، مال حرام کسب کرده و به قدرت اقتصادی خویش بیفزایند. اینان به ظاهر دنبال عدالت هستند، ولی از آن گریزان بوده و به هر شکلی بر آن هستند تا



مسئولان و رهبران را دور بزنند و با کسب اطلاعات از مراکز گوناگون، مالی را به ظلم به دست آورند.

### ۳. نفوذی های فرهنگی

المائدة: ۴۲ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

از همین آیه ۴۲ سوره مائده می توان نقش و کارکرد نفوذی های فرهنگی را به دست آورد. خداوند در آیه به پیامبرش می فرماید: آنان که به سخنان تو خوب گوش می سپارند تا بهانه و دستاویزی برای حق ستیزی و دروغ انگاشتن پیام خدا و پیامبرش بیابند و برآنند که از زبان تو دروغ بسازند و پخش کنند. پس یکی از کارهای نفوذی ها، کسب همه گونه اطلاعات به شکل بسیار دقیق و کامل است تا بتوانند با تحلیل آن، عناوین و یا مطالبی را بیابند که برای شبهه افکنی و ایجاد تشویش در جامعه مفید باشد.

آنان درصدد هستند تا نقص و تضاد و اختلافی را درپیام های رهبر جامعه یافته و آن را برجسته ساخته و با دروغ همراه سازند و علیه فرهنگ دینی مردم به کار گیرند. تحریفگری بویژه تحریف معنوی با حذف ظاهر کلمه و جمله از مهم ترین راه هایی است که نفوذی ها از آن سود می برند.

### ۴. نفوذی های سیاسی

نفوذی های سیاسی به هدف ضربه زدن به موقعیت رهبر جامعه فعالیت می کنند. از این رو، اتهام زنی و دروغ بستن به رهبری و مسئولان در حوزه های مختلف چون اقتصادی، جنسی، سوء مدیریت، عدم کارآمدی و مانند آن مدنظر قرار می گیرد. در ادامه بحث به آیات آن اشاره می شود.

### ۵. نفوذی های اعتقادی

از نظر قرآن، نفوذی ها یک جریان علیه حق و در خدمت شیاطین استکباری هستند.

نفوذی ها همان راه و روشی را در پیش می گیرند که ابلیس مستکبر در پیش گرفت و بر آن است تا انسان را از مسیر حق و عدالت بیرون برد. ابلیس مستکبر سوگند خورده و گفته است؛  
الحجر: ۳۹ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

## اهداف نفوذ

### ۱. تغییر حاکمیت و حکومت

المائدة: ۴۹ وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنِ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَم أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

جریان نفوذ همه تلاش خود را می کند تا حاکمیت و حکومت را تغییر دهد. این تغییر گاه همراه با حذف و گاه با تغییر عقاید و افکار و گاه با تغییر در مسئولان و رهبران همراه است. به این معنا که گاه با ترور فیزیکی شخص رهبر، بر آن هستند تا حکومت و حاکمیت تغییر یابد، چنانکه با ترور حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و نیز پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آن بودند تا این تغییر حاکمیت و حکومت رخ دهد؛ و گاه با حفظ رهبری با استفاده از انواع حربہ تزویر و تهدید و تشویق و اغواگری درصدد برمی آیند تا اصول اساسی فکری و رفتاری رهبری یا رهبران تغییر یابد. خداوند به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هشدار می دهد که نباید گوش به حرف های کسانی دهد که به عنوان دلسوزی خواستار تغییر مواضع رهبری هستند.

المائدة: ۴۹ وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنِ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَم أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

خداوند بیان می کند که چگونه سامری به عنوان یک نفوذی بر آن شد تا حکومت و حاکمیت را از دست حضرت هارون به عنوان خلیفه موسی عَلَيْهِ السَّلَام بیرون برد و مردم را تحت حکومت خود درآورد.



الأعراف: ۱۴۸ وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خُلِيِّهِمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُوارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ  
الأعراف: ۱۴۹ وَ لَمَّا سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ يَغْفِرَ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

الأعراف: ۱۵۰ وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاخَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

## ۲. تغییر فلسفه و سبک زندگی

از دیگر اهداف نفوذی ها، تغییر فلسفه و سبک زندگی اسلامی و قرآنی است. آنان بر آن هستند تا گفتمان خود را بر فرد و گروه و یا جامعه تحمیل کنند و گفتمان اسلامی را از دایره رقابت بیرون نمایند.

البقرة: ۱۲۰ وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ

## ساز و کارهای نفوذ

دشمن برای نفوذ در مراکز تصمیم سازی، تصمیم گیری و سیاست گذاری و مانند آن، از همه افراد و توان خود بهره می برد. براساس آموزه های قرآنی، آنجا که از نظر آنان هدف وسیله را توجیه می کند، به بدترین روش ها تلاش می کنند تا مقاصد و اهداف خود را برآورده سازند. از جمله ساز و کارهای دشمن و نفوذی ها برای رسیدن به اهداف عبارتند از:

### ۱. شبهه افکنی

نفوذی ها در جامعه سعی می کنند تا انواع شبهات را در جامعه رواج دهند. آنان با رصد

دقیق اطلاعات و اخبار و مواضع رهبری بر آن هستند تا متشابهات را انتخاب کرده و زمینه را برای تحریف محکّمات و تضعیف آن فراهم آورند. این گونه است که شبهه افکنی و بهره گیری از متشابهات کلامی به عنوان یک ساز و کار در دستور کار آنان قرار می گیرد.

آل عمران : ۷ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

آل عمران ۱۶۱ : وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلْ مَنْ يَعْلَلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ  
یونس ۷۸ : قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتْلِفَتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمُ بِمُؤْمِنِينَ

## ۲. ایجاد اختلاف

الأنفال : ۴۶ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ  
النساء : ۵۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

## ۳. بهره گیری از نقاط ضعف

طه : ۸۸ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَإِلَهُ مُوسَى فَانْسِي

## ۴. بهره گیری از ابزارهای جنگ نرم

دشمن از همه ابزارهای تغییر فکر و فرهنگ و سبک زندگی استفاده می کند. از این رو بهره گیری از محافل نجوا و توطئه چینی با استفاده از مراکز مقدسی چون مسجد در دستور

کار قرار می‌گیرد تا با استفاده از اطلاعات و اخبار درونی جامعه، شرایط و موقعیت‌ها تحلیل و براساس آن فعالیت انجام گیرد.

التوبة : ۱۰۷ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيُخْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

جالب اینکه در این مراکز و محافل به نیروهای نفوذی آموزش داده می‌شود چگونه برای رسیدن به مقاصد شوم خود از سادگی افراد و یا افراد سست ایمان استفاده کنند و آنان را همراه خویش سازند. بخش اعظم از شایعاتی که در جامعه منتشر می‌شود به وسیله همین سست ایمان‌ها و افراد ساده لوح است که به عنوان طنز و جوک و لطیفه و مانند آن به پخش شایعات در جهت اهداف فکری و فرهنگی و نظامی و سیاسی دشمن اقدام می‌کنند

سوره نور ۱۱-۱۹

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)  
لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲)

لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۳)

وَ لَوْ لَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ رَحِمَتْهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵)

وَ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَاذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶)

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷)



وَيُيَسِّرُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١٨)  
 إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ  
 الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (١٩)

خداوند در آیاتی به یکی از ترفندهای دشمن که در محافل نجوا ساماندهی و طرح ریزی  
 شده اشاره می کند و پرده از جریان نفوذی این چنین برمی دارد:

البقرة: ١٤ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ  
 إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ

## ۵. تحریف گری

المائدة: ٤١...يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ ...

## ۶. شایعه سازی و شایعه پراکنی

الأحزاب: ٦٠ كَيْنَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي  
 الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

## راه های مقابله با نفوذیان

۱. جهت گیری درست در مقابل جریان نفوذ (آیات ۸ تا ۱۳ سوره مجادله)

۲. کنترل مرزها و تمام راه های نفوذ دشمن

آیه ۵ سوره مبارکه توبه اشاره دارد که برای سرکوبی دشمنان توطئه گر، مرزها و تمام راههای  
 نفوذ را کنترل کنیم.

التوبة: ۵ فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ  
 وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا  
 سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

این مهم حاصل نمی شود مگر با هوشیاری عناصر امنیت افرین در کشور که در راس آن نیروی های خدوم انتظامی قرار دارد. نیروهای مسئول باید تلاش کنند که به صورت شبانه روزی روزنه های ممکن که دشمن از طریق آن میخواهد نفوذ نماید را پایش نموده و آسیب پذیری جامعه را به حداقل برساند. در این میان نقش مردم هم قابل چشم پوشی نیست. مردم میتوانند حامی این نیروها بوده و خود نیز با هوشیاری تمام سبب شوند که نفوذیان نتوانند با تکیه بر نقاط آسیب زا امنیت عمومی را به مخاطره بیندازند.

### ۳. حضور آگاهانه در فضای مجازی

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه) در جمع فرماندهان نیروی انتظامی، درباره اهمیت توجه به فضای مجازی و حفظ امنیت این فضا و جلوگیری از امکان نفوذ دشمن چنین میفرمایند:

« یک نکته ی دیگری که شماها میتوانید نقش ایفا کنید در داخل کشور که دیگر ربطی به این رونق تولید ندارد، مسئله ی امنیت فضای مجازی است. امروز فضای مجازی در زندگی مردم، دیگر مثل پنج سال پیش و ده سال پیش نیست؛ گسترش فضای مجازی یک گسترش بسیار وسیع و عظیمی است. خوب، این فضای مجازی منافع دارد، امکاناتی دارد، خطراتی هم دارد، خطرات بزرگی هم دارد. اگر چنانچه این فضا ناامن باشد برای مردم، ضررش را مردم می بینند. ما بیشتر از خیلی از کشورها، دشمن داریم؛ دشمن هم راه های نفوذ را پیدا میکند و یکی از راه های نفوذ، همین مسئله ی فضای مجازی است. شما هم میتوانید نقش ایفا کنید، نقش مهمی میتوانید ایفا کنید؛ در این مسئله به طور کامل، به صورت جدی وارد بشوید.»<sup>۱</sup>

۱. یانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۰۸/۰۲/۱۳۹۸



## جزء ۲۹

### علم و دانش

#### علم اقتدار است

آیه مورد استناد؛ القلم: ۱ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

خدای متعال تنها کسانی را در برابر خود متواضع می داند که اهل علم و دانش اند  
فاطر: ۲۸ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ  
مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ  
و قطعاً کسانی که از کسی جز خدا پروا ندارند در برابر تمام قدرت ها و ابر قدرت ها هیچ  
گونه ترسی به دل راه نمی دهند

#### اقتدار آفرینی علم

۱. رسیدن به مقام فرمانروایی

البقرة: ۲۴۷ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ  
الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ  
عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ  
بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۳؛ قَالَ الصَّادِقُ ع الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ وَالْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ  
عَلَى الْمُلُوكِ.

## ۲. شجاعت تمام

امام راحل بعد از سخنرانی ۱۴ خرداد که مامورین ساواک شبانه به منزلشان ریختند و ایشان را دستگیر کردند، می فرمودند: «مامورین پس از اینکه مرا گرفتند، در اتومبیل انداخته و به سرعت خیابانهای قم را پشت سر گذاشته، رو به سمت تهران به راه افتادند؛ ولی پیوسته با نگرانی به پشت سر خود و این طرف و آن طرف نگاه می کردند. پرسیدم از چه می ترسید و نگران چه هستید؟ گفتند: می ترسیم مردم ما را تعقیب کنند و به دنبال ما بیایند، چون مردم شما را دوست دارند.» بعد امام فرمودند: «والله من نترسیدم ولی آنها آنقدر می ترسیدند که اجازه ندادند برای نماز صبح پیاده شوم. می گفتند می ترسیم مردم برسند و از این رو من ناچار شدم همانگونه که در بین دو مامور در اتومبیل نشسته بودم، نماز خود را نشسته بخوانم.» (برداشت هایی از سیره ی امام خمینی رحمه الله؛ جلد دو، صفحه ۲۳۰).

این شجاعت به دلیل خداترسی امام بود و تنها قدرتی را که در برابر او ترس داشت خدای متعال بود و از هیچ قدرت دیگری نمی ترسید. بنابراین عالمی که به مسائل پیرامونی خود علم داشته باشد و قدرت خدا را بداند مقتدر و شجاع است.

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹؛ الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالَ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صِيلَ عَلَيْهِ

مساله اقتدار علم و دانش آنقدر مهم است که حتی برخی افرادی که حقیقتاً هم علمی ندارند ولی ادعای علم و دانش می کنند و اگر او را عالم بدانند خوشش می آید و همین مساله برای شرافت علم و دانش و آقایی آن کافی است:  
الحکم ص ۳۸۷؛ امام علی علیه السلام كَفَى بِالْعِلْمِ شَرَفًا أَنَّهُ يَدْعِيهِ مَنْ لَا يُحْسِنُهُ وَيَفْرَحُ بِهِ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ.

## ۳. عدم کرنش در برابر دیگران

در اقتدار آفرینی علم و دانش همان بس که وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام می فرماید: اگر خدا را شناختی فقط او را عبادت می کنی و وقتی او را عبادت کردی از سرخم کردن در برابر دیگران بی نیاز می شوی



پس علم و دانش است که به انسان قدرت معرفت خدا را می دهد و در پی کسب معرفت الهی از کرنش در برابر دیگران رهایی می یابد

بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲ اَبی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْتَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ

#### ۴. اعتبار و ارزشمندی در نزد خداوند

و شخص عالم نسبت به شخص جاهل در برابر خداوند متعال نیز مقامات ویژه ای دارد  
المجادلة: ۱۱... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ  
الزمر: ۹... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

#### ۵. اعتبار و ارزشمندی در نزد مردم

همچنین در کلام نبی خدا ﷺ آمده است که بیشترین ارزش و اعتبار از آن کسی است که علم دانش بیشتری دارد  
امالی صدوق، ص ۲۱؛ رسول خدا ﷺ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا

یوسف: ۵۵ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ

#### ۶. بصیرت دهی به جامعه

کافی، ج ۱، ص ۶۱؛ امام صادق (علیه السلام)؛ الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ

## فرمایشات رهبر معظم انقلاب؛

### ۱. علم اقتدار است

مسئله‌ی پیشرفت علمی را که بنده سالها است روی آن تکیه میکنم، همچنان مورد تکیه است. باز هم عرض میکنم: العِلْمُ سُلطان، علم اقتدار است، علم قدرت است و باید دنبال علم بود. محیط‌های دانشگاهی، محیط‌های تحقیقاتی و پژوهشی حتماً بایستی به مسئله‌ی علم توجه کنند. ضمناً توجه بکنید، اینکه من تأکید میکنم روی مسئله‌ی علم، [برای این است که] علم برای پیشرفت کشور است، علم برای گشایش افق آینده است، علم برای همان چیزی است که من سالها پیش گفتم که پنجاه سال بعد باید ما به جایی برسیم که هر کسی خواست از تازه‌های علمی دنیا بهره ببرد، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ علم با این نیت، با این هدف. آن کسانی هم که در دنیا علم را پیش بردند، کسانی هستند که با این جور هدفها وارد شدند، وَاِلَّا [اینکه] دنبال کار علمی باشیم برای سود شخصی نقد کوتاه مدّت خودمان، نه، این ارزش زیادی ندارد؛ عمده نگاه کردن به علم با آن نگاه افق گشای این جوری است. ۲۸/۰۲/۱۳۹۹؛ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ایشان در فرمایش دیگری فرمودند:

پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند میکند. مجری عزیزمان امروز حدیثی را خواندند: العِلْمُ سُلطان؛ «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که آن را داشته باشد «صَال»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صیلَ عَلَیه»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد یعنی زیر دست خواهد شد؛ این علم [است]. امروز شما این را مشاهده میکنید؛ آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به خاطر علمی که تحصیل کرده‌اند، توانسته‌اند همه‌ی دنیا را تصرف کنند. شما میدانید آمریکا، انگلیس، فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی - حتّی کشورهای کوچک - سالهای متمادی، بعضی شان قرن‌ها، توانستند کشورهایی را تصرف کنند، هستی‌های آنها را به باد بدهند و نابودشان کنند؛ بر ملّتها اقتدار پیدا کردند و مسلّط شدند، به خاطر علم؛ دنبال علم بودند. ما غفلت کردیم، از قافله‌ی علم عقب ماندیم، با آن سابقه‌ی تاریخی، با این استعداد درخشان! [اُمّا] دیگران جلو افتادند؛ ما

باید این را جبران کنیم. ۱۳۹۶/۰۷/۲۶؛ بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی

## ۲. کشور را به آقای می رساند

جهش علمی را نباید بگذاریم متوقف بشود. کشور اگر به علم پردازد و علم را پیش ببرد، آقا خواهد شد؛ به معنای واقعی کلمه: الْعِلْمُ سُلْطَانُ اِذَا قُدِّرَتْ مِیْخَوَاهِیْم، اگر عزّت می‌خواهیم، اگر این را می‌خواهیم که ما مرجع مراجعات کشورها و دولت‌ها باشیم، نه اینکه آنها مرجع مراجعات ما باشند، باید علم را تقویت کنیم؛ و این ممکن است و این عملی است. بنده حدود چهارده پانزده سال قبل از این، مسئله‌ی علم را و عبور از مرزهای موجود علم را و ابتکار علمی را مطرح کردم؛ یک عده‌ای گفتند نمیشود؛ بعضی‌ها آمدند در تلویزیون گفتند نمیشود. امروز ملاحظه می‌کنید که شده؛ همه اعتراف می‌کنند که شده. سرعت پیشرفت کشور از متوسط سرعت پیشرفت علمی دنیا چندین برابر بیشتر بود؛ البته ما چون خیلی عقیم، این سرعت پیشرفت باید سال‌ها ادامه پیدا کند تا برسیم به آن خطّ مقدّم. لکن [این سرعت] بیشتر بود و الان کم شده؛ این کم شدن را هم من هشدار دادم [اما] یک عده‌ای اعتراض کردند. امروز یا دیروز در خبرها خواندم که وزیر علوم گفته که سرعت پیشرفت علمی کم شده؛ ببینید! این را ما شاید حدود شش هفت ماه قبل از این در صحبت‌مان گفتیم، بعضی‌ها هم خوششان نیامد و اعتراض کردند لکن الان وزیر علوم دارد می‌گوید که سرعت پیشرفت [علم] کم شده. نباید بگذاریم کم بشود؛ بایستی پیشرفت علمی با جدّیت تمام دنبال بشود. اگر پیشرفت علمی را ما دنبال کردیم، آن وقت اقتصاد دانش پایه - که سرمایه‌گذاری‌اش اندک است [اما] فرآورده و محصولش بسیار زیاد است - در اختیار ما قرار خواهد گرفت.

۱۳۹۴/۱۲/۲۰؛ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری

## ۳. اقتدار در گرو علم است

جوانها باید به علم پردازند. بارها من گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم: اقتدار حقیقی یک ملت در گرو علم است. علم است که بقیه‌ی منابع و مایه‌های اقتدار را به کشور ارزانی میدارد. از علم غفلت نکنید؛ چه دانش‌آموزتان، چه دانشجویان؛ در هر رتبه‌ای که هستید. مسئله‌ی علم، مسئله‌ی تحقیق، مسئله‌ی مهمی است در کنار انگیزه‌ی دینی. دین خیلی

با ارزش است. دین فقط برای آباد کردن آخرت نیست، دین دنیای شما را هم آباد میکند. دین به شما شور و نشاط و طراوت و تازگی میبخشد. دین به شما این روحیه را میدهد که در مقابل چشمتان همه‌ی این قدرتهای مادی کوچک بشوند، حقیر بشوند، تهدید آنها اثر نکند، کار آنها اثر نکند. بدانید پیروزی با شماست، نصرت الهی با شماست. همین ابرقدرتهای تهدید کننده - حالا دنباله‌های داخلی‌شان که جای خود دارند - و مراکز قدرت استکباری و تهدیدها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی در مقابل یک ملت مقتدر و باایمان ندارند. به خدای متعال اعتماد داشته باشید، حسن ظن داشته باشید. اینی که خدا با تأکید میفرماید: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ بی شک، بدون تردید خدای متعال آن کسانی را که دین او را و اهداف او را یاری کنند، یاری خواهد کرد، این سخن راستی است، این وعده‌ی صادقی است. به این اعتماد کنید. با اقتدار، با عزم کافی، با تهذیب نفس، با خودسازی - هم خودسازی علمی و هم خودسازی اخلاقی - پیش بروید. ان شاء الله روزی را خواهد دید که کشورتان به برکت مجاهدتهای شما در اوج افتخار و در قله‌ی اقتدار باشد. ۱۲/۰۸/۱۳۸۸

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا

## جزء ۳۰

### ادب در گفتار و رفتار

#### ادب در گفتار و رفتار

النازعات : ۱۸ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى

النازعات : ۱۹ وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى

النازعات : ۱۷ اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

در سوره مبارکه طه نیز اینگونه آمده است؛

طه : ۴۲ اذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي وَ لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

طه : ۴۳ اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

طه : ۴۴ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْتِنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى

خدای متعال در قرآن کریم دستور به گفتار نیک می دهد.

البقرة : ۸۳ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ

ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا

همچنین خدای متعال در مورد رسول اکرم ﷺ می فرماید: اگر خوش رفتار نبودی

اطراف تو را نمی گرفتند.

آل عمران: ۱۵۹ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

و در جای دیگری فرموده است:

القلم: ۴: وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ

امیرمومنان علی علیه السلام یکی از عوامل اقتدار و برتری را ادب دانسته و در کلام زیبایی فرموده اند:

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۴: عَلَيَّكُمْ بِالْأَدَبِ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُلُوكًا بَرَزْتُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ وَسَطًا فُقُتُمْ، وَ إِنْ أَعُوَزْتَكُمْ الْمَعِيشَةُ عِشْتُمْ بِأَدَبِكُمْ؛

بر شما باد ادب داشتن که اگر سرمایه دار و مالک باشید مقتدرتر می شوید و اگر در حد وسط باشید برتری یابید و اگر فقیر باشید مودبانه زندگی می کنید بنابراین ادب در گفتار و رفتار می تواند تاثیر فراوانی در جذب دیگران داشته باشد.

### چیستی ادب

ادب عبارت است از ظرافت و قاعده مندی و حسن عمل. و طبیعی است که زمانی یک عمل می تواند از ظرافت و زیبایی برخوردار باشد که منع عقلی و یا دینی و یا عرفی نداشته باشد پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح ادب معنا ندارد و نمی توان گفت که فلان شخص مودبانه حق دیگری را غصب کرده است یا وقتی خواسته چیزی را از کسی بدزدد این دزدی او مودبانه انجام گرفته است. همچنین ادب در کارهای اختیاری است یعنی شخص می توانسته آن کار را به چند صورت انجام دهد مثلاً می توانسته خوابیده غذا بخورد یا در حال راه رفتن چیزی بخورد ولی این شخص سر سفره نشسته و با آرامش و با گفتن بسم الله و به آرامی شروع به خوردن غذا کرده است.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این است که ادب در میان اقوام و مذاهب مختلف، متفاوت است چرا که ملاک و معیار خوبی و بدی در بین آن ها متفاوت است.

برای همین چه بسا کاری در بین یک قومی یا پیروان یک مذهبی ادب به حساب بیاید و در بین قوم دیگر نه! مثلاً در بین مسلمانان ادب این است که در هنگام به هم رسیدن باهم مصافحه کنند (دست بدهند) و سلام کنند. اما در جای دیگر، ادب را در برداشتن کلاه یا تعظیم های خاص شبیه به سجده و یا دست روی هم گذاشتن بدانند. که این تفاوت، تفاوت در مصداق ادب است و الا همه به لزوم رعایت ادب معتقدند ولی شکل ادب در بینشان متفاوت است.

در بین هر ملتی، آداب و رسوم آن ها مانند آئینه ای است که افکار و خصوصیات اخلاقی و حتی اعتقادی آن ها را به تصویر می کشد که در طول سالهای متمادی به مرور در بینشان نهادینه شده است. شاید بعضی ها خیال کنند که اخلاق و آداب یکی است در حالی که این طور نیست چون اخلاق عبارتست از ملکات راسخه در روح، و در حقیقت وصفی است از اوصاف روح، ولی آداب عبارتست از هیات های زیبای مختلفی که اعمال صادره از آدمی متصف بدان می گردد و اعمال آدمی نحوه صدورش بستگی به صفات مختلفه روحی دارد و بین این دو قسم اتصاف (اتصاف روح به اخلاقیات و اتصاف عمل به آداب) فرق بسیاری است، پس تفاوت ادب با اخلاق در این است که ادب، از ویژگی های عمل است یعنی قالب عمل به شمار می رود ولی اخلاق، به روح عمل مربوط است و چیزی است که در درون فرد می گذرد. البته مودب بودن هم یکی از خلقیات به حساب می آید.

پس معلوم شد که آداب ناشی از اخلاق و اخلاق زائیده از مقتضیات اجتماع است. و مطلوب نهایی انسان در زندگی همان چیزی است که ادبش را در رفتار مشخص ساخته و برایش خط مشی ترسیم می کند که در کارهایی که به منظور رسیدن به آن مطلوب انجام می دهد از آن خط مشی تعدی نمی کند.

## ادب در قرآن کریم

برخورد با والدین

النساء : ۳۶ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا



الإسراء: ۲۳ وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا  
الإسراء: ۲۴ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

### ورود به خانه دیگران

النور: ۲۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسْلِمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ  
الأحزاب: ۵۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ...

### ادب مناظره با مخالف

النحل: ۱۲۵ ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

### ادب شنیدن صحبت‌ها

الزمر: ۱۸ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

### ادب در صحبت کردن

النساء: ۶۳ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا  
طه: ۴۴ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

### ادب نیکی به دیگران

النساء: ۸۶ وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا



### ادب مهمانی

الأحزاب: ۵۳ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ

### ادب نشستن در مجالس عمومی

المجادلة: ۱۱ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

### ادب هم صحبتی با بزرگان

النور: ۶۳ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

الحجرات: ۲ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

### ادب بر خورد با سفيهان

الفرقان: ۶۳ وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

النساء: ۵ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

### ادب و تاثیر آن در جذب دیگران

رسول خدا ﷺ در کلامی نورانی به این نکته اشاره فرموده اند که با مال و ثروت و بذل و بخشش مال نمی توانی دل های مردم را به دست بیاوری اما با حسن خلق و اب در رفتار

و گفتار می توانی آنها را به سمت خود جلب کنی .

کافی، ج ۲، ص ۱۰۲ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ.  
تحف العقول، ص ۵۳؛ إِنَّ اللَّهَ جَبَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَبُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا.

اساساً یکی از عوامل مهم پیشبرد اسلام در اهداف خویش، اخلاق خوب رسول خدا ﷺ و ادب ایشان با مردم بود.

یکی از همسایگان آن حضرت. که مردی یهودی بود. هر روز به هنگام عبور آن حضرت، از بالای بام به بهانه ریختن خاکروبها در کوچه، خاکستری همراه با آتش بر سر و صورت آن حضرت می ریخت. این برنامه هر روز ادامه داشت؛ تا آن که روزی پیامبر ﷺ از کوچه گذشت و متوجه خاکستر همسایه یهودی نشد. آن حضرت کنجکاو گشته، علت آن را جویا شد. اصحاب و یاران عرض کردند: بحمدالله مریض شده است و در بستر بیماری به سر می برد؛ پیامبر به قصد عیادت به طرف منزل یهودی حرکت کرد، هنگام در زدن، همسر آن مرد یهودی از پشت در منزل گفت: کیست؟ حضرت جواب داد: پیامبر اسلام! زن گفت: کارت چیست؟ حضرت فرمود: به عیادت شوهرت آمده ام! زن بی اختیار در را باز کرد. حضرت داخل شد و کنار بستر یهودی قرار گرفت. پیامبر ﷺ با احوالپرسی به گونه ای برخورد کرد که گویا این یهودی هیچگونه اذیت و آزاری نسبت به پیامبر اکرم ﷺ روا نداشته است!

وقتی یهودی این شرح صدر و گذشت و اغماض پیامبر ﷺ را دید، عرض کرد: یا رسول الله! آیا این برخورد جزء برنامه دین توست، یا از اخلاق شخصی شماست؟ حضرت فرمودند: جزء برنامه دین اسلام است.

و همین رفتار ایشان موجب مسلمان شدن آن مرد یهودی گردید.

شکی نیست که هر فرد یا اجتماعی از ادبیات مناسبی برخوردار باشند دوستان و یاران او نیز فراوان خواهند شد و به اقتدار نسبی خواهد رسید  
امیرمومنان در حکمت ۲۱۴ نهج البلاغه می فرماید:

مَنْ لَانَ عُودَهُ كَثَفَتْ أَغْصَانُهُ

هرکس نرم خود و خوش برخورد و خوش گفتار باشد دوستان و یارانش فراوان خواهند شد  
فراوانی دوستان و یاران حکایت از اقتدار دارد.

ایشان در جای دیگری فرمودند:

غرالحکم، ص ۲۶۷؛ إِنَّكَ مُقَوِّمٌ بِأَدَبِكَ فَرْيَنُهُ بِالْحِلْمِ.

بنابراین ادب داشتن و مودب بودن نیز در کنار دیگر مقومات اقتدار می تواند یکی از عوامل به حساب آید که لازم است فرد مسلمان از سیره و منش اهل بیت پیاموز و خود را به این صفت، مزین کند.

البته ادب داشتن و مودب بودن به معنای پذیرفتن ظلم و تعدی نیست بلکه انسان مومن مقتدر در عین حالی که مؤدب است اگر به حقوق او تجاوز و تعدی شود و به او ظلم شود زیر بار ظلم نمی رود و جهاد با ظالم را و شهادت در راه دفاع از حق و حقیقت و ناموس را ترجیح می دهد

همانگونه که وجود نازنین سید الشهداء علیه السلام فرمودند:

الا وَاِنَّ الدَّعَىٰ بِنِ الدَّعَىٰ قَدْ رَكَزْنِي بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ هِيَهَاتَ مِنَ الدَّلَةِ

و در تعبیر دیگری فرمودند:

تحف العقول، ص ۲۴۵؛ فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا

## منابع:

۱. حبیب‌بن ابراهیم تفریسی، وجوه قرآن، چاپ مهدی محقق، تهران ۱۳۵۹ ش، ص ۸۱ و ۸۰؛ ویکی شیعه، حکمت، <https://fa.wikishia.net/view>
۲. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س). ۲۲ ج. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ایران، تهران. ۱۳۷۸. <http://www.imam-khomeini.ir>
۳. خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۰۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. <http://www.imam-khomeini.ir>
۴. فنایی اشکوری، محمد (۱۳۹۸)، سخن نخست: حکمت چیست و حکیم کیست؟، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱ <http://ensani.ir/fa/ar>
۵. نشست انسان در عصر فضای مجازی (۱۴۰۰)، قم: دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی پژوهشگاه فضای مجازی <http://csri.ir>
۶. <http://alvahy.com>
۷. <https://khamenei.ir>
۸. نرم افزارهای نور، جامع التفسیر ۳. تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۲۲۳-۲۱۵  
تفسیر المیزان ج ۱۳ ص ۳۰۶  
تفسیر المیزان ج ۱۷ ص ۴۰۵  
تفسیر المیزان ج ۱۷ ص ۳۳-۳۴  
تفسیر المیزان ج ۱ ص ۱۱۷  
تفسیر المیزان ج ۱۶ ص ۳۸۸  
تفسیر تسنیم ذیل آیه ۴۶ سبا  
صحیفه امام ج ۱. تاریخی ترین پیام سیاسی امام  
اصول کافی ج ۱ باب عقل و جهل  
بررسی های اسلامی ج ۱ مقاله اسلام شناسی  
نهج البلاغه. خطبه اول  
توحید صدوق باب ۲. حدیث ۲.  
التحقیق مرحوم مصطفوی  
فروق اللغة ابن هلال  
مجمع البحرين  
تاج العروس